

نمایندگان باشند و حفظ حقوق خودشان را کاملاً بکنند اگرچه تمام نمایندگان حفظ حقوق آنها را میکنند حالا برای اینکه کلدانی ها جمعیتشان کم است بگوئیم که شا حق وکیل ندارند و بشما وکیل نمیدهیم پس مغیر معتمد نباید اینطور بفرمایند بلکه باید از روی کتاب و براین عقیده عقلی باید اهالی آذربایجان را متقاعد کنند اگر میخواهیم ملاحظه بعضی خدمات دیگر اهل آذربایجان بکنیم اقلام مثل سایر ولایات و ایالات بآنها نماینده بدهیم و باید مجلس شورای ملی سایر ولایات را هم اضافه بنهد علاوه عرض میکنم در سایر شهرها و توابع آذربایجان هم که معین کرده اند خیلی ظلم شده است یکی را مثل میزن تا بعد در موفتش که وارد شدیم عرض میکنم که چطور بآنها ما هم ظلم شده است مثلا اردبیل و مشکین و آستارا زمین اجارود و خلخال و غیره را آورده اند و نفر نماینده داده اند در صورتیکه خود خلخال ابتدای خاکش الی اردبیل ۳۰ فرسخ است و عرضش ۶ فرسخ و از روی مالیات بدعی او خوب معلوم میشود تقریباً ۳۶۰ بارجه آبادی دارد و دوازده هزار جمعیت دارد و قصبائی که پنجهزار چهار هزار سه هزار جمعیت دارد و مشکین خودش بیش از آنها جمعیت دارد که تمام آنها را در موقع خودش عرض میکنم و بنده مجدداً عرض خودم را تکرار میکنم یک تعدی فوق العاده بملت آذربایجان و آذربایجانی شده است و از حقوق ملی آنها کم کرده اند و بنده بفرمایند که فرمودند قانع نشد

معرض الملک - البته بعضی از نقاط ایران هستند که در راه آزادی مملکت خدمات زیاد کردند که عده آن نقاط آذربایجان است که اگر تمام ملت ایران بخواهد پادشاه خدمات آنها را بدهد از هیچ جای شبهه نیست و هیچکس نمیتواند شک و شبهه داشته باشد ولی چیزی که هست کمیسیون انتخابات و قتیقه قانون انتخابات امینوش همچو نظر نداشت که بواسطه خدمت حق وکیل بآنها بدهند و تصور میکردند که نظر نمایندگان بر این نخواهد بود که در مقابل خدمات باید نماینده بدهند بلکه ملاحظه نفوس آنجا را باید کرد و حق وکیل داد پس اگر بآن نظر بود ممکن بود برای آذربایجان از برای این پادشاه خدمت حق هزار نماینده داد و شاید بعضی از نقاط دیگر هم بودند که مبیایست حق هیچ نماینده بآنها نداد البته در مملکتی که هیچ احصایه ندارد و جمعیت او هم نصف درست اختلاف دارد یعنی یکمقابل و دو مقابل میگوبند از ۲۰ کرور تا ۴۰ کرور میگوبند در یک همچو مملکتی عده نمایندگان یا عده نفوس را معین کردن از روی چه قاعده باید باشد غیر از اینکه باید از روی یک جمعیت تخمین باشد و آن جمعیت تخمینی را کی باید معین بکنند البته آن کسانی که از محل اطلاع دارند الا وسیله دیگری که درست نیست پس بقیه من ۴۰ کرور جمعیت دارد این عقیده من نمیتواند سند قاطعی شود برای یک حق دیگری که حکم همان ۴۰ کرور است پس در اینصورت ممکن نیست که از روی یک میزان صحیحی معین کرد پس مجبور هستیم عده که تخمینی تمام مملکت ایران را معین کنیم بنا اینکه ممکن است

که بگوئیم در باب عده تخمینی تمام ایران هر قدر که نماینده در اینجا باشد باید همانقدر هم مخالفت در آنجا باشد غیر از این نیست عقیده مختلفه اتفاقاً برای همین بوده است بنا بر این هم هیئت دولت و هم کمیسیون انتخابات رجوع کردند تا کسانی که در آذربایجان حکومت داشته اند و اطلاعات مجلسی داشته اند از قبیل شاهزاده فرمان فرما و آقای علامه الدوله و حاج معتمد السلطنه و سهام الدوله و کسانی که در آذربایجان بوده اند و اطلاعات مجلسی دارند علی الخصوص که بعضی از نمایندگان آذربایجان هم بوده اند و آنچه که معین شد برای آذربایجان همانطور که مغیر معتمد هم فرمودند ۱۸ نفر بود و آنچه از طرف دولت معین شده بود ۱۸ نفر بود این یک نفریکه اینجا اضافه شده است یک چیز است که خود کمیسیون اضافه کرده است برای این بوده است که رفع اشکالات مجلسی بشود و دو باره عرض میکنم چون درست عدد نفوس در دست نیست و سندی در دست نیست و سندی در دست نداریم که بتوانیم بطور تحقیق جمعیت آنجا را معین بکنیم علی ایحال بانظریات و اطلاعات اشخاصی که از طرف دولت بصیر بودند و اطلاعات مجلسی داشته اند برای مملکت آذربایجان ۱۸ نفر نماینده معین کرده اند و یک نفر هم اضافه شده است شده است ۱۹ نفر که چندین اسباب دلخوری نباشد وقت مجلس هم زیادتر ازین ضایع نشود و آقای هشترونی فرمودند که در یک جلسه حاضر بودند و باقی جلسه را تشریف نداشتند اتفاقاً این حوزه بندی در جلسه بیروزی بود که خودشان هم تشریف داشتند و حاجی معین الرعایا هم تشریف داشتند اگرچه اظهار کردند که کم است ولی تاین درجه مخالفت نداشتند و دیگر اینکه اگر برخی فرض کنیم که برای آذربایجان مطابق عقیده بعضی آقایان که میگوبند خمس ایران است جمعیتش و بنده هم نمیخواهم مخالفتی در این باب بکنم اگر جمعیت آذربایجان را خمس حساب بکنیم تخمینی نماینده او از ۱۸ نفر اضافه شود بنده عرض میکنم که جمعیت آذربایجان که زیادتر از چهار کرور و یک چیزی بالا نخواهد شد و البته وقتی میگوبند که جمعیت فلانجا چهار کرور است ایلات هم جزو اوست ملل متنوعه هم جزو او است کلدانیها که در آنجا هستند با کلیه آنها تمام این هارا میگویند یک خمس اهالی ایران است در صورتی که خمس ایران هم باشد حق بیست نفر وکیل دارد غیر از این که نسبت حالا که ما ۲۲ نفر وکیل به آذربایجان داده ایم که ۱۹ نفر بآذربایجان هست و یک نفر بیسوی و یک نفر بکلدانی و یک نفر هم بایل شاهسون اینها ۲۲ نفر میشوند یا این که باید گفت که ایلات شاهسون که در آذربایجان هستند و یا سایرین جدا گانه حق وکیل دارند آنها خارج هستند از آذربایجان این را بنده گمان نمیکنم که هیچ نماینده بگویند زیرا که اینها تمام جزو آذربایجان محسوب میشود و شاهر چه قدر هم تصور بکنید از ۲۴ کرور جمعیت ایران بیشتر نمی شود و بیشتر از ۲۲ نفر نمیشود برای آذربایجان معین کرد بالاخره برای ایران هم یک جمعیتی باید تصور کرد که یک موافقت عملی هم داشته باشد بر فرض هم که خمس او را بگیریم از برای آذربایجان باز

۲۳ نفر زیاد از آن مقیاس از برای آذربایجان نیست عرض کردم اگر باظهارات و عقاید شخصی تکیه بکنیم در کارها آن وقت کارها خیلی مشکل است بجهت اینکه من میگوبم چهارصد نفر نماینده باید ایران داشته باشد بجهت اینکه جمعیت ایران هشتاد کرور است در صورتیکه تصدیق خواهد کرد که ایران هشتاد کرور جمعیت ندارد و یک چیز دیگری که در نظر بود میخواستم عرض کنم اینست که نظر کمیسیون و نظر کلیه و کلام این بود که طوری شود که عده نمایندگان خیلی زیاد شود و البته این مسئله قابل انکار نیست که اگر عده نمایندگان خیلی زیاد بشود بهمین نظری که نصف بلاوه یک هست هر قدر دیر تر حاضر بشود افتتاح مجلس بتأخیر خواهد افتاد پس این نظر یک نظر اساسی بود که کمیسیون خواست حتی المقدور منظور و مراعات کرده باشد از طرف دیگر اگر رجوع بکنیم بجهت وجود یک نماینده از یک مجلسی میبینیم که نماینده می تواند دو منفعت داشته باشد یا این است که جمع کردن منافع عمومی مملکت در یک نقطه معینی نمایندگان مختلفه مملکت ایران در یک نقطه که جمع شوند میتوانند منافع عمومی را حفظ کرده باشند و یک جهت دیگر که حفظ کردن این نظر باشد اجمالاً همان کار را که ۱۹ نفر میکنند همان کار را بکنند و همان کار را که بیست نفر میکنند همان کار را بکنند ۱۹ نفر هم میتوانند بکنند بدون اینکه یک سکه حقوق آذربایجان بخورد و اگر برای منافع عمومی مملکت است که یک قسمت از نمایندگان مملکت نمایندگان آذربایجان هستند و آن قسمت نمایندگان آذربایجان هم که در اینجا هستند و اگر برای حفظ کردن حقوق خصوصی آذربایجان است در آنجا همان کار را که ۲۰ نفر میکنند ۱۹ نفر هم خواهند کرد بر فرض هم از آن میزان را که نمایندگان محترم آذربایجان در نظر دارند اگر یکی دو نفر کسر شود ولی در مقابل یک منفعت بزرگتری که در نظر هست که همان حضور نصف بلاوه یک است که زودتر حاضر شوند که اگر تأخیر شود اسباب زحمت در آنجا میشود بنا بر این ترتیب اسباب سرعت کار خواهد شد و مجلس زودتر تشکیل میشود و هیچ سکه هم نمایندگان آذربایجان و حقوق آذربایجانی وارد نخواهد شد

منتصر السلطان - توضیحی میخواستم عرض کنم دو فقره توضیح داشتم یکی آنکه بنده عرض نکردم که چون آذربایجان خدمت کرده است پادشاه خدمت آذربایجانی نماینده زیادتر یا بدهند عرض کردم پادشاه خدمات آنها از حقوق نمایندگان آنها نگاهند این یکی یک توضیح دیگر این بود که بموجب کتب جغرافی جمعیت آذربایجان که یک ربع حساب کرده اند آذربایجان نفوسش را یک ربع بعضی ها یک خمس نوشته اند و کمیسیون گویا از روی نظر خودشان تبدیل میکنند در صورتیکه حق آذربایجان ۲۵ الی ۳۰ نفر نماینده است

حاج شیخعلی - اگر ما نسبت بان نقطه که نماینده هستیم هر کدام بخواهیم عده نمایندگان آن نقطه را زیاد کنیم آن وقت بفرمایش آقای معزز الملک باید عده نفوس ایران به ۷۰ الی ۸۰ کرور برسد آذربایجان نسبت بسبب وسعت ۲۶

یک تقریباً ۲۷ یک ایران است وقتی خمسش خیلی باشد دو مقابل سه مقابل چهار مقابل پنج مقابل جاهای دیگر باشد تازه ۲۶ یک است مثل وسعت خاکش نسبت بخراسان شش است و قتیقه خیلی جمعیت داشته باشد مقابل خراسان خواهد بود آن وقت چطور میشود که چهار کرور ملت ایران در آذربایجان متوطن باشد و باقی در جاهای دیگر همانطور که آقای معزز الملک فرمودند هیچ اساس در دست نداریم و همه اش تخمین و نظرات است همانطور است مابک ماخذ صحیحی در دست نداریم لکن در ارومیه تعداد نفوس کرده اند اگر ارومی احصایه شده بود و معین نشده بود یقین میکنم که ۳ نفر نماینده آنجا حق دارد در صورتیکه عده نفوس آنها را معین واحصاء کرده اند و دیدند که کلدانی صد و هشت هزار جمعیت دارد پس باید این نفوس را که هر صد هزار نفر را میخواهند بکنند بدهند پس حساب کنیم که با جاهای آذربایجان ترا که حساب کرده اند از روی این حساب بآنها حق وکیل بدهیم باین دلیل سایر نقاطی هم که حساب شده می بینیم خود بخود بنظر تخمینی صرف نیست یک نقطه که عده تخمینی او معین شده می سنجند می بینند که عده نفوس آنها از روی جمعیت ۳ کرور خواهد بود ۱۵ نفر وکیل میدهند خیلی از نقاط است که جمعیت آن بیشتر است و عده نمایندگان آنها کمتر است مثلاً خراسان است که باید ۱۷ نفر بدهند ولی بر حسب حسابی که کرده اند بملان نقطه دو نفر اضافه میدهند پس بقیه بنده عده که برای آذربایجان معین شده اگر زیاد نباشد کافی است

حاج شیخ اسدالله - این عده که از برای آذربایجان معین کرده اند اگر چه بنده عضو کمیسیون نیستم ولی میدانم بعد از چندین جلسه و مذاکرات و تحقیقات که شده است این ۱۹ نفر را برای آذربایجان معین کرده اند حالا حاج شیخ علی میفرمایند زیاد است آنرا کار ندارم و عرض میکنم که آن ۱۹ نفر کافی است اولاً اینکه کم بودنش را باین دلایلی که میفرمایند بنده مخالفم و براهینی برای این مطلب دارم از ابتدای این واپورت تا انتهای آنرا بخوانند که از برای ایالات و ولایات عده که برای هر مجلسی معین شده است بسنجدند جمعیت و مالیات آنرا با عده و جمعیت و مالیات آذربایجان که یک میزان تقریبی است در واقع میزان مالیات چیزی است که میتوان از روی آن میزان مالیات جمعیت هر جایی را خوب معین کرد و میتوان یک حدس از مالیات برای عده نفوس آنجا زد و یک حدس است نه اینکه تخمینی باشد مثلا از برای فارس ۱۲ نفر معین کرده اند و از برای آذربایجان ۱۹ نفر معین کرده اند و بنده نسبت این با آن چندر است آنوقت نسبت مالیات آنجا را با هم به سنجیم به بنیم چندر تفاوت دارد مالیات آذربایجان نقدی و جنسی هشتصد و چیزی است مالیات فارس هفتصد و چیزی است و یکصد هزار تومان فرق دارد پس بواسطه یکصد هزار تومان تفاوت مالیات ممکن است که هر آن نفوس هم بدست بیاید چند نفر خوبست زیاد بکنند اگر بنا باشد که از برای آذربایجان ۱۹ نفر وکیل زیاد تر معین کنند باید

از برای تمام ایالات و ولایات وکیل زیاد کنند بنده عرض میکنم که کلا باید ۱۲۰ نفر باشد دویست نفر باشد حالا میفرمایند آذربایجان کم است پس برای فارس هم کم است در حالیکه ۱۹ نفر برای آذربایجان کافی است و باین اصرار میخواهند که عده و کلای آذربایجان را زیاد کنند و در جاهای دیگر بگویند که نسبت اعتدال واقع شده است مثلا نسبت بایالت خراسان ۱۵ نفر وکیل داده اند حالا باید دید که مالیات آنجا چقدر است این یک تخمینی است جمعیت او هم نسبت بآذربایجان تقریباً چقدر باید کمتر باشد و نسبت بمالیات هم به بنیم چندر تفاوت دارد باید همان نسبت را دارد و آنقدر اختلاف ندارد اما اینکه آقای منتصر السلطان میفرمایند که اگر بخواهند بآذربایجان ۱۹ نفر بدهند ب دیگران هم نباید اضافه بدهند این را هم که آقای معزز الملک گفتند نمیدانم ایشان از روی چه میزان فرمودند مثلا در دفعه سابق یک مجلسی بود که کمیسیون انتخابات عده و کلای آنها را درست سنجیده بودند حالا سنجیدند و دیدند ظلم در حق آنجا واقع شده و دو نفر وکیل اضافه بآنها داده شود دو نفر اضافه کردند این دیگر محل حرف نباید باشد دو چیز نباید بدهند کمیسیون تحقیقات خودش را کرد دید نسبت بآنجا کم داده شده است اضافه کرد بنده ب همان نظراتی که عرض کردم نسبت بهمه (ایالات و ولایات و قتیقه سنجیدیم می بینیم نسبت بآذربایجان بجاهای دیگر همیشه کمتر کافی است اگر زیاد نباشد کم نیست و اگر زیاد کنند مجبورند بهمین نسبت بسایر ایالات و ولایات هم زیاد کنند بنده عرض کردم اگر میخواهند نمایندگان آنها را اضافه کنید آنوقت باید ولایات و ایالات را هم زیاد کنید مثلا میگوبند نماینده آذربایجان ۳۰ یا ۲۵ نفر باشد و فارس را میگوبند که ۱۲ نفر باشد نمیدانم از چه نظر این را میفرمایند و حال آنکه خاک فارس را بسنجدند به بنیم چندر است نفوسش را بسنجدند چقدر است مثلا کرمان و بلوچستان چقدر نسبت بآذربایجان نفوس دارد پنج نفر که برای ایالت کرمان معین کرده اند اما نسبت کرمان بآذربایجان بهمین نسبت است که این پنج نفر آنجا سی نفر داشته باشد از روی یک نظر انصافی باید نظر کرد و عده نمایندگان از روی تمام ایالات و ولایات باید تصویب شود و اگر فریز آن باشد و بنمایندگان آذربایجان اضافه شود و بجای های دیگر نشود خیلی بی انصافی است

نایب رئیس - مذاکرات کافی نیست (بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند که مذاکره کافی است قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت ۳۴ رأی تصویب شد اسامی نقاط جزء هر حوزه انتخابیه تبریز اوجان عباس - مهرانه رود - دهخواران - کوکان عجیب شیر ارواق - انزاب آلان - برفروش - وهشتروند

حاج دکتر رضا خان - گمان میکنم که همان زحمتیکه در یک درجگی و دو درجگی برای ما بود حالا هم از انتخاب عمومی و غیر عمومی گرفتار آن شده ایم چه در موادی که از پیش گذشت چه در این حوزه بندی مثلا بنده هیچ نمیدانم هشتروند که

خودش قابل است که یک نماینده بدهد برای چه جزء تبریز شده است و گناهش چیست جز اینکه بگوئیم تقصیرش اینست که همسایه یک شهری مثل تبریز شده است مثل اینست که بگوئیم یک شخصی چون همسایه شخص متولی است باید حقوق او پایمال شود بگوئیم ۹ نفر بتبریز حق میدهم و چهار جارا هم اسم می بریم اوجان عباس - مهرانه رود - دهخواران - کوکان کجا و کجا و علت اینها همه اش اینست که آن حوزه یک کرور جمعیت داشته باشد و آن صد هزار تابع آن یا نصد هزار تا باشند در صورتیکه مابین آن هزار تا اگر دو هزار نفر تعرفه گرفتند در واقع برای تعرفه گرفتن است و تمام رأی نخواهند داد مثلا از ورامین و خوار و شهریار و این اطراف بگیریم خواهیم رسید بطهران و یک مرتبه بساوجلاغ اشتهارد یرقان تا برسیم بشهر ستانک میبینیم که نوشته است تهران ده نفر وکیل بنده در حقیقت کلیه باین انتخابات مخالفم و هیچ مناسبت با آن ترتیب انتخاب مستقیم یک درجه ندارد و روح این از آن مطلع نیست

ذکاء الملک - این فرمایشیکه آقای دکتر فرمودند در کمیسیون هم مذاکره شد و تمام این نکاتی را هم فرمودند متذکر هستیم و بدویم و مذاکره کردیم و لکن آیا ممکن هست که امروز در مملکت ایران یک حوزه بندی بشود که اهالی آنجا جمع بشوند و حقیقه مشارکت بکنند و یک جماعتی از آنها محروم شوند معلوم است چنین چیزی ممکن نیست اگر دلسوزی میکنید برای اینکه یک جماعتی محرومیت از انتخاب پیدا میکند و رأی آنها مخدویت میدانی کند در انتخابات این دلسوزی را برای هر انتخابی و دو هر موردی باید داشته باشید بجهت اینکه همیشه در هر کاری یک جماعتی اقلیت و جماعت دیگری اکثریت پیدا میکنند چه در انتخاب و چه در غیر انتخاب پس آن جماعتی که اقلیت پیدا می کند بگویند که ما محروم شده ایم و در همین مورد مخصوص هم مقدم از این بالاتر نمیتوانیم بگذاریم که هر آبادی را یک حوزه یا هر چند آبادی را یک حوزه انتخابیه قرار بدهیم یا آنکه هر آبادی که وسیع است او را برای اینکار تعیین کنیم چه بکنیم در این صورت آیا باز هم ممکن است تمام مردم مشارکت بکنند در رأی یعنی در آن رأی که میدهند همه شرکت کنند تا حقوق تمام افراد مردم و آن کسانی که رأی میدهند منظور شده باشد و اگر در ایران باین وسعت خاکی که هست و کمی جمعیت اگر بخواهند حوزه بندیها را خیلی کوچک بکنند بطوری که رأی دهندگان در یک نقطه واقع شوند هم دیگر راه بنیم آنوقت لازمه اش این میشود که نمایندگان ایران را ششصد هفتصد نفر قرار بدهیم غیر از این است و این را نمیتوانیم بگوئیم و گناهش نمیکنم که کسی بگوید اینطور بکنند و قتیقه نتوانستید این کار را بکنید مجبورید که لایه بعضی آبادیها را با بعضی تنظیم کرده آنها را در انتخاب یک با چند نفر وکیل شریک کنید و قتیقه این کار را کردید در این مملکت ما که چندین آبادی است و قصبه و شهر است بسیار اتفاق می افتد که چند شهر را هم مجبور میشویم که با هم شریک کنیم در این صورت وقتی که اینطور شد نمیتوانیم بگوئیم که این اشخاص یک

تربیتی اتخاذ میکنند و واقعا بشطوری رای میدهند که شرکت حقیقی در این رای کرده باشند بلاشک بعضی از آن بلوکات که جمعیشان یا اهتمامشان در انتخاب بیشتر بوده است بیشتر تفرقه گرفته اند و رای داده اند آنوقت آن یکی که اهتمام نداشته در اقلیت مانده فرض بفرمائید دوتا شهر شاهرود و بسطام یا سنجان و دامغان که ناچاریم اینها را با هم شرکت در رأی بکنیم یکی از اینها جماعتشان باری دهنده کاشان زیادتیر میشود یا یکی از آنها بیشتر اهتمام در رأی دارند یا ترتیب انتخاب و حوزة بندیان و اینها ترتیب میدهند و در هر صورت یکی از آنها اکثریت پیدا می کند آنوقت در اقلیت واقع میشود پس یکی از این دوتا یقیناً معلوم میشود این نتیجه یک درجه است که اگر دو درجه قرار داده شده بود این عیب وقوع پیدا نمیکرد و در همان وقتی هم که مباحثه دودرجه گئی و یکدرجه گئی بود اگر میخواستند واقعا کاری بکنند که بهیچوجه رای مردم از این نرود و این عیب پیدا نشود مبیاستی انتخاب دودرجه گئی باشد و اشاره باین مطلب هم شد و الا حالا که یک درجه گئی شد این اتفاقات واقع میشود عیالاً حوزة بندیهای نقاط دیگر را میگزاریم کنار همان حوزة تهران و خوار ورامین را که آقای دکتر مثال زدند عرض می کنم اگر بفرمائید بنده که اینها خودشان می آیند و میشینند مشاوره میکنند و از برای انتخابات خودشان مذاکره می کنند و اشخاص را در نظر می گیرند و رأی درباره آنها میگیرند و شرکت حقیقی میکنند در باره آن کسی که او را خواهند انتخاب کرد و بنده عرض می کنم که اینطور نیست و نخواهد شد از آنطرف حوزةها را هم نمی توانند آنقدر کوچک بکنند که بگویند بود این هم یک نفر میدهیم که خودشان انتخاب بکنند و ناچاریم که خوار ورامین را با هم شرکت داده بکنانید با آنها بدهیم وقتیکه این کار را کردیم یا اهل ورامین اکثریت پیدا می کنند یا اهل خوار اگر اکثریت پیدا کردند ورامینیها محروم شده اند در ظاهر یادرواقع و اگر ورامینیها اکثریت پیدا کردند خوارها را محروم میکنند پس این عیب را نمیتوانید رفع کنید برای اینکه اگر بخواهند این عیب در کار نباشد باید هفتصد نفر نماینده در ایران قرار بدهیم و اینکار را هم که نمیتوانید بکنید پس وقتی که این عیب هست ناچاریم از اینکه تحمل کنیم و این هم که تحمل و تمکین میکنیم این عیب را برای اینست که بعضی محسبات هم برای ما در آن هست و آن اینست که یک کاری میکنیم که حتی الامکان مرکز انتخابات را در شهرها قرار میدهم و بلوکات را منقسم بشهرها میکنیم و اهالی آن بلوکات اگر می آیند در شهر ما رای میدهند که بیایند و بر فرض هم که بشهرها نتوانند بیایند و رای بدهند بموجب یک ماده که در قانون نوشتم و رأی دادیم انجمن مرکزی و حکومت آنجا مکلف خواهد بود که در آنجاها که دوردست است با ملاحظاتی که در کار هست انجمن جزء معین بکنند که مردم برای خودشان را بدهند این مسلم است حالا میفرمائید ظن غالب اینست بیشکونی میکنند که از پیش میتوانیم بگوئیم که رأی آنها پیش نرود پس چون اینطور است

باید آنها را با اهالی شهر شرکت در انتخاب داد عرض کردم این امر در هر حال و در هر صورت واقع میشود ولی هرگاه بنام یک جماعتی متلویب و محرومیت پیدا نکنند لا اقل نسبت یک نقطه پیدا بکنند که برتری او مسلم باشد مثلا اهل خوار اگر بنا هست متلویب واقع شوند چرا از اهل ورامین متلویب بشوند باز با اهل طهران متلویب بشوند که برتری او مسلم است یک حسن دیگر هم هست و آن اینست که مسلماً میدانید که در شهرها که انتخاب واقع خواهد شد برای اینکه اسباب انتخاب فراهم است زود و سهل انتخاب خواهد شد حالا اگر آن جاهای دیگر انتخاب خودشان را کردند و ضمیمه کردند بشهر چه بهتر و اگر نکردند لا اقل انتخاب نمایندگان و تعیین آنها و اجتماعشان در مرکز بتأخیر نیافتد بجهت اینکه ممکنست اگر غیر ازین بکنیم و آن حوزة بندی ها را خیلی کوچک فرار بدهیم انتخاب آنها هیچ واقع نشود و اگر واقع شود خیلی به تأخیر بیفتد یا مانع و علت های دیگر پیدا شود پس این ملاحظاتی هست و ما هم این احتیاطات را در نظر گرفتیم و این مطلب را این طور قرار دادیم بجهت اینکه همان طور که عرض کردم دیدیم آن عیب را بهر حال نمی توانیم رفع بکنیم که ضرر کم تر بشود و اگر اینکار را نیکو کردیم بقیه بنده و بقیه کمیسیون عیوبی پیدا میکرد که خلاف مصلحت این مملکت بود و الا این مذاکرات خیلی خوبست حالا حقوق خیلی خوبست محرومیت و مضایقه از انتخاب کردن خیلی بد است اینها یک چیزهایی است که همه میدانید ولی باید ملاحظه کرد که لا اقل یک مقداری از حقوق ملی باقی بماند و خوبست آقایان وجدانا ملاحظه بکنند و ببینند این ترتیب صحیح است یا صحیح نیست.

نایب رئیس - این مذاکرات باید در موقع خواندن مرکز حوزة انتخابیه بشود حالا چون اهمیت داشت بنده مانع نشدم ولی باید مذاکره در هر یک از اینها از روی ترتیب خودش بشود اینجا که از ولایات اسم برده نشده است اگر ایرادی است تا اینکه در آن مذاکره بشود در اینکه یک بفرمائید نه در مرکز انتخابات.

بهجت - مختصراً این مسئله را عرض میکنم که حل شود.

نایب رئیس - عرض میکنم اینجا موقع این مذاکره نیست در وقت خواندن مرکز انتخابات باید این فرمایش را بفرمائید تأمل بفرمائید الا الان میرسیم به مرکز انتخابات.

بهجت - همین سؤال بنده هم راجع است باین مسئله.

نایب رئیس - حالا در این باب مذاکره نیست حق ندارید فرمایشی بکنید این راجع است به مرکز انتخابات.

بهجت - مقصود بنده اینست در قانون انتخابات که در مواد آن چیزی راجع باین مطلب نوشته نشده است و از کجا باید ما بفرماییم که انتخابات جمعی است یا فردی و در خصوص آن مذاکره بکنیم.

نایب رئیس - در وقت خواندن مرکز انتخابات حوزة انتخابیه تبریز - همه نمایندگان ۹ نفر **نایب رئیس** - در عهده کسی مخالف هست. **هشترودی** - بنده پیشنهاد دارم (پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که شهر تبریز و نواب (۱۱) نفر نوشته شود که اقل عددی است که از روی صحت داده میشود.

هشترودی - در کلیات اگر چه بنده دانستم که آن صحبتها خواهد شد و الا اجازه نمیخواستم و آن صحبت ها را نیکو کردم چون بنده از روی حقانیت آنچه عقیده دارم عرض میکنم و این هیچکس تفاوت نیکندارم خدای من میداند همه را یک جور و یک نظر ملاحظه میکنم اما من می بینم که با حمل بجزر دیگر میکنند یا اینکه خودشان را براه دیگر بفرستند و مسئله عده اگر چه نگذشت ولی بنده عقیده ام این است در حق آذربایجان ظلم شده ظلم بالای ظلم شده ولی حالا گذشته است.

نایب رئیس - بنده استدعا میکنم که عبارات را صحیح بفرمائید ظلم صحیح نیست.

هشترودی - ظلم خیلی عبارت صحیحی است کلمه است هر بی معنی دارد وضع چیزی را در غیر محل خودش ظلم می گویند و ظلم اگر بگویم نمیدانم چه بگویم ملاحظه بفرمائید مثلا مینویسد که مشهد چنانرا زادگان و غیره در اطراف مشهد این تقاضا را مینویسد ولی در تبریز بنده می بینم که در چهار جا که شهر است واقع شده که نمیتوان باینها قصبه گفت چون در جنب تبریز واقع شده اسم نبرده اند مثل یاسنج خسرو شاه جهان مرورود و غیره که خیلی ما میدانند بنده نمیتوانم بگویم که هر یکی از پنجاه هزار نفوس کمتر دارد حالا اگر غیر از این دهات علیحده هم در اطراف آن هست این است که بنده می بینم بر تبریز ظلم شده است بازمی گویند که ظلم مگو نمیدانم چه عبارت بگویم در تبریز ظلم شده است اگر در جاهای دیگر ظلم نشده است ولی در اینجا ظلم شده است چون اصلاً نماینده بانجا کم داده اند ولی اینجا تبریز ماسنج خسرو شاه جهان مرورود و غیره را که ملاحظه بکنیم اینجا خودشان لا اقل هر یک را با آن دهات که صد هزار نفر جمعیت دارد حساب کنیم حق یک نماینده دارند فرض بفرمائید بخود تبریز هم چهار نفر نماینده دادیم اگر چه بقیه من تبریز پنج نفر میخواهد یعنی پنج نفر خود تبریز دوازده نفر اطراف آن این هفت نفر را باین حساب و مهران رود هر دوتا با یک نفر دهاتی که در اطراف دارد در واقع که در یک فرسخ طولش نه در عرضش دهمه واقع شده از اینجا درمی شویید ده است از آنجا رد میشود ده است یک نفر هم ده خوارقان کوکان صعب شیر هم یک نفر میخواهد اگر از روی انصاف ملاحظه بفرمائید اورتی و از آنجا هم یک دهاتی است که همه میدانند یک نفر میخواهد الا بر آغوش و هشترودی هم یک نفر بیشتر میخواهد که تبریز افلا اگر ظلم میشود کمتر بشود پس یازده نفر وکیل افلا میخواهد حالا در تقسیم بنده نمیدانم از چه راه اینکار را کرده اند و این عدد را دادند بتریز بنده حقاً و عقیده از روی این اطلاعاتیکه عرض

حکرم یازده نفر اگر کم نباشد ابداً زیاد نمیدانم حالا دیگر باقیش را میگذارم در کلیات عرض بکنم و پیشنهادی که کرده ام باید رای بگیرند.

محمد هاشم میرزا - اولاً آقای هشترودی غالباً در کمیسیون تشریف داشتند جاهای مهمی را را که مبیاست اسم برد غالباً اسم نبردند و اگر هم قصوری در نوشتن نقاط شده است خوب بود اظهار میفرمودند که نوشته شود آنچه هیئت دولت درم نظر گرفته بود و تصور میکردند این بود که نقاطی که لازم بود نوشته شود مخصوص بذكر میگردند که نوشته شود حتی برپروزم که حوزة بندی آذربایجان تمام شد خودشان تشریف داشتند و آقای معین الرعایا تشریف داشتند و معاونت فرمودند ولی آقای هشترودی تصور میفرمایند که فقط آذربایجان دهات دارد و اطراف خراسان را که نوشته اند تصور میفرمایند که چنانرا و رادگان چند تاده یا قصبه پنجاه خانواری است و فاصله بین آنها نامشده منتهی یک فرسخ یا یک فرسخ و نیم است اینطور نیست پنجاه بلوک در خراسان است که هر کدام در طول ۳۰ فرسخ و در عرض ۳۰ فرسخ افتاده است و دارای سی هزار و ۲۰ هزار جمعیت است میخواهد تبت و سیاهه میآورد که به بیند و اگر میفرمائید فردا بیارم به بیند چون میدانم که مذاکره در این موضوع امروز تمام نخواهد شد در این جا تقریباً ۳۰ قصبه است که سی هزار و سی و پنج هزار جمعیت دارد اما ولایاتی که تکرار میفرمایند در آذربایجان و اطراف تبریز است گویا ملاحظه میفرمائید که نقاط دیگر ایران کور است و آبادانی نیست خیر اینطور نیست در تمام دهات خراسان چندین قصبه است که هر کدام چندین بارچه ده دارد از جمله در سیستان خیلی از نقاط است که در یک فرسخ شصت بارچه ده است و آقای معین الدوله چنانچه در شور اول هم اظهار فرمودند تشریف برده اند و میدانند در آنجا ۳۱ بارچه آبادی است که مشتمل بر آبادی های هزار خانوار و دوهزار و سه هزار خانوار است و باین تفصیل نیست که اینها بیابان لم بز و کور مرکزی باشد و اینکه بعضی ها را اسم برده اند و بعضی را اسم نبرده اند برای این است که جاهای مهم را اسم برده اند و تخصیص بذكر داده اند و اینکه ایشان (۱۱) نفر تبریز و اطراف آن میخواهند حق بدهند خوب است بقیه نقاط آذربایجان را هم قسمت بفرمائید که باردیل چه داده خواهد شد بشکین و خلخال وغین و غیره چه داده خواهد شد برای اینکه در هر حال عده کل نمایندگان آذربایجان که از (۱۹) نفر زیادتر نخواهد شد و اگر ما این یازده نفر را قبول کردیم در اردبیل و خلخال و سایر جاها که هنوز نرسیده ایم خوانده شده چه عقیده داریم باید به بینم شاید مخالف مارانی است که اینجا داده ایم و شاید در مشکین و بقیه هم اعتراض داشته باشند آن وقت همان چهل نفر میشود و بنده هم آنوقت نظریات دارم که باید عرض کنم در قانون اساسی هم اول بود که تادویست نفر هم ممکن است اول که نوشته بود خوب نوشته شده بود که از (۱۲۰) نفر الی (۲۰۰) نفر میتواند وکیل انتخاب نمایند ولی حالا گویا نمایندگان موافقت ندارند باین رأی که میفرمائید در آن دفعه که مذاکرات در نظامنامه انتخابات بوده است اولاً

خاطر همه آقایان مسبوق است که از تمام نقاط ایران بانجمن آذربایجان اختیار داده شد تقریباً در آن مقام مجلس بود و خصوصاً در قانون هم شرکت داشت و کاملاً مشاوره شده بود بخودشان که واگذار کردیم و اطلاعات صحیحه از مرکز آذربایجان و اختیارات تامی که داشتند همین عده را معین کردند که ما امروز هم نظامنامه انتخابات قبول کرده ایم اگر خودشان با اختیار تامی که در نظامنامه انتخابات داشتند و کافی نمی دانستند و پنجاه وکیل لازم میدانستند معین میکردند پس معلوم میشود که با اطلاعات و اختیارات آنها همینقدر را کافی دانسته اند و اما در جاهای دیگر که میگویند اطلاعات صحیحه حاصل نشده است و بعد معنی شده از قبیل اصفهان - اصفهان سه نفر وکیل داشته همه کس میدانند که اصفهان نایب نوابی که دارد سه نفر وکیل از برایش کم است بلکه برای شهر اصفهان با دهات نزدیکش سه وکیل بلکه چهار وکیل هم کم است همچنانکه طهران را زیاد نوشته بودند با عقیده که امروز و کلا دارند کم کردند و هر جار را که دیدند زیاد است کم کردند و هر جا حقاً دیدند کم است زیاد کردند و حالا اگر این یازده نفر را که بجهت این چند شهر نوشته اند برای سایر جاها اگر کم میدانند بنویسید بقیه آذربایجان را تا قبول کنیم یا رد کنیم والا در این (۱۱) نفر بنده مردد هستم که قبول کنم یا رد و فایلاً نمیدانم که آیا رد کنم یا قبول

ذکاء الملک - یاد آوری میکنم که آقای هشترودی خودشان در کمیسیون تشریف داشتند و در تعیین همه اینها معارضه می کردند در سواد شهر تبریز و اطراف تا هشت نفر معین کرده بودیم می فرمودند ده تا بکنند مانه نفر را قبول کردیم حالا چطور شده است که آن را زیاد کردند و گفتند یازده نفر بشود و از رأی خودشان عدول کرده اند

هشترودی - بنده تقیده ام این نبود که ده نفر بکنیم یک چیزی هم آقا فرمودند که خود انجمن عدد معین کرده است انجمن تبریز در عهده داخل نشده بود و تکذیب میکنم.

نایب رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای هشترودی آقایان که قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

فایب رئیس - قابل توجه نشد مرکز انتخابیه خوانده میشود.

مرکز انتخابیه تبریز

نایب رئیس - آقای بهجت فرمایشی دارید بفرمائید.

بهجت - تنها میکنم بدو آقایان نمایندگان عرایش بنده را مستحضر بشوند و اگر جواب می فرمایند جوابی بفرمائید که رفع اشتباه بنده هم بشود دو مسئله اینجا هست که بیایستی در قانون انتخابات اشاره باو بشود و نشده است و مجبورم که بنده در این عرض کنم و مجبورم یکی یکی را در هر یک از مرکز های انتخابیه صحبت کنیم یکی مسئله عمومی بودن انتخابات و یکی مسئله محرومیت از انتخابات است محرومیت غیر از شرایط است مثلا اگر یک قریه را ما محروم کردیم از انتخابات معنیش این است که اگر تمام شرایط را هم داشته باشد باز محرومند و اینکه ما دادیم درم تقیم بودن انتخابات

مبنی بر این دو مسئله است که یکی عدم محرومیت باشد و یکی عدم جمعی بودن انتخابات حالا اولاً شروع میکنیم به عمومی بودن انتخابات و عرض می کنم که اینجا نوشته شده است منافی انتخابات عمومی است این را رد میکنم بعد می آیم سر انتخاب جمعی عرض میکنم حوزة این چند نقطه یعنی این که مرکزشان را تبریز قرار میدهم اینجا هم نباید گفت مرکز باید گفت محل انتخاب بجهت اینکه ما حوزة جزء را معین نکرده ایم فقط گفته ایم که مرکز انتخاب اینها شهر تبریز است و انجمن نظار می تواند اجازه بدهد که در هر نقطه که بخواهد یک هیئت نظاری تشکیل بدهند این را خوب تعبیر بکنم به بینم که معنیش چه چیز است معنیش این است که انتخاب آن جا را ما واگذار میکنیم یک تقیضی که مرکب از ۹ نفر است که میتوانند یک جمعیتی حق انتخاب بدهند و می توانند نهمند بجهت دلیل باین دلیل که اینها می توانند در نقاطی که صلاح ندانسته اند یا این که اشتباه از نظرشان افتاد یا این که یک نقطه را لازم می دانستند انجمن نظار در آن ها تشکیل بکنند آن وقت آن نقطه هم با تبریز سی فرسخ فاصله دارد آن شخص رعیت هم کار دارد نمی تواند برود تبریز تعیین مثل این است که بگوئیم آن شخص رعیت حق ندارد این ممانعت دیگر باید با کمال وضوح بگوئیم و هیچ بردم تعارف نکنیم و بگوئیم که اهالی قصبات و دهات از حق انتخاب محرومند آمدیم هیئت نظار آذربایجان با کمال خوبی که دارند اشتباه کردند و در یک نقطه شعبه انجمن نظارت تشکیل نکردند آنوقت آنها محروم خواهند شد بطوریکه آقای هشترودی هم این ایراد را نکردند پس این مسئله معنیش این است که محروم است آن نقطه شما کاری را میخواهید سهل تکذیب اما یک سهلی که نشود ما یک سهلیکه نشود این سهل منتع است هرگز نخواهد شد و اگر همین طور شد آنوقت ما نماینده نخواهیم داشت آنوقت یکباره را ما باید بگوئیم که اینها وکیل هستند که از طرف اکثریت ملت انتخاب شده اند و اگر باید این شکل کرد آنوقت اسم بردن اکثر در نقاط بی فایده است بواسطه اینکه ماتریبی بگردانیم که آنها نمی توانند در انتخابات شرکت کنند اما آمدیم بر سر انتخابات جمعی آقای مخبر فرمودند لیکن لازم است توضیح بدهم فرمودند مسئله اقلیت و اکثریت همیشه یک جمعی محرومند یعنی یک جمعی محرومیت دارند و اساس مشروطیت و اکثریت است اما در یک جا بیکه یک محصر باشد و اگر هم یک راه چاره باشد باید خودمان را از آن خلاص کنیم حالا فرض میکنم تمام طهران را یک حوزة انتخابیه نام مرکز انتخاب بدی است که تمام و کلا از مرکز انتخاب خواهند شد این دیگر خیلی بدی است آنوقت مسئله اقلیت و اکثریت که پیش خواهد آمد و اینها یک اقلیت هستند که از اکثریت بیشترند یعنی اهالی قصبات و دهاتی که در اطراف شهر هستند بیشتر از یک شهری است و اکثریت اهالی شهر یک اکثریتی است که وقتی که ساحل بکنیم اقلیت است وقتی که ما بنویسیم که اقل چقدر باید رأی بگیرند آنوقت فرضاً اگر هزار نفر در شهر آمدند رأی گرفته اکثریت آنها کافی خواهد بود پس این با بندی خواهد بود که خواهیم رد

بنده عرض میکنم برای اینکه اینجا اشتباه نشود اگر بنویسم هشت و نه آنوقت نبراهت بگیرم بهشت را بر نه ترجیح بدهم آنوقت معلوم است که این اکثریتی است که خودمان تراشیده ایم اگر ما میتوانستیم در اقلیت و اکثریت و مساواتی که پیش میاید آن اقلیت را هم بحق خودش میرساندیم یا میرسانده باشیم اگر یک نقطه باشد که قابل یک نماینده باشد البته معلوم است که نمیشود آن یک نماینده را بیست قسمت کرده بهر یک نقطه یک قسمت داد امامیون در نقطه که حق سه نفر نمایند دارد آنده نقطه راسه قسمت کرد و بهر قسمت حق یک نماینده داد و در اینصورت انتخابات هم سهل تر میشود برای اینکه تریز و قتیکه اعلان انتخابات را داد و منتظر مشترود شد باید آنجا هم اعلان و اگر یک همیشه نظارت لازم دارند باید از انجمن نظارت مرکزی و از حکومت بخواهند با آن هیئت در آنجا یک شعبه تصویب بکنند آنوقت باز رای خودشان را باید بفرستند بر کز آن صندوق برای دست کی باشد کی حامل او باشد چطور باشد این زحمت را دچار خواهند شد و اسباب تمویق امر انتخابات تریز هم فراهم میشود در صورتیکه بالاخره مشترود هم مرکز نمیتواند خودش را در مقابل اهالی تریز حاضر کند و باین واسطه باز نماینده همان نماینده اکثریت اهالی تریز خواهد شد این یکی یکی دیگر این که میفرمایند در وضع قانون همیشه وضع حالیه مملکت باید مراعات شود وضع حالیه مملکت را بنده هم تشریح کنم اگر مملکت ما میتوانست انتخابات بکنند فردی را هم نمیتواند بکنند اگر خدای نکرده نمیتواند انتخابات بکنند (بنده عقیده ام اینست که در کمال سهولت و خوبی اهالی مملکت میتوانند انتخابات فردی هم بکنند) انتخابات جمعی را هم نمیتواند بکنند این چه اشکالیست که میکنند اینجا خودشان هم میتوانند انتخابات بکنند و هم انتخابات فردی را در کمال سهولت و خوبی میکنند و اگر انتخابات جمعی بشود مسئله محرومیت و عدم محرومیت پیش میاید بجهت اینکه انتخابات جمعی محرومیت است از انتخابات بطوریکه تشریحاً عرض کردم که خود مشترود را با توابش که حق یک نماینده دادیم انتخابات خودشان را بعمل خواهند آورد و اگر هم ندادیم بدیهی است که آنها میتوانند بطوریکه عرض شد شرکت در انتخابات پیدا کنند و بنده این مسئله را که انتخابات جمعی است که عمومی بودن انتخابات را از بین میرود و سبب محرومیت از انتخابات میشود بکنی مخالفم و موافق مشروطیت میدانم نه مفید و با آنکه مخالفم خوانم نمایندگان تصدیق کنند خواه تصدیق نکنند و این را مخالف اساس مشروطیت میدانم و این چه اشکالی است که میکنند گمان نیست انتخابات فردی ممکن هم هست و در کمال خوبی هم میتوانند انتخابات بکنند اگر یک حاکمی آذربایجان داشته باشد که بدیهی است حکومت های جزه را هم معین میکند آنوقت حکومت های جزه هم یک هیئت نظارتی تشکیل میکنند و در کمال سهولت و سرعت انتخابات خودشان را تمام می کنند و اگر یک حکومتی آذربایجان نداشت که بدیهی است تمام انتخابات میانند و عمل مینماید .

هز الملک - اگرچه آقای بهجت تسلیم

کرده و گفتند دو مطلب است یکی عمومیت و یکی محرومیت از انتخاب لکن حقیقتاً بنده هر چه فکر کردم نفهیدم این محرومیت از انتخاب از کجاست میگویند باید عمومی باشد یا خصوصی باشد یعنی آن شرایطی است که قرار میدهند یعنی یک شرایطی مدین میکنند که بعضی وارد و بعضی وارد نباشد اگر میخواهند انتخابات خصوصی باشد یک شرایطی قرار میدهند که که آن شرایط را فقط یک عده مخصوصی دارا باشد و یک عده دیگری دارا نباشد مابشرین این نقطه نمیتوان گفت که انتخابات خصوصی است و اگر از برای انتخاب کنندگان شرایط سختی قرار ندهند فقط یک شرایطی سهل و ساده قرار بدهند که مردم بتوانند شرکت داشته باشند آنوقت آن انتخاب را میگویند عمومی است و این به چه وجهی نمی تراند دخالت داشته باشد در انتخابات خصوصی یا در محرومیت از انتخاب فقط چیزی که ممکن است این است که محرومیت در بعضی جاها بعمل میاید ولی بدقیقته آن طوری است که هیچ چاره ندارد و مقنن به چه وجهی نمیتواند از آن جلوگیری کند اولاً من ندانم که آقای بهجت و کلیه مخالفین انتخابات جمعی چه طور شد که آن مخالفت خودشان را در انتخابات جمعی شهرها که در شور اول بنا بود بشود اظهار کردند که آن محرومیت است و اگر ما بگوئیم که انتخابات جمعی مخالف مشروطیت و اسباب محرومیت است و این عقیده را دارا باشیم آنوقت نباید گفت که انتخابات جمعی در طهران هم اسباب محرومیت است و آقایان که انتخابات جمعی را اسباب محرومیت میدانند در آنجا این اظهار را نکردند پس باید بگوئیم اساس انتخابات جمعی باعث محرومیت نمی تواند بشود یعنی بیاباره اخیری می توان گفت فقط باعث محرومیت چیزهایی است که توأم شده است با انتخابات مثلاً بعد مسافت نقاط مختلفه یک حوزه انتخابیه سبب شده است از برای محرومیت نه اینکه انتخابات باین طریق سبب شده است از برای محرومیت دوباره تکرار میکنم که بعد مسافت و مسافت زیاد بین نقاط مختلفه یک حوزه انتخابیه میتواند سبب شود که بعضی مردم محروم شوند بدیهی است در یک مملکتی که اقتدر وسعت خاک ندارد که تقریباً خاکش سه مقابل خاک فرانسه است در یک مملکتی که راه آهن ندارد در یک مملکتی که جمعیش بالنسبه کم است آباد بایش دور از هم است در این مملکت شما امر دایراست بین دو کار برای این که مردم از حق خودشان محروم نشوند از برای انتخابات باید دو کار را بکنیم اگر سبار نمایندگان محترم هم نظراست آقایان را تصدیق بفرمایند یکی آنکه بشماریم کلیه آبادیهائی را که روی نقشه ایران است و بهر کدام یک نماینده بدهیم آنوقت بنده تصدیق میکنم که شاید بالنسبه آنها نه هه مردم بجهت اینکه بر حسب اکثریت و اقلیت بعضی ها محروم میشوند بلکه نسبتاً کلیه اهالی محروم نشوند در صورتیکه اینکار را بکنیم و بایران هفتصد هشتصد نفر نماینده بدهیم آنوقت میتوان گفت تا یکدرجه از این محرومیت جلوگیری شده است ولی اگر هر چه بکنند انتخابات جمعی و فردی هر قسم که باشد همین که قائل شدند یک انتخابی و یک حوزه انتخابیه که اقلش صد هزار نفر حق انتخاب یک نماینده داشته باشد محرومیت هست و این محرومیت هم اختیاری است محرومیت اجباری نیست

فرمودند این چیزی است که هر اکثریتی ازهر اقلیتی میرود این در همه دنیا هست و همه اکثریت ها از اقلیت ها میرود و اگر بخواهند خودشان اکثریت پیدا کنند مابین اهالی چندین نقطه جمع شوند رای بدهند در انتخابات خودشان باین طریق خیلی خوب میشود که آنها هم انتخابات خودشان را ببرند و الا همیشه حق اقلیت پایمال حق اکثریت است حالا اگر یکی از نمایندگان یک راه یک طریق پیدا بکنند برای اینکه اقلیت غالب را تریز بشود بنده که گمان میکنم در سایر جاها پیدا نتوانستند بکنند و در تمام عالم هنوز نتوانسته اند که یک مرکزی و یک علابی از برای این پیدا بکنند که همیشه اقلیت پایمال اکثریت نشود حالا اگر یکی از نمایندگان پیدا بکنند یا کرده باشند یک مسئله دیگری است دیگر آنکه یکی از آقایان فرمودند یا آقای دکتر رضا خان بوده یا آقای بهجت که فرمودند اگر هر نقطه بخواهد مستقیماً انتخابات بکنند یعنی منفرد باشد و مرکز انتخاب منتظر انتخابات آنجا نشود اسباب تسهیل کار میشود و یعنی این ترتیب اسباب بطوه جریان امر انتخابات نخواهد شد برای اینکه انجمن نظارت مرکزی باید منتظر اختتام انتخابات آنجا بشود و زودتر نمیتواند انتخابات خودش را تمام کرده بماند بلکه یک مدتی را که قانون برای آنها معین میکند آنقدر منتظر خواهد شد انجمن نظارت مرکزی اما آنست که گذشت انجمن نظارت مرکزی حق دارد انتخابات خودش را تمام کند و دیگر منتظر آنها نشود پس این تفاوت خیلی میکند در تسهیل امر انتخابات یک حوزه انتخابیه شرکت در امر انتخابات نقطه دیگر بکنند که این نقطه راجه حوزه دیگر بکنند بجهت اینکه یک حوزه میدهم که حتماً زودتر انتخابات خواهند کرد اگر آن حوزه دیگر را که چندان احتمال نمیرود بتواند سرعت این حوزه انتخابیه خودش را انجام بدهد جزء این حوزه سریع العمل قرار بدیم بدیهی است که بواسطه انتظار اختتام انتخابات آنها قدری افتتاح مجلس شورای ملی تأخیر خواهد افتاد و این هیچ جای شک و شبهه نیست که در صورتیکه جزء یک حوزه انتخابیه سریع العمل بشوند آنوقت چقدر مداخلت دارد در افتتاح مجلس که زود تر مجلس افتتاح خواهد شد و یک مسئله مهم دیگر اینست که ما هر چه بنویسیم هر قانونی که بگذرانیم هر اقدامی که بکنیم فرع خواهد بود از برای یک اصل محکمی داده نمیشود برعکس تصور کنیم قانون انتخابات را اصل تصور کنیم و چیزهای دیگر را فرع اینطور نیست تمام چیزها فرزند برای یک اصلی و آن اصل چه چیز است حفظ مملکت است و حفظ مشروطیت پس باید آن اصل را همیشه نظر کرد و تمام اینها وسائلی است که ما را میرساند بآن مقصود پس آن مقنن و کسانی که قانون گذار هستند قانون مینویسند باید یک قدری هم در موقع قانون گذاری متنبضات مملکت را در نظر داشته باشند و قانون گذاری کسانی نداشته باشند و از روی کتاب قانون بگذرانند و تازه اشخاصی که این را نوشته اند این نظرها داشته اند که بچه وسیله مجلس شورای ملی که امروز اساس مشروطیت ایران است بچه راه و بچه وسیله زودتر میتواند افتتاح باید آن وسیله انتخابات جمعی نمایندگان

محمد هاشم میرزا - میخواستم عرض کنم

که این مطلب که میفرمایند سی فرسخ مسافت دارد که بیاید جزء شود اینرا در نظر نداشتند که آنروز گذشت البته نباید انجمن مرکزی شبه خودش را در این نقاط لازم تشکیل بدهند دیگر از سی فرسخ کسی نمیکوید بیاید در تریز رای بدهند هر حوزه است یعنی یکانه وسیله است که زودتر نمایندگان را حاضر بکنند در مرکز و مجلس شورای ملی را منعقد مینماید شما میخواهید که حوزه های انتخابیه کتابی روی کاغذ مین بکنید چنانچه در ابتدای قانون انتخابات عرض کردم که اگر بخواهید از روی کتاب حوزه بندی بکنیم بنده شما اطمینان میدهم که این قانون انتخابات فقط روی کاغذ خواهد ماند و فقط ما باید بدون اینکه یک مجلس شورای منعقد داشته باشیم و بدون اینکه یک انتخاباتی بعمل بیاید باید دلخوش باشیم که قانون انتخابات ما مطابق یک (توری) غیر معلومی بوده است .

نایب رئیس - حالا مذاکرات را آقایان کافی میدانند ؟

(بعضی کافی و بعضی غیر کافی دانستند)

نایب رئیس - رای میگیرم آقایان یک مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است پیشنهادی است از آقای حاج میرزا رضا خان قرائت میشود (بجارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که محل مشترود را از بلوکات اطراف تریز خارج و مجزا نمایند زیرا که از نقاط دور دست مشترود کسی فاصله نیست فرسخ بتریز ای انتخابات نماینده نخواهد آمد بهتر این است که یکی از نصابا مشترود را از آتش یک و سر اسکندر انتخاب نمایند که مرکز انتخاب سهل باشد .

حاج میرزا رضا خان - اگر چه برای تعیین حوزه بندی جدید بنده را هم بکسی چون انتخابات دعوت کرده بودند ولی متأسفانه بعلت ناخوشی نتوانستم حاضر شوم حالا بطوریکه پیشنهاد کرده ام در موضوع تعیین مرکز انتخابات شهر تریز و اطراف عرض میکنم اینکه چند بلوک اطراف تریز با خود شهر یکجا نوشته اند در انتخابات آنها که حومه شهر هستند آنقدر اشکالی ندارد ولی در مسئله انتخاب مشترود چنانکه در ضمن مذاکرات چند روز قبل هم عرض کردم حالا نیز متذکر میکنم که محل مشترود را با آن بعد مسافت و وسعت عرض و طول آن قطعه جزء بلوکات شهر مقید کردن و نه نفر یکجا متعین را رای دادن بعقیده بنده صلاح نیست اولاً در نقطه مشترود ایلات عده ای از شقایق و عده نخته قاقو هستند و ساکنین دهات در آبادی متصل بهم پراز جمیع اقتدر موجود است که افواج میدهند و سوار کبری میدهند و ثانیاً روانیست مشترود را تابع شهر قرار دادن و علاوه بر این از جاهای دور دست مشترود مثلاً از معال تا تاپ که تا شهر بیست فرسخ مسافت دارد چگونه ممکن است اهالی دهات شهر آمده وکیل منتخب نمایند بهتر است بطوریکه پیشنهاد کرده ام در آتش یک یا در سراسر اسکندر مرکز انتخابی حلجده معین شود و دوفر نماینده مشترود در آنجا معلوم شود .

محمد هاشم میرزا - میخواستم عرض کنم که این مطلب که میفرمایند سی فرسخ مسافت دارد که بیاید جزء شود اینرا در نظر نداشتند که آنروز گذشت البته نباید انجمن مرکزی شبه خودش را در این نقاط لازم تشکیل بدهند دیگر از سی فرسخ کسی نمیکوید بیاید در تریز رای بدهند هر حوزه

انتخابیه بدیهی است که انجمن نظارتی در نقاط لازم تشکیل شعبه جزء میدهند اما دراصل این پیشنهاد بنده مخالفت ندارم ممکن است رای که بگیرند بنده هم رای بدیم خواستم این را هم متذکر باشم **نایب رئیس** - آقای مخیر چه میفرمایند ؟

ذکاء الملک - اگر مشترود را جدا کردیم باید بیست نقطه دیگر ضمیمه کنیم آن وقت از تناسب میافتد .

نایب رئیس - رای میگیرم پیشنهاد آقای حاج میرزا رضا خان آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای بهجت قرائت میشود ببارت ذیل قرائت شد .

بهجت - بنده یقین دارم حالا بواسطه تصور اینکه میکنم از قبیل سهولت انتخابات و غیره همینطور خواهد گذشت و من بعد پشیمانی خواهم کشید یقین دارم پیشنهاد بنده هم رد خواهد شد ولی برای اینکه مطابق حوزه بندی هیئت نظارتی معین شده است و برای اینکه میان حوزه های جزء و سایر نقاط دیگر یعنی انجمن نظارت مرکزی اختلاف دیگر بروز نکند و یک مدت اوقات مجلس از ابتدای انعقادش برنگردد و واجیع بعمل انتخابات شود بنده پیشنهاد کردم که هر جاییکه انتخاب در سابق فردی بوده است مثل سابق فردی باشد حالا رای بگیرد .

نایب رئیس - این پیشنهاد اشکال دارد بهجت اینکه پیشنهاد میکنم مطابق پیشنهاد سابق کمیسیون مجلس این رای را بدهد و اگر مجلس رای بدهد مجبور است که همان رای سابق را بدهد و باین نمیشود باین جهت رای گرفت بجاناً ده دقیقه نفس است (دواین موقع نفس شد)

بعد از نفس یک ربع بفرموده مجدداً جلسه تشکیل شد .

نایب رئیس - بقیه شور انتخابات چون مخیر معذور بودند و غایب هستند میماند برای جلسه آتی راپورت کمیسیون بودجه راجع به میرزا عبدالحمید خان پیش خدمت قرائت میشود مخالفی نیست .

(اظهاری نشد) - راپورت مزبور ببارت ذیل قرائت شد :

لایحه وزارت مالیه راجع به میرزا عبدالحمید خان پیش خدمت قرائت گردید مبلغ دوست و چهل تومان میرزا عبدالحمید خان حقوق جزء صرف جیب داشته در سه قوی نول نصف این حقوق برقرار و نصف مقطوع شده مبلغ دوست و هشت تومان نیز جزء کتاچه آذربایجان حقوق داشته و در جزء حقوق میرزا عبدالحمید خان منظور نشده است وزارت مالیه تقاضا نموده بودند یکصد و بیست تومان نیز از باب دوست و هشت تومان اضافه بر یکصد و بیست تومان مصوبه مجلس سابق برقرار شود پس از مذاکرات لازم کمیسیون بودجه با اکثریت این پیشنهاد وزارت مالیه را رد نموده و حقوق میرزا عبدالحمید خان را همان یکصد و بیست تومان مصوبه مجلس در قوی نول کافی میدانند .

نایب رئیس - رای میگیرم بر راپورت کمیسیون بودجه که تصویب نکرده است اضافه مواجب

میرزا عبدالحمیدخان را هر کس بازپورت کمیسیون موافق است و رقم سفید و هر کس مخالف است: رقه کبود خواهند داد. (اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان به عده ۴۲ رأی شماره نمودند) **نایب رئیس** - با اکثریت (۴۲) رأی از (۶۶) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد.

نایب رئیس - راپورت کمیسیون نظام و کمیسیون بودجه را چه به تجدید کتکرات مسیوبو بوطن مهندس قورخانه قرائت میشود:

و اینجا دیده میشود وانشاء الله من بعد هم در سایر کتکرات ها هم قید خواهد شد آیا به بینم در این مدت یکسال و نیمی که گذشته است شاکردی یاو سیرده شده است چیزی یاد گرفته اند یا یاد نگرفته اند یا اینکه روی کاغذ بوده است اگر چنانچه اطلاعی دارند خوب است بفرمایند که هر دو جهت را مطلع باشیم و معلوم شود.

دکتر امیرخان - از بابت کتکرات همان طوری که فرمودند مدتی گذشته است این باید یک سال بیشتر بماند ولی نه تصحیح کمیسیون نظام است و نه تصحیح کمیسیون بودجه بواسطه کاینکه ها که تجدید شده هسی کمیسیون نظام از وزارت جنگ توضیح میخواست مدتی طول میکشید وقتی نظریات وزارت جنگ بکمیسیون می آمد آن وقت از وزیر جنگ تغییر می کرد کمیسیون دو باره مجبور بود نظریات وزارت جنگ را جلب نماید و تأخیرش از این جهت است تصحیح کمیسیون بودجه و نظام و بوطن نیست اما این که فرمودند شاکرد هائی که در تحت تعلیم آورده است شاکرد باو داده اند یا نداده اند گمان نمیکنم که شاکرد باو داده باشند و باید این شاکردها را وزارت جنگ باو بدهند الا او مضایقه نمی کند هر خدمتی باو رجوع شده است او در خدمات خودش قصوری نکرده است و خیلی هم خدمت کرده است و بیست سال است خدمت کرده و خیلی هم آدم قابلی است و در ایران هم بوده است و فارسی زاهم خوب بداند اگر خواسته باشیم بکنفر مهندس برای استخدام قورخانه بیاوریم بهتر است از نمیتوانیم بیاوریم.

دکتر حاج رضاخان - گویا جواب آقای حاج سید ابراهیم داده نشد بجهت اینکه آن ایرادیکه آقای حاج سید ابراهیم کردند اساسی بود یکطرفی که شده است تعلیم سی نفر شاکرد است و معلوم نیست که وزارت جنگ سی نفر شاکرد را باو سیرده اند یا نه و از آن موقع یکسال و نیم گذشته و یکسال و نیم دیگر وقت دارد و این یکسال و نیم دیگر نخواهد توانست که ابقای وظیفه اش را بنماید و مطابق این راپورت رفتار بنماید و چنانچه تجربه کرده ایم ما کتکرات با یک مستخدم خارجی میکنیم مدت که میگردد آن وقت بعضی شرایط پیشنهاد می کنند و اضافه حقوق میخواهند و بعضی تربیبات دیگر میخواهند در صورتیکه یکسال و نیم بیشتر بماند خدمت نکرده است و هیچ آن وظیفه که باید از او بظهور برسد نرسیده است پس بهتر این است او که حالا باین مبلغ مستخدم میشود از حالا بیعده سه سال باشد که مدت داشته باشد هم بوظیفه خودش عمل کرده باشد و هم ما استفاده از او برده باشیم.

دکتر امیر خان - فرمایشی که فرمودند حالا مدت را زیاد بکنیم تفاوتی ندارد بمذاکر یکسال و نیم که گذشت باز تجدید کتکرات میکنند مسیوبو بوطن تا بحال در قورخانه بوده است و خدمت هم کرده است. فرمایند امورهای دیگر هم داشته ایم و صاحب منصبهای خارجی را از جاهای دیگر خواسته ایم فرض بفرمائید از آنستادمری و جاهای دیگر هم شرط کرده ایم که باید رضایت آن ها هم بعمل بیاید اگر عمل آنها را منظم نکنیم و ما بحتاج آنها را رسانیم و شاکردانی که باید تعلیم بدهند تصحیح آنها

نخواهد بود تصحیر ما است که ما بحتاج آنها را نداده ایم و اگر یکسال و نیم کم است از برای تعلیم شاکردها وقتیکه یکسال و نیم تمام شد آنوقت دوباره یکسال و نیم دیگر تجدید میکنیم

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی است رأی میکنیم داخلدر شود مواد شویم

کاشف - در رأی عرض دارم رأی دادن منوط باطلاع است و این توضیحات که دادند مزید بر اطلاع ما نخواهد بود و نمی توانیم رأی بدهیم بنده مکرر این را عرض کرده ام و حالا هم این را در این مورد مخصوص عرض میکنم که وزراء یا معاونین آنها باید حاضر باشند که توضیحات در این گونه راپورتها بدهند در این مدت سابقه خدمات ایشان را بنمایند و آن وقت رأی بدهیم و حالا بنده نمیتوانم آن چیزی که باید وظیفه ما باشد به آن عمل بکنیم بنده نمایندهم وظیفه خودم را که رأی بدهم بانه

نایب رئیس - اگر مذاکرات را کافی میدانند تارای بگیریم.

دکتر علیخان - اینکه توضیحات بخواهند در این خصوص بنده میدانم چه توضیحاتی لازم است مسیوبو بوطن چندین سال است که در ایران خدمت کرده است حالا هم خدمت کرده و صداقت هم خدمت کرده است و یکی از اشخاص است که از همه بهتر خدمت کرده است و این حقوقیکه از برای او معین شده است خیلی کم است نسبت بخدمتیکه کرده است و نمیتواند بکنند بنده گمان میکنم که در این موقع خیلی محتاج هستیم بستانداریهای خارجی نباید دیگر این اندازه ایراد گرفته شود

دکتر رضاخان - بنده عرض دارم.

نایب رئیس - رأی میکنیم.

دکتر رضا خان - سوء تفاهم شده است باید توضیح بدهیم

نایب رئیس - دیگر حق ندارید مذاکره بکنید.

دکتر رضاخان - باید توضیح بدهم

نایب رئیس - دیگر حق ندارید اظهار میکنم بشما - رأی میکنیم که مذاکرات کافی است یا خیر هر يك از آقایان مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند. (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد که مذاکرات کافی است - رأی می گیریم که داخل در مواد بشویم بانه آقایان تصویب میکنند داخل در مواد بشویم قیام نمایند.

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد - ماده اول خوانده میشود.

(ماده اول بشارت ذیل قرائت شد)

ماده اول - مسیوبو بوطن مداومت خواهد نمود مدت سه سال شمس بخدمت دولت علیه ایران سمت مهندس قورخانه و کارخانجات نظامی و متعهد میشود که بطور شایسته تکالیف خود را در این مشاغل بعمل آورده و نیز در مدت کتکرات خود بالغ بسی نفر شاکردان را که باو سیرده میشود بعملیات میکشید و تعلیم کرده و هر گاه مسیوبو بوطن بیکی از شرایط مقرر در وزارت جنگ تخلف کند و یا موجبات عدم رضایت وزارت جنگ را فراهم نماید دولت مختار

است که کتکرات مشارالیه را فسخ نماید در اینصورت دیگر مسیوبو بوطن حق موجب و مقرر را نخواهد داشت.

حاج سید ابراهیم - بنده خیلی میل دارم که ما مطالبیرا که میخواهیم اجرا کنیم بعملیات باشد نه بروی کاغذ آوردن اینجا نوشته شده است که مهندس برای قورخانه و کارخانجات نظامی می بینم که يك کارخانه داریم که در میدان توپخانه افتاده است و چرخهایش در توی قورخانه افتاده است و دیگر کارخانه نداریم این يك شرطش شرط دومش که باید استفاده بکنیم و خیلی لازم است آن تعلیم سی نفر شاکرد است آن هم يك چیزی است که باید به قول وزیر قبول کنیم و رئیس کمیسیون نظام هم که میفرمایند چنین شاکردانی در بین نیست فقط برای روی کاغذ آوردن است و روی کاغذ هم هیچ فایده برای ما ندارد خوبست بنویسید که مسیوبو بوطن را استخدام میکنیم برای خدمات وزارت جنگ بنده از خدمات این شخص واقفا اطلاع دارم که خدمت کرده است و خیلی هم استفاده از او کرده ایم و شخصی است که بد رستی خدمت و رفتار کرده است ولی چیزیکه فایده از او نمیبریم چه فایده دارد فقط دلخوش کردن و روی کاغذ آوردن است پس بهتر این است باین شرایط را بردارید یا اینکه سی نفر شاکرد را بدهند باو که آنها را تعلیم بدهم و این مدت يك سال و نیم را اضافه بکنند که اقلا يك فایده از او برده باشیم و حالا که میخواهند فایده از وجود او ببرند فقط روی کاغذ آوردن نباشد عمل هم داشته باشد.

آقا میرزا ابراهیم خان - اینجا فقط محض اطلاع آقایان نمایندگان محترم لازم دانستم که اطلاعات خود را بر عرض برسانم و این مذاکره از شخص نیست بلکه برای اطلاع آقایان محترم است مسیوبو بوطن زیاد از سی سال است در خدمات دولت علیه ایران مستخدم بوده است با همین مواج و در این مدت سی سال از این دوهزار تومان و کسری نه یکشاهی زیاد خواسته است نه کم و میدانید که سایر مستخدمین هر سالی يك مقدار اضافه حقوق میخواهند خدمتیکه کرده است سوار کردن ماشین آلات ضرابخانه است که آقایان محترم میدانند که از بدو تاسیس ضرابخانه در این شهر چه کرده و دیگر ترتیب دادن ماشین های کارخانه فشنک سازی است که امروز در این شهر سوار و حاضر است لکن متأسفانه بی فایده مانده است و يك شخص دانائی مثل شخص مسیوبو بوطن بیکار مانده است گذشته از آنها ماشین آلات بزرگ توپ ریزی و گلوله ریزی که در خود کارخانه که آن هم از همت این شخص مرتب شده و سوار شده و حاضر شده است و اشخاصی هم که در قورخانه هستند آنها را هم تربیت کرده است و تعلیم یافته اند و در آنجا خدمت میکنند و آنها شاکرد هائی هستند که زیر دست او تحصیل کرده اند مسیوبو بوطن را بنده امروز در خدمت وزارت جنگ مثل يك کتاب علمی میدانم که بدست يك آدمی افتاده باشد که خواهد از وجودش استفاده کند اگر از مسیوبو بوطن استفاده تعلیم و تربیت نکنند تصحیر او نیست وقتیکه اورا رضی باشد از برای تعلیم شاکرد ایرانی و شاکرد باو ندهند این مسلم است که خود او هم متأسف

است که نتواند معلومات خودش را نشان بدهد و آنچه از او خدمت برمیآید بخرج بدهد مسیوبو بوطن کسر است که باید دولت علیه ایران مثل يك نفر مستخدم داخلی فرض کند و این مواج را عوض اینکه کتکرات با او بدهند باید فرمان دحق او صادر کنند زیرا که هر خودش را در خدمت دولت علیه ایران صرف کرده است و در واقع خدمتیکه او کرده است کمتر از مستخدمین ایرانی کرده اند و کمتر از مستخدمین اروپائی کرده اند یکی از هنر هائیکه او بخرج داده است طلق همین تکیه دولت است که او ساخته است که میباید کار کسی نیست عرض بنده این است که ما باید خودمان استفاده بکنیم از مستخدمینیکه استخدام میکنیم نه اینکه آن مستخدم خودش بیاید و هنر خود را تجسم بدهد این يك فکری است محال ولی این شخص برخلاف سایر مستخدمین است که چندان از وجودشان منتفع نشدیم و مواج های خیلی گزاف با آنها میدهم و آن هاراه میروند (گفته شد صحیح است) برخلاف از وجود این شخص منتفع میشویم بنده عرض میکنم که این شخص خدمات شایان نموده و قابل تجملات است و باید وزارت جنگ و اولیای عظام و وکلای محترم قدر اینچور مستخدمین را بدانند و در گذشتن این لایحه موافقت بنمایند

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفته شد کافی است)

نایب رئیس - رأی میکنیم در ماده اول هر يك از آقایان باماده اول موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت ماده اول کمیسیون نظام تصویب شد.

ماده ۲ - راپورت کمیسیون نظام خوانده میشود

ماده ۳ - راپورت کمیسیون نظام بشارت ذیل قرائت شد.

ماده (۲) تاریخ تجدید کتکرات از روز اول حمل این تیل ۱۳۲۸ لغایت سه سال شمس خواهد بود

حاج سید ابراهیم - این بیانیکه آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرمودند جواب عرض بنده نبود و بنده موافق بودم با این پیشنهاد و پیشنهاد شد کردم که تاریخ او از زمانیکه در مجلس شورایی میگردد باشد مقصود بنده این بود که یک چیزی که مینویسیم و میگردد فقط روی کاغذ آوردن دلخوش کنک است و نتیجه از او نمیگیریم نه اینکه عرض کردم که تصحیر مسیوبو بوطن است بنده عرض میکنم که اگر وزارت جلیله جنگ حاضر بود و میگفت که ما نمیتوانیم از این ماده استفاده بکنیم میقتیم این ماده را برداریم و حالا هم پیشنهاد میکنم که از حالا شروع بشود برای اینکه راجع بآن کارخانه باشد و راجع بآن ۳۰ نفر شاکرد که استفاده کنند خوب بود آقا در آن فقره توضیحات میفرمودند نه در حسن خدمت او والا او را تصدیق دارم.

مقین السلطنه - این اظهاراتی که بعنوان مخالفت میشود بنده درست غور کرده دیدم که هیچکدام مخالفت نیست فقط مثل اظهاراتی که آقای دکتر حاج رضا خان فرمودند بر حسب ظاهرش مخالفت است و لکن مخالفت نیست فقط میگویند این مدت یکسال و نیم کم خواهد بود از برای رادانداختن

کارخانجات و آموختن تمام عملیات را بآن ۳۰ نفر شاکرد و بآن استفاده که وزارت جنگ ممکن است بکند و بآن ۳۰ نفر شاکرد را بتواند در تمام آن عملیات میکشید استاد بکند هر دو مطلب يك نظر مداهت هیچکدام مخالفت باصل مطلب ندارد و وزارت جلیله جنگ مسیوبو بوطن را از برای این استخدام نمیکنند که يك تغییرات اساسی در قورخانه بدهد که مستلزم یکمده زیادی شود بعبارت اخیری مسیوبو بوطن در تغییرات و تبدیلات اداری حق رأی ندارد فقط ایشان مهندس قورخانه خواهند بود و کارخانجات قورخانه را مرتب مینماید یعنی استخدام میشود مهندس قورخانه و کارخانجات بنده اطلاع من از این کارخانجات سطحی است ولی میدانم چندین کارخانجات هست و شایسته این بود که وجود داشتن مسیوبو بوطن اینها را بکار بیندازند و حالا امیدواریم که از این بیمه بکار بیندازند اما مسئله دوم که در باب شاکردها باشد این ایراد هم وارد نیست زیرا که در مدت یکسال و نیم ایشان نمیتوانند این شاکردها را در تمام عملیات معار کنند شاید در ضمن سه سال هم نتوانند استاد بکنند ولی ایشان متعهد میشوند که ۳۰ نفر را در عملیات میکشید و داخل بکنند بعد از آن اگر دولت خواست ایشان را اجیر بکنند متمم آن عملیات را ایشان تعلیم خواهند داد اگر دولت ایشان را مستخدم نکند دیگران تعلیم خواهند داد پس هیچکدام از این دو ایراد نمیتواند مانع از گذراندن این کتکرات باشد.

دکتر سعیدالاطباء - چنانچه آقای متین السلطنه فرمودند هیچکس اینجا مخالفت ندارد و همه کم و بیش مسیوبو بوطن را میشناسند که خدمت کرده است ولی اینجا تصور میکنم که ما اگر این کتکرات را یکسال و نیم بیندیم این یک چیز غلطی است و خلاف قانون است ما چطور بتوانیم يك کتکراتی را در يك سال و نیم پیش بیندیم این است که بنده عقیده ام این است که مدتش از همین امسال قرار بدهیم.

نایب رئیس - چون در این باب پیشنهاد شده است اگر مذاکرات کافی است پیشنهادها خوانده شود یکی از طرف آقای افتخارالواعظین است و یکی از طرف آقای حاج سید ابراهیم (۱) از طرف آقای افتخارالواعظین بشارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوم این شکل نوشته شود ماده (۲) تاریخ تجدید این کتکرات از روز اول حمل تنکوز تیل ۱۳۲۹ لغایت ۳ سال شمس خواهد بود (۳) از طرف آقای حاج سید ابراهیم باین عبارت قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم کابتدای تاریخ کتکرات مسیوبو بوطن از وقت تصویب آن از مجلس شورای ملی باشد.

دکتر امیر خان - آنچه عقیده شخصی بنده و عقیده کمیسیون هم شاید این بوده است این است که از روزیکه مدت سابقش تمام میشود تجدید کتکرات از آرزو باشد حالا از آرزو اگر میخواهند ۴ سال باشد ممکن است چون این شخص تا بحال مشغول خدمت بوده است و از آن روزیکه کتکرات سابق او منقضی شده است بایستی تجدید بشود ولی اگر نظر آقایان بطول مدت باشد و بخواهند مدت را زیاد بکنند کتکرات را ممکن است چهار سال یا پنج سال

بکنند بجهت اینکه اگر بخواهد طول مدت داشته باشد در حال این شخص مدتی است که در خدمت دولت ایران بوده است و در این مدت در قورخانه و در فشنک سازی و گلوله سازی مشغول بوده است حالا اگر شاگرد باو ندادند که تربیت نماید تصحیر او نبوده است و بقیه بنده آقایان نمایندگان اگر طول مدت را تقاضا میکنند خوب است تقاضا بکنند کاز همان تاریخ چهار سال یا پنج سال باشد .

افتخار الواعظین - این پیشنهاد بنده توضیحش معلوم است و علتش واضح چون اینجا نوشته است که سی نفر شاگرد را تعلیم بدهند و از مدتی هم یکسال ونیم گذشته است و از برای اینکه يك مدتی باقی بماند و کافی باشد از برای اینکه شاگردها را تعلیم بدهد از برای کارخانجات نظامی بنده پیشنهاد کردم که مدت کنترات از اول حمل ۱۳۲۹ باشد که دو سال ونیم دیگر وقت باقی باشد و در این مدت ۲ سالو نیم هم ایشان میتوانند این شاگردها را وارد عملیات بکنند و بعد از دو سال ونیم دیگر هم دولت وجود ایشان را لازم میدانند و کنترات مجددی با ایشان بسته خواهد شد این است که بنده پیشنهاد کردم کاز اول حمل باشد که دو سال ونیم دیگر میشود .

لسان الحکماء - بنده عقیده ام این است که دولت يك پیشنهادی کرده و آن ار اول حمل ۱۳۲۸ است تا مدت ۳ سال شمسی و کمیسیون هم تصویب کرده است و این تصرفات شاید مقضی نباشد ب علاوه این يك امتحانی است از برای مسیو بوشان که اگر در این مدت این عده شاگرد را حاضر کرد برای دولت و تحویل داد بمؤت آنوقت پنج سال شش سال ده سال دیگر هم او را ممکن است کنتراتش را تجدید نمایند از این جهت این پیشنهاد در آینده صحیح نمیدانم و عقیده ام این است که مطابق پیشنهادی که دولت کرده است رای داده شود .

افتخار الواعظین - بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم .

نایب رئیس - آقای حاج سید ابراهیم در اصلاح شا رای میگیریم یا شما هم پس میگیرید .

حاج سعید ابراهیم - اگر آقایان تصدیق میکنند این مطلب را که قانون سازی با قبل خودش هم میشود یعنی يك زمان گذشته را که بترتیب دیگری عمل شد، حالا تصویب بکنیم من پیشنهاد خود را پس میگیرم والا گمان نمیکند صحیح باشد و تصور میکنم که قانون سازی با قبل نباشد .

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری از طرف آقای ناصر الاسلام (بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که مدت استخدام مسیو بوشان چهار سال ونیم باشد .

دکتر امیرخان - همینطور که شاهزاده لسان الحکماء فرمودند عقیده کمیسیون بر این است که بهمان پیشنهاد هیئت وزراء رای گرفته شود و در جواب آقای حاج سید ابراهیم عرض میکنم که این قانون نیست تا اینکه ایشان بفرمایند قانون سازی با قبل خودش نمیشود این يك کنتراتی است که منقضی شده و تجدید میشود .

ناصر الاسلام - بنده هم پیشنهاد خود را مسترد میدارم .

نایب رئیس - پس رای میگیریم بنده (۲) هریک از آقایان تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد - حالا بجای ماده سوم کمیسیون نظامنامه واحد کمیسیون بودجه خوانده میشود بعبارت ذیل قرائت شد .

ماده - وزارت جنگ مجاز است مسیو بوشان مهندس قورخانه و کارخانجات نظامی را بدت سه سال از قرار سالی دو هزار و چهارصد تومان استخدام نماید .

نایب رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) رای میگیریم بنده سوم مطابق پیشنهاد کمیسیون بودجه هریک از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

هریک از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد در کلیات مخالفی هست (اظهار شد خیر) هریک از آقایان که کلیه این لایحه را تصویب میکنند ورقه سفید و هریک که تصویب نمیکند ورقه آبی خواهند داد (اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضاخان آنها را بدهند) (رای شماره نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت (۵۰) رای از (۶۵) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد جلسه آتی شنبه (۲۰) سه ساعت بغروب مانده دستور آن بقیه شور قانون انتخابات پیشنهاد وزارت داخله راجع بخرید اسلحه بجهت ژاندارمری ایضاً لایحه وزارت داخله راجع به روزنامه رسمی چون این دو مطلب را بطور فوریت تقاضا کرده اند این است که جزء دستور گذاشته میشود .

ادب التجار - اگر چه از بسکه تکرار در مذاکره این مطلب کرده ام خجالت میکشم از اینکه باز در باب طرح قانون منع احتکار عرض بکنم ولی از اینکه باز جسارت میکنم برای يك مسئله ایست که آن مسئله مرا مجبور می کند که خاطر مبارک آقای نایب رئیس و سایر آقایان را متذکر نمایم و آن مسئله شدت مسئله نان است که امروز همه نمایندگان را متأثر کرده بنده تقریباً ۱۶ و ۱۷ ماه است این طرح را تقدیم کرده ام و اگر این طرح از مجلس شورای ملی گذشته بود تا يك درجه جلوگیری از شدادی این محکرتین بی انصاف که خدا و بنمبر در حق آنها چقدر نفی فرموده است و همه شما ها بهتر میدانید عموم مردم خلاص میشوند سابقاً عرض کردم این مسئله سختی نان تنها بقرا صدمه نیست بلکه همینکه کار بجای سخت رسیده اسباب صدمه اغتیا هم خواهد بود و این تقریباً (۱۶) (۱۷) ماه است در کمیسیون است نظرات مکرر هم در آن شده است و بمجلس شورای ملی هم مکرر آمده است و لایحه تکلیف برگشته است به کمیسیون گاهی وزراء سابق خواسته بودند که نظرات خودشان را در آن بنمایند باین عنوان برگشته است بکمیسیون و گاهی بناوین دیگر بکمیسیون رجوع شده است و همین واسطه تا بجا بلانکلیف مانده است و چون

خاطر مبارک حضرات عالی همیشه مصروف است با سودگی عموم و هیچ چیزی بهتر از راحتی اهالی نمیدانید لذا تذکر میکنم خاطر آقای نایب رئیس را اگر چه سابق هم یعنی یکماه قبل از این تذکر کردم که از این فقره که يك اندازه جلوگیری داخله ما میکند برتیس کمیسیون داخله تا یکبار بفرماید که آن طرح را زودتر بمجلس بیاورند که بگذرانیم و يك جلوگیری بشود و خاطر آقایانهم آسوده باشد از این آمو ناله ضغفا و از این بی انصافی های محکرتین و این اگر بگذرد لاف بلوگیری برای سال آینده لامعاه میشود .

نایب رئیس - بنا بود در همین چند روزه این مسئله حزه دستور شود ولی چون وزارت داخله خواستند که بنظر خزانه دار کل هم برسد و ایشان هم نظریاتی در آن بکنند آنوقت پیشنهاد مجددی بمجلس شورای ملی بکنند و جزء دستور بیاید از اینجست تعویق افتاده ولی انشاء الله در هفته آتی خواهد بود .

ارباب کبشرو - بنده تقاضا میکنم راپورت کمیسیون بودجه راجع بپورته مرحوم و کیل التجار در جلسه آتی جزء دستور شود حقیقه برای ورته او خیلی سخت است و وکلای محترم که نظرشان همیشه بمعارف است و اینهم برای معارف است و برای تعلیم اولاد او است که اولادش را میخواهند بمدرسه بفرستند از اینجست بنده تقاضا میکنم که جزء دستور جلسه آتی شود (گفته شد صحیح است)

افتخار الواعظین - راپورتیکه از کمیسیون فوائد نامه داده شده است راجع بپاک جزیره هرمز و رای هم داده اند و از طرف هیئت وزراء دیروز بن نوشته اند از برای بعضی نظریاتی که وزراء دارند و برای بعضی ملاحظات خیلی لازم میدانند که تکلیف این مسئله بزودی معلوم شود این است که بنده تقاضا میکنم که راپورت کمیسیون فوائد نامه جزء دستور روز شنبه گذاشته شود و هر چه زودتر تکلیف آن معین شود .

نایب رئیس - این مسئله در دستور بود ولی چون این فقره از طرف وزراء پیشنهاد شد و فوریت آن تقاضا شده این بود که بگذرد عقب افتاد البته معلوم است بعد از آنها این مطلب مطرح خواهد شد .

ناصر الاسلام - بنده موافقم با آن پیشنهادی که آقای ارباب کبشرو فرمودند و خواستم همان تقاضا را بکنم امیدوارم که از برای روز شنبه جزء دستور بگذرانند و یکی هم راپورت کمیسیون بودجه راجع بفتح الله خان مجاهد رشتی است که در فتح تهران مقتول شده یعنی راکه کمیسیون بودجه تصویب کرده است برای برادر کوچک او که حال در طهران مشغول تحصیل است و در نهایت بریشانی است و يك مرتبه مجلس آمد و بلانکلیف ماند تقاضا میکنم آن را هم در دستور بگذرانند و امیدوارم آقایان نمایندگان هم مسامحت بکنند که جزء دستور گذاشته شود

حاج شیخ اسداله - بنده برخلاف سایر نمایندگان تقاضای دیگر دارم که دستور مجلس منحصر باشد بقانون انتخابات چون در خصوص دوره تقنینیه که آیا قمری است یا شمسی است هنوز در بین آقایان

نمایندگان این مسئله حل نشده است بنا بر این احتمال دارد که ده روز یا دوازده روز دیگر از صر این مجلس شورای ملی بیشتر باقی نمانده باشد در این ده دوازده روز تصور بفرمایید که این همه چیزهایی که جزء دستور میشود چند جلسه دیگر داریم و باین تقاضاهایی که میشود و نظامنامه انتخابات را هم فر دست داریم آیا موفق میشویم بگذرانیم قانون انتخابات باخیر و بنده عرض میکنم همان دوققره را هم که خود آقای نایب رئیس جزء دستور گذاشته آن هم از دستور خارج شود و منحصر بشود دستور مجلس بهمان قانون انتخاب برای افتتاح مجلس در آتی منوط است بهمن نظامنامه انتخاب و اگر اتمام نشود و مدت دوره این مجلس منقضی شود آنوقت نمایانیم چه حالتی پیدا خواهد بود بجهت اینکه در واقع مذاکره در این قانون انتخابات را باطل کرد در این صورت بنده تقاضا میکنم دستور شورای ملی منحصر باشد بهمان نظامنامه انتخابات .

نایب رئیس - چون در این مذاکراتی که میشود راجع به تغییر دستور باید رای گرفت آن وقت که آن دستور را معین کردیم عده برای رای کافی نبود ولی حالا کافی نیست که رای گرفته شود .

سلیمان میرزا - در چند شب قبل گویا آقای ادیب التجار يك تقاضایی کردند که در حقیقت خیلی قابل توجه و مهم بود ولیکن تاکنون هنوز بموقع اجرا نرسیده است و آن این است که شنبه میشود در این جنگ ها بعضی نوشتجات و بعضی اسناد بدست آمده که خیلی مهم است و این يك چیزی که بسیار مهم است و باید نماینده محترم از این اسناد مطلع باشند و این چیزی نیست که با امروز و فردا بشود از آن صرف نظر کرد و بنده این را از مطالب بسیار بسیار مهم میدانم برای اینکه از آن نوشتجات مطالب بسیاری را میتوان درک کرد شاید در طول زمان از بین برود پس خوب است هر چه زودتر و بفوریت این اسناد به مجلس بیاید که شاید خیلی مطالب عمده از این اسناد کشف شود و فوت وقت و تأخیر او را بنده خیلی مضر میدانم این است که تقاضا میکنم که اگر از هیئت رئیسه تا بحال در این خصوص چیزی نوشته شده است در نانی تأسیدی بشود که ما باین اسناد و بآن مطالبی که لازم است برسیم و سال مجلس هم به عقیده بنده شمسی است قمری نیست .

نایب رئیس در این باب مذاکره شده و مکرد مطالبه شده است و قرار شد که آن اسناد را بفرستید بکمیسیون بودجه چون این يك مطلبی است که راجع میشود بآن اشخاصیکه صاحب حقوق بوده اند و باید حقوق آنها قطع شود و از اینجست قرار شده است که تمام آن نوشتجات راپاورده بکمیسیون بودجه از خود شهر هم آنچه لازم است تحصیل بکنند و بکمرته بیاورند اقدام کنند آقای دکتر رضاخان توضیحی داشتند در باب آن مطلب که فرمودید .

دکتر رضاخان - عرض بنده راجع بسوه تقاضی بود که آقای متین السلطنه توضیح فرمودند که مسیو بوشان خیلی خدمت کرده است و بموجب نظام نامه داخلی حق داشت توضیح بدهم که آن سوه تقاضم رفع شود و آن اشخاصیکه فرمودند خواستم عرض

کنم که بنده برخلاف نظم حرکت نکردم تا اینکه مورد اخطار بشوم .

نایب رئیس - ملاحظه بفرمایید مخصوصاً در نظامنامه داخلی قید شده است که اگر سوه تقاضی شده است میتواند در آخر مجلس توضیح بدهند حالا اگر میل دارید و منی خواهید بیان کنید بفرمایید .

دکتر رضاخان - مقصود بنده این بود که بنده هیچ مخالفتی نمیکردم از باب مسیو بوشان گاهی موافقت برمیخواستند و اظهار حرارت میکردند و می گفتند که این آدم خوبی است و خدمت کرده است بنده خیلی از اینها بیشتر اطلاع داشتم و میدانستم که خدمت کرده است ولی برای اینکه بتوانند شاگردانی را که باو میسارند تعلیم نمایند طول مدت را تقاضا کردم که مدت کنترات او را چهار سال قرار بدهید و این سوه تقاضی شده بود بجایش مرا مخالف فرض کرده بودند .

آقای میرزا احمد - در باب آن پیشنهادی که آقای ادیب التجار کرده بودند و در خصوص آن اسناد میخواستم عرض کنم که جوابی را که فرمودند نمایندگان را قانع نکرد برای اینکه شاید در این اشخاصی و اشخاصی باشند که حقوق نداشته باشند لذا تمام آنها را خوب است بخواهند و در اطاق تنفس یادر يك اطاق دیگر بگذرانند که تمام و کلا بخوانند و ببینند (گفته شد صحیح است)

جلسه ۳۰۶

صورت مشروح جلسه یوم شنبه بیستم شهر شوال لمکرم ۱۳۲۹

رئیس - (آقای مؤمن الملک) سه ساعت قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس فرموده و پس از ده دقیقه مجلس رسماً افتتاح شد .

آقا میرزا رضا خان نائینی صورت جلسه قبل رافراشت کردند و اسامی غائبین جلسه قبل بترتیب ذیل قرائت شد .

غائبین بدون اجازه - دکتر اسمعیل خان - دمخدا - آقا سید محمد باقر ادیب - آقا میرزا یونس مریم - حاج آقا - غائبین با اجازه آقا محمد شیبانی - نجم آبادی - لواء الدوله آقایانیکه از وقت مقررتخلف نمودند - حاج امام جمعه دو ساعت ۲۵ دقیقه - باباطبائی ۳۵ دقیقه - وحید الملک - دکتر امیرخان - سلیمان میرزا هریک نسیاست حاج وکیل الرطایا ۵۰ دقیقه .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست **افتخار الواعظین** - در آخر جلسه بنده يك تقاضائی کردم در باب راپورت کمیسیون فوائد نامه راجع بپاک جزیره هرمز که جزء دستور گذاشته شد آقای نایب رئیس هم قبول فرمودند و اینجاقید نشده است .

رئیس - اصلاح میشود .

ادیب التجار - بنده هم در آخر جلسه تقاضا کردم طرح راجع بمنع احتکار را از کمیسیون داخله بخواهند زودتر جزء دستور مجلس بگذرانند و اینجا قید نشده است .

رئیس - اصلاح میشود .

آقای میرزا احمد - در آخر جلسه حضرت والا سلیمان میرزا شرحی راجع بتقاضای آقای ادیب التجار در آوردن آن نوشتجاتیکه بدست آمده است اظهار کردند آقای نایب رئیس هم جوابی دادند بنده هم جوابی دادم و بهیچوجه متذکر نشده است در صورت مجلس .

رئیس - صورت مجلس با این اصلاحات تصویب شد دستور مجلس قانون انتخابات در مرکز حوزه های انتخابیه آقایان در خاطر دارند که در شور اول گفتیم که در کلیات اعتراض بعضی دارند و این ایراد هم صحیح بود گمان میکنم اگر در کلیات مذاکره شود در جزئیات زحمتان کمتر است یعنی مثل طرحهای قانونی اول در کلیات مذاکره کنیم بعد در جزئیات یعنی در حوزه های جزء مذاکره میشود دیگر اینکه در باب رای گرفتن اگر بنا باشد برای هر محلی نماینده که معین شده است بخواهیم رای بگیریم باید هشتاد مرتبه رای بگیریم گمان میکنم بهتر این باشد که برای هر حوزه انتخابیه يك رای بگیریم ولی اگر بعضی از آقایان میبینند که بعضی ملاحظات در حوزه بندیها شده است پیشنهاد میکنند که تجزیه شود آنوقت تجزیه میشود و در هر جزء بکرای گرفته میشود حالا در کلیات این حوزه بندیها مخالفی هست یعنی مخالفی هست که در کلیات مذاکره شود .

حاج شیخ اسداله - بنده مخالف و عرض میکنم مذاکره در کلیات حوزه بندی آذربایجان شد ولی در کلیات این حوزه بندیها نشده است ولی در خصوص آذربایجان مذاکره شده است و رای هم داده شده است بنده که دیگر در کلیات حوزه بندیها آذربایجان مذاکرات کافی است پس در کلیات آذربایجان نباید مذاکره شود .

رئیس - مقصودم راجع بتمام حوزه بندیها است حالا رای میگیریم آقایانیکه موافقت که در کلیات حوزه بندیها مذاکره شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد حالا مذاکره در کلیات است در کلیات این لایحه مخالفی هست ؟

بجهت - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمایید .

بجهت - همینطوریکه آقای رئیس متنبه شدند شور در کلیات لازم بود برای اینکه ما اگر شور در کلیات نمیکردیم لازم میشد که در هریک از حوزه بندیهای عرض را که در کلیات باید بکنیم در جلسه گذشته خاطر نمایندگان را مستحضر کردم حالام عرض میکنم در این حوزه بندیها دو نظر عمده است یکی انتخاب جمعی است و یکی لازمه است که محرومیت خیلی دورقراه و قصبیات است و بنده از این نقطه نظر مخالف هستم یعنی همویت دارد انتخابات با شرایط و معنی محرومیت این میشود با وجود آن شرایطی که در نظامنامه انتخابات قید شده است ممکن است بعضی از قراه و قصبیات بکلی محروم شوند و محرومیت آنها لازم نیست که بطور وضوح باشد بلکه ممکن است حوزه بندیها را يك طوری بکنیم که بر حسب وضع طبیعی انتخاب اسباب محرومیت آنها بشود اینهم معنی محرومیت است مثلا اشخاصیکه مشغول کسب و کار هستند بگوئیم بروید سی فرسخ آنطرف تر رای بدهید مسلماً نخواهند رفت و اسباب محرومیت

رئیس - اصلاح میشود .

آنها خواهد شد و لو اینکه محرومیت آنها تصریح نشده باشد مثلا رشت را مثال میزنم که در اینجا يك حوزه انتخابیه قرار داده اند اگر بنده بطور تحقیق ندانسته باشم که عرض و طول گیلان چقدر است ولی اقلا ۱۰ فرسخ در ۲۰ فرسخ است این اقل چیزی است که ممکن است فرض کرد که کمتر از این نخواهد بود در شور اول قانون انتخابات حوزه های جزئی معین شده بود با وجودیکه غالباً انتخاب جمعی بود و هیئت هائیکه بودند رأی آنها را میگردانند و میفرستادند یعنی خلاصه اش را میفرستادند بمرکز حالا در این جا کلیه منوط کرده ایم برای انجمن نظار وقتیکه برای انجمن نظار مرکزی شد ممکن است يك اختلاف کلی در موقع انتخابات بروز کند بجهت این که این وسیله میشود که از هر دمی تقاضای يك انجمن بکنند و این را هیئت نظار نمیتوانند تصویب بکنند و بین معظورین واقع خواهند شد دیگر آن که بجهت آن که کسی نمیتواند بگوید که من استحقاق ندارم هر کس خودش را ذیحق میدانند حالا ما چه بکنیم حق بدیم یا ندهیم اگر حوزه جزء قرار ندهیم شکایت زیاد خواهد شد و میگویند که ما ما استحقاق داشتیم و هیئت انجمن نظار حق ما را با ما ندارد پس بنا بر این تفصیل لازم میشود که ما هیئت های جزو و حوزه های کوچک معین کنیم در همین قانون انتخابات این يك اختلافی است که نقطه نظر بنده بود و یکی در انتخابات جمعی است که علاوه بر این که حوزه های فردی را انتخاباتشان را لغو کردیم علاوه آمدیم آن حوزه های کوچک را روی هم گذاشتیم و يك حوزه بزرگی قرار دادیم بکنند نظر بکنند نظر بکنند همین مسئله سهولت بود که ما چونکه خیلی مشتاق هستیم که منتخبین مجلس آتی زودتر انتخابات شوند باینجهت بیجلس این شکل که بکنیم انتخاب جمعها زودتر آن مقصود حاصل میشود اما این جا يك مطلبی است و آن اینست که این سهولت که ما دلمان میخواهد بواسطه لغو شدن بعضی حقوق است که لغو میشود و اگر خواسته باشیم آن حقوق را بآنها بدیم و رأی بدیم که حوزه های جزء يك انجمن نظاری داشته باشند و آراء آنها لغو نشود و انتخابات هم طول نکشد بهتر است بواسطه این که اگر مشرود خودش بکنند و کلیل داشته باشد با توابعش زودتر و کلیل او خواهد آمد این جا تا این که از انجمن الان بر آغوش و دهخواران و همه جا آمدند آن وقت از مجموع این ها يك رأی کلی بگیرند پس اگر منظور رعایت سهولت است که بخواهیم سهولت را مراعات بکنیم انتخاب فردی اسهل است اما اگر مقصود مایبستگی سهولت را باین طریق بدست بیاوریم که اختیار را واگذار کنیم به هیئت نظار متلا آن انجمن نظار شهر تبریز حق پیدا کردند و بآنها حق ندهند و بگویند حق ندارید مرکز انتخاب در يك اسهلیتی خواهد بود که در حقیقت محروم شدن است بجهت این که آن نماینده که از آن مرکز انتخابیه انتخاب شود يك نماینده حقیقی نیست بلکه يك اکثریتی است که اقلیت است آن نقاط جز

جزیکه هست وقتیکه مجموع آنها را ملاحظه کنیم میبینیم که اکثریت آنها بیشتر از شهر تبریز است و ملاحظه این که آن ها را متوسط کردیم شهر تبریز از حقوقشان محروم خواهند بود این جا آقای مغیر يك فرمایشی کردند که لازم است جواش را عرض کنم فرمودند اقلیت و اکثریت لازم است انتخاب است همه جا همیشه يك عده را محروم میکنند باز مجدداً این مسئله را توضیح میکنم که این مطلب دائرین نفی و اثبات است یا باید بشود یا باید نشود این محصور بین حاضرین است اما اگر يك اقلیت و اکثریتی ملاحظه بکنیم که آن اقل را بحق خودش رسانیدیم و آن اکثر را هم بحق خودش رسانیدیم اینجا منافاتی نیست که بگوئیم از بین میروند متلاوقتی هشترود و توابعش را يك وسیله بدیم آن اقلیت يك فایده و انقاف میبرد و يك وسیله دارا خواهد شد ولی اگر ضمیمه شهر تبریز بکنیم بهتر است چون شهر تبریز جمعیتش بیشتر است و اکثریتش بهتر است و اکثریت را خواهد برد آن وقت این جا گفته میشود چه ضرر دارد که اهالی هشترود برودند یا اهالی دهخواران اتحاد بکنند و این اکثریت را با هم ببرند این بدیهی است که میدانیم که خوبی سهل است که بدون اسباب مقدماتش از مردم درخواست میکنیم میدانید که در این دهات روابطشان کم است و شرکشان اشکال دارد اگر ما میخواهیم جزء تبریز بکنیم پس بنا بر این معنی باید بگوئیم که هشترود جزء تبریز است و این محروم شدن از حق انتخاب بنا بر این تقریر اگر ما بخواهیم این سهولت در انتخاب باشد هم مردم تا يك اندازه محروم نشوند به ترتیبی است که همان انتخاب جمعی باشد که ما محروم نکرده باشیم باید تصریح کنیم که کجا حق دارند که يك انجمن نظاری داشته باشند و کجا حق ندارند و برای انجمن نظار مرکزی هم اشکالاتی پیش نیاید

ذکاء الملک — در مسئله اول که تشکیل انجمنهای جزء باشد در بلوکات اینجا بنده عرض نمی کنم بجهت اینکه آقای بیعت مسجون هستند که رابورتی را کاز کمسیون آمده بود همینطور تفصیل داده شده بود ولیکن اینجا پیشنهاد شده بود که آن ترتیب را تبدیل کنند و آن پیشنهاد هم قابل توجه شد و بکمسیون هم آمد و کمسیون هم رأی داد حالا دیگر بنده در اینجا تناسب را نمیدانم و اما در مسئله دوم و انتخاب جمعی اگر چه در جلسه گذشته هم بطور مختصر بنده جواب اعتراضات آقایان را دادم و هم بعضی اشخاص دیگر بنا بر این بازم بتفصیل عرض نمیکنم همینقدر عرض میکنم که این انتخاب جمعی را که اینجا بقدر مذاکره میشود تفاوتی که پیدا شده است که بنده ملاحظه میکنم در چهار پنج نقطه اش بیشتر نیست و در مابقی نقاط اینطور نیست و بعد ملاحظه خواهید فرمود و اما اینکه بنده عرض کردم که این ترتیب سهولت تراست است نه بان نظری بود که آقای بیعت فرمودند بلکه باین نظر بود که چون مردم این مملکت هنوز با انتخابات معتاد نشده اند دردهات و بلوکات کمتر از مردم شهر داخل در عمل انتخابات بودند بلکه ما توانیم بگوئیم که هیچ در انتخابات شرکت نداشته اند اگر آنها را مستقل قرار بدیم در

انتخاب کردن و رأی دادن ممکن است که يك مدت مدیدی طول بدهند تا انتخاب بکنند یا تعویق بیندازند بنا بر این حتی الامکان آنجائی را که دیدیم شایسته است ملحق نکردیم ولی در جاهائیکه دیدیم که سهل و مناسب نیست که اینکارا بکنیم بلوکات و شهرها را جزء کردیم که اینها هم بتوانند بیابند در شهرها شرکت بکنند و همه در نقاط خودشان که لازم است انجمن نظارت جزء تشکیل بدهند اگر هم نکرده لافل انتخابات تاخیر بيفته و نظر بیشتر باین بوده است که اگر انتخاب نکرده و با اکثریتی بنا بر این انداختند آنوقت در شهرها انتخاب میکنند و انتخاب اهالی بتعویق نمیافند مثلا اینکه این بلوکات را ضمیمه شهر تبریز کردیم آنوقت در مدت معینی که یکماه یا چهار روز باشد که مدت حوزه انتخابیه است از شهر تبریز چهار نفر خواهد آمد ولی معلوم نیست که آن بلوکات را نماینده خودشان را معین بکنند و بفرستند در صورتیکه اگر اینکارا کردیم مثل حال حالیه آنوقت آنها سعی خواهند کرد و آراء خودشان را خواهند داد چون يك سمت معینی دارند ولی اگر انتخاب نکرده کلهای کردند غفلت کردند بوجه بعضی از مواردیکه در نظامنامه انتخابات معین شده است آن نه نفر را در تبریز معین خواهند کرد و بجای چهار نفر ما نه نفر نماینده خواهیم داشت این بطور سهولت میشود و اما در مسئله محرومیت باز در جلسه گذشته بنده و سایرین تفصیلا جواب دادیم که این محرومیت تا يك اندازه در ایران با این ترتیب و حال حالیه قهراً واقع میشود منتها اینست که این محرومیت حالا در بلوکات اطراف تبریز یا اطراف طهران اگر واقع شود نسبت بطهران و تبریز واقع خواهد شد اما اگر آن قسم قرار بدیم آن محرومیت نسبت به بلوکات مجاور بکنند بگوئیم واقع خواهد شد چنانکه عرض کردم خوار نسبت به ورامین و یا ورامین نسبت بخوار حالا اگر واقع شود این محرومیت خوار و ورامین نسبت بطهران محرومیت پیدا میکند و اگر بخواهند این محرومیت را پیدا نکنند چاره اش جز این نیست که مردم واقعا يك اهتماماتی در عمل انتخاب داشته باشند و يك مردمان داوطلبی در نظر بگیرند و آراء خودشان را زیاد بکنند چنانچه اگر این محرومیت پیش بیاید بازم دلیل بر اینست که اهالی این مملکت عادت با انتخابات ندارند نماینده بکنند لایه در هر جائی يك مردمانی هستند اگر بدانند چه بکنند مردمان را در نظر بگیرند و انتخاب بکنند یا در جاهائیکه منظور میشود در نظر بگیرند و انتخاب کنند گمان میکنم که هیچ محرومیتی در بین نباشد

دکتر حاج رضا خان - بنده گمان اینست که این جوابها بیکه آقای مغیر فرمودند هیچکدام ما را قانع نمیکند اینجام مقصود محرومیت حق انتخاب نیست برای اینکه شما که حق انتخاب میدید برای اینکه باید بکنند بنویسند يك نفر بنویسند پس حق انتخاب را میدید فقط چیزی که وکیل را در حقیقت از او گرفته اند آیا انتخاب فردی و تعیین داوطلب برای چه چیز است بر اینست که اکثریت مردم معلوم شود و بدانند که این وکیل از طرف اکثریت است مثلا فرض کنیم که طهران یا ناصه هزار جمعیت دارد این یا ناصه هزار جمعیت باید پنج نفر وکیل بدهد پنج

نفر وکیل هم اطراف باید بدهد که پنج حوزه صد هزار نفری باشد معلوم است که انتخاب جمعی شد و شرکت دادیم آن حوزه های کوچک را با این حوزه های بزرگ معلوم است که در این حوزه های بزرگ از جهت فراهم بودن اسباب و نزدیک بودن امکته و اتفاق و اتحاد وسایل رأی دادن فراهم است و دو هزار نفر که باشند در آنجا رأی بدهند آنوقت آن بیچاره ها که در اطراف هستند باید بیایند جمع شوند و رأی بدهند آن وقت آن ها آراء مختلفه میدهند و در هر حوزه دوسه نفر را بنویسند و در واقع آنها از وکیل محروم و حق وکیل را از آنها سلب کرده ایم یعنی دهاتی و اطراف نباید وکیل بدهد و شهری باید بدهد مثلا آراء این شهر یا ناصه هزار نفر بود جمع شد این آراء در این شهر که پنج نفر معین کنند و در سایر جاهای دیگر هم صد هزار یا دوهزار بود که وکیل معین کرده است و باقی در واقع وکیل ندارند اینک میگویند باید انتخاب فردی باشد و حوزه کوچک نه نظر به محرومیت است نظر باینست که میگویند از اطراف انتخاب شود مثلا فرض بکنیم که حوزه صد هزار نفری که باید بکنند وکیل بدهد و پنج هزار نفر در حوزه جمع شدند در صورتیکه بخواهیم معین کنیم و اینجا معلوم است که پنج هزار نفر در پاره دو نفر تبادل افکار بکنند و آن وقت زد و خورد است در میانه صد هزار نفر در حوزه جمع میشوند و رأی میدهند برای یک نفر از این تمام حوزه ها يك دوهزار نفری رأی میدهند و جمع می شوند اینجا آن وقت از طرف اکثریت ملت مجلس یاشده اما وقتی از طرف يك اکثریتی شده فقط اکثریت اهالی شورا است و وکیل وکیل هزار نفری است به این وسائل بردن انتخابات را یعنی حق دادن بيك دست یارنی در شهرها از برای آنکه استفاده کنند از تمام اطراف و آن وکلارا بفرستند و گمان می کنم که از این واضعتر نتوان مطلب را تشریح کرد و بنده تصور میکنم که ما نباید بطرف قهراً برویم و مردم را هم از وکیل که باید حفظ حقوقشان را بکنند محروم بکنیم اسمش را بگذاریم سهولت انتخابات من نمیدانم که این چه سهولتی است ملاحظه انتخابات بدیم انجمن نظارت هم بایشان بدیم و آن وقت عرض میکنم بگوئیم ده نفر بنویسند این خیلی مشکل است که او برود ده نفر بنویسد آن وقت هم میگوئیم سهولت اینکه بچند رأی بدهد و انتخاب هم بکنند چاره نفر بنویسد بکنند بنویسد و شرکت باشه هم نکنند بنده در شهر هم مخالف هستم و باید در شهر هم حوزه های کوچک کوچک بریا بشود امروز وسائلش فراهم تر است و در شهر ها که نزدیکتر بهم است ایضا میگوئیم عیب ندارد که بعد که یکفردی نزدیکتر شویم و جلوتر برویم که هم کامل تر بشود و هم زودتر بشود که این کار را بکنیم اما آن دو درجه که ما از او متنفر و مترس بودیم و يك دو درجه درست بکنیم که جامع باشد از دهاتی ها و یارنی از جاهای دیگر و من بکلی مخالفم باین ترتیبی که اینجا نوشته است

معزز الملک — بنده تصور میکنم که این ترسها بیکه از محرومیت داریم و میترسیم که رو بفرهه برویم و حقوق يك عده دهاتی یا اعمال شود ترس از این محرومیت باعث چیزهای دیگری و کار

های بزرگتری شود اگر ما بعملیات اینکار حقیقه يك قدری نظر کنیم و صلی بشویم که ببینیم آیا محرومیتی در بین هست یا نه و اما اگر انتخابات جمعی باشد باز محرومیت هست یا نه ؟ و آیا بر فرض که محرومیت باشد این مسئله بهتر است اصلاح در آنست که آن محرومیت از میان برود اینجا سه مسئله است که باید در تحت مذاقه بیاید اولاً همانطور که آقای دکتر خودشان فرمودند این محرومیت برخلاف محرومیتی است که در جلسه گذشته گفته شد و هیچکس محرومیت ندارد هر کس دلش بخواهد و دارای آن شرایط انتخاب کننده باشد و باید رأی بدیم همانطور که آقای دکتر حاج رضا خان فرمودند و بنده تصدیق میکنم و میگوئیم این محرومیت از داشتن نماینده است بنده عرض میکنم که این يك بدبختی است که چاره پذیر نیست يك بدبختی است که فرق نمیکند این انتخاب يك چیزی است که بازم با همان يك حوزه های انتخابیه صد هزار نفری بازم آن صورت محرومیت باقی خواهد بود در شور اول وقتیکه مطابق عقیده آقایان حوزه های جدا جدا نوشته بودند از صدی هشتاد حوزه انتخابیه بود و چندین نقاط مختلفه بیده بود که بیایست جمع شوند و انتخاب کنند پس همان محرومیت در همان جا هم منظور بود و در اینجا هم هست وقتیکه انتخاب سنان و دامغان را حوزه میکنند و از این دو جا میخواهند يك نفر وکیل انتخاب کنند با آنکه مسافت ما بین سنان و دامغان ده فرسخ است بجهت ترتیب اهالی آن دو نقطه و یا سایر بلوکات را در این دو نقطه جمع میکنند و بجهت ترتیب آن بلوکات و آن رعایا را نمی خواهند محروم بکنند و اکثریت شهرها را چطور جلوگیری می نمایند و این را بنده خیلی مایل بودم که بگوئیم پس که انتخاب جمعی را بر انتخاب فردی ترجیح میدهند و از انتخاب جمعی ممکن است ممانعت بکنیم بیه اگر ما يك مملکتی می داشتیم که ده فرسخ در ده فرسخ عرض و طول میداشت و يك مملکت بر جمعی می داشتیم آن وقت ممکن بود که این مملکت را بقطعات کوچک کوچک قسمت کنیم که دیگر حوزه های انتخابیه صلا می توانستند که آن گمانیکه حق انتخاب داشتند بیایند در آن حوزه های کوچک رأی خودشان را بدهند و انتخابات خودشان را بعمل بیاورند در آن صورت بنده هم موافق بودم که انتخابات باید فردی باشد ولی فرق دارد قانون نوشتن برای يك مملکتی که باید زندگی بکند تا قانون نوشتن از روی کتاب هرقانونی فقط وقتی خوبست که مطابق زندگی آن اهالی باشد ولی اگر خارج از این باشد و از روی کتاب قانون نوشته شده باشد به موقع عمل وقتی که بخواهند بگذارند مشکلاتی پیدا خواهد شد که لابد بشوند بگویند که این قانون هیچ بکار نمیخورد و لابد این انتخاب جمعی يك محسناتی دارد که هیچ نمیشود او را انکار کرد اگر ما می دانستیم که تمام مملکت ایران را تقسیم می کردیم بجزوه های کوچک و آن وقت بقیما می دانستیم که تمام آن حوزه های انتخابیه مثل هم و مساوی انتخاب خودشان را بجای آوردند و نمایندگان خودشان را انتخاب میکردند آن وقت هیچکس طرفدار انتخاب جمعی نبود ولی قطع نظر از سایر جاهای وقتیکه

سامی بینم از صد و بیست نفر نمایندگان هنوز يك خمس آنها حاضر نشده است آنوقت ما دیگر نمیتوانیم بگوئیم خود تجربه با حق و اجازه نبیند که بگوئیم تمام حوزه های انتخابیه با آن سرعت سرشان در انتخاب مثل هم خواهد بود مثل هم انتخاب میکند تجربه با اجازه نمیدهد که ما این را بگوئیم پس مجبوریم بگوئیم که بعضی جاها که انتخابات در مراکز عده هست و يك شهرهای عده هست زودتر میتوانند انتخابات خودشان را بعمل بیاورند و الا اگر غیر از این شد و در حوزه های کوچک کوچک بخواهند انتخابات را بعمل بیاورند در انتخاب مسامحه خواهند کرد و انتخاب نخواهند کرد این است که برای رفع و جلوگیری این عیب که این خیلی عیب بزرگی است کمسیون انتخابات صلاح دید که مردم مقید نباشند که حتماً هر صد هزار نفری را بکنند بدهند که هر حوزه انتخابیه انتخابات خودشان را تعیین بکنند که مرکز حوزه اینجور انتخابیه خالی نباشد که اگر سایر نقاط انتخابات خودشان را بعمل بیاورند افلا آن حوزه های نزدیک آن انتخابات خودشان را زودتر بعمل خواهند آورد حالا امر دادر شده است بین اینکه آنها انتخابات خودشان را بعمل بیاورند یا بنا بر این از طرف دیگر در یکی از مواد قید شده است انجمن نظار که در یکی از نقاط معینه معلومه شعب انجمن نظارت را معین کند اگر حقیقه يك نقاط است که حتی الامکان مقید هستند که حق انتخابات خودشان را از دست ندهند نه در مرکز انتخابیه و در قانون انتخابات چیزی نیست که از آنها جلوگیری بکنند و نگذارند باینده آهای خودشان را اظهار بکنند ولی اگر مایل نباشند و نخواهند استفاده کنند از آن حقی که مقنن بآنها میدهد آنوقت دیگر ما نمیتوانیم که آنها را و سایرین را وادار کنیم که بتوانند از آن حقی که داده شده است برای آن حوزه انتخابیه استفاده کنند و زودتر نماینده خود را معین کنند و چنانکه در جلسه گذشته عرض کردم دوباره عرض میکنم که قانون انتخابیه و غیر از آن تمام اینها فرزند برای يك اصلی مخصوصاً انتخاب فرع است برای يك اصلی آن داشتن نماینده است برای مجلس شورای ملی در ایران داشتن نماینده باین است که هر چه سهلتر و زودتر میشود مجلس را دایر کرد هرقانونی که اسباب تأخیر انتخاب و کلا را فراهم میکند و لو اینکه از روی کتاب هم صورتاً خیلی خوب باشد این از همان جهت خیلی بد خواهد بود برای مملکت پس باین ملاحظاتی که عرض کردم و جلسه گذشته هم عرض کردم بنده هیچ محرومیتی در بین نمی بینم و هیچ یا مایل شدن سقوط ملی را تصور نمیکنم چیزی که هست نمایندگان زودتر حاضر خواهند شد و نمایندگان گانی که برای مجلس شورای ملی لازم است زودتر انتخاب خواهند شد و زودتر مجلس افتتاح خواهد شد

محمد هاشم میرزا — مسئله حوزه های جزو که باید از انجمن نظارت مرکزی شعبه در آنجا باشد و تعیینش با مجلس باشد بنده در کمسیون پیشنهاد کردم و از مجلس نگذشت بعد که بکمسیون برگشت هیئت دولت بعد از آنکه امراری داشتند که با بدهم اگر انتخابات در شهرها باشد چون مجلس رأی داده

بود و از آن ببال گذشت با نتیجه رای دادند در شهرها
باشد مسئله حوزه های جزء که تقشش با انجمن
مرکز باشد که باید در هر نقطه که حل انتخاب
دارند در هر حوزه که صلاح بدانند باید
حوزه مرکزی شعبه در آنجا داشته باشد پذیرفته
بمد که این ماده پیشنهاد شد و از مجلس گذشت و
جریان اسباب این شد که با مجلس باشد حالا بنده
عرض میکنم که باید قید شود نقاط مهمه و الا آن
چیزیکه آقای بهجت فرمودند خواهد شد بنده مخالفم
و استدعا دارم که مسئله نقاط مهمه منضم بآن
داده شود.

رئیس - رای میکنیم که مذاکرات کافی است
یا غیر آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام
نمایند (عده کمی قیام نمودند).

رئیس - معلوم میشود مذاکرات کافی نیست
آقای میرزا مرتضی قلیخان - بنده میخواهم
رفع تمام این اشکالات را با این مقدمه بکنم ما وقتیکه
یک مشکلات جزئی تصادف میکنیم آن امور کلی
را بکنی از نظر انداخته و خودمان را از اساس
مشروطیت و سلطنت ملی محروم میکنیم باید فهمید
سلطنت ملی چه چیز است سلطنت ملی این است که
هر یک از افراد ملت حق دارد که در جزئیات امور
ملکت نظر داشته باشد اینست خلاصه مدلول سلطنت
ملی و چون ممکن نیست تمام افراد ملت باجمعهم
حاضر شوند و مداخله در امور نموده و حکومت بکنند
از اینجهت عده مجلس را برقرار کردند و گفتند
هر عده یکفر و کیل انتخاب کنند حالا نسبت به جمعیت
کم باشد یا زیاد صد هزار نفر یکی یا پنجاه هزار نفر
یکفر این فرق نمیکند همین قدر یک عده که حاضر
شدند رأیشان را در حق یک نفر می دهند که او بنشیند
و تقنین قوانین بنماید آنوقت که در خصوص انتخاب
یکدرجه و دودرجه مذاکره میشد آن اندازه جدیت
شد که دودرجه را رد کردند و یک درجه را قبول
کردند حالا می بینیم که همان ترتیب دو درجه
بیک لباس خیلی بدتری که حرمانش زیاد تر است به
مجلس یا بنوا سه خیلی میل داشتیم که این مسئله را
بمجلس عرض کنیم و تکرار بکنیم که ما با نمایندگان
معترم در کافی بودن مذاکرات رأی میدهند و این
عرضی که مجبوراً باید بکنم بماند و در صورتی هم
که این عرایض بنده قبول نشود باز ناچار از اظهار
آن هستم که تکلیف وجانی خود را ادا کرده
باشم این مسئله را نباید فراموش کرد که ما باید
همیشه قانونیکه وضع میکنیم باید ملاحظه بکنیم
که آن قانون صحیح و جزئیاتش و اجرائش هم بطور
صحیح و ممکن باشد حالا اگر بعضی خودشان را
و ادار بکنند بسوء استفاده در حق خودشان هیچ
اعتراضی ببقین وارد نیاید و اینکه فرمودند هنوز
و کلای بعضی نقاط نیامده اند و مثلاً در آن دوره و
این دوره حالبه بنادر فارس هیچ و کیل معین نکرده
این دلیل نمیشود که ما بگوئیم بهترین است و سرعت
جریان منضمی اینست که ماحق و کیل را از بنادر
فارس سلب نموده و فارس نمایم چون از شیراز
و کیل آمد و از بنادر نیامد اگر بنادر فارس ده
دوره هم و کیل نفرستادند باز باید بآنحاق و کیل
بدهیم و همینطور فرض کنید قراء دعوات و قصابات

را اگر یکی از دعوات و قراء قصابات یا تمام آن ها
افدام نکرده اند باز باید بدهد نفوس آنها نماینده داد
تمام افراد ملت مثل ما حق دارند در امور ملکت
شرکت کنند بطور شده که ما حق داریم این جا
بنشینیم را بدهیم ولی آنها حق ندارند که بایند
در امور این ملکت شرکت کنند البته باید همه
ملت امشاریک بنایم مگر آنها را که قانون خارج
کرده است و خود آنها هم موافق هستند و حرفی نخواستند
داشت مثل نسوا و غیره بنده در این نظر بکنی
مخالف هستم که بخواهیم یک جمعیتی را در یک شهری
حق بدهیم و از شهر انتخاب کنیم مثلاً بگوئیم شهر
طهران ده نفر و کیل انتخاب کنند و اگر ده نفره
بلوک و حوزه انتخابیه هم داشته باشد آنها را هم
جزه شهر معین کنیم و بگوئیم همه باید این ده نفر
را انتخاب کنند مسلم است که در شهری مثل طهران
که دارای سیصد هزار جمعیت و اذهانشان حاضر
است و ملتف نکات سلطنت ملی هستند یقیناً از
سیصد هزار چهار صد هزار جمعیت ده هزار نفر حتماً
رأی خواهند داد فرضاً چهار پنج هزار هم برخلاف
رأی داشته باشند یقیناً پنج شش هزار رأی در حق
اشخاص معین خواهند داد پس حضرت عید اعظم
و زهای غار قشاقوبه بطور میتوانست جمع شوند
شش هفت هزار رأی بدهند و بکنند رأی انتخاب بکنند
پس این ترتیب بکنی خلاف است و شکی نیست که
از اول آنها محروم هستند اگر اینطور است پس
بهر این است که ما بگوئیم شهرها انتخاب کنند
و قراء و قصابات محروم باشند این دوره اگر اینطور
است بنده یک راهی سهلتر و آسانتر میدانم برای
انقضاء مجلس که همین امروز مجلس شورای ملی
منعقد شود و آن اینست که همین نمایندگان رأی
بدهند که خود آنها باشند و اگر درست دقت شود
باین ترتیب سلطنت ملی از میان خواهد رفت و از
این بیست و چهار کرور عده نفوس که هستند فقط
یک کرور صاحب نماینده هستند باقی محروم خواهند
شد پس بنده بکنی مخالفم با این ترتیب اما در باب
اینکه مذاکره شد که جاهاتی که صد هزار کمتر
هستند مجبور هستیم که آنها را داخل بکنیم این
مطلب را قانون مجبور کرده است مثل اینکه یک
شهری اگر پنجاه هزار نفر جمعیت داشته باشد
مجبوریم که از اطراف و جوانب او اینقدر
بر او بیفزاییم که عده تکمیل شود که بشود یک نفر
را انتخاب کرد بجهت اینکه از صد هزار نفر کمتر
که نمیشود پس این یک چیزی است باز خود قانون
محروم کرده است میتوانیم تصویب بکنیم ولی یک
جاییکه عده نفوس فرضاً دویست هزار نفر است
و این حقش دویست است میبایم یک جماعت دیگر را
باندازه بر او ملحق میکنیم و بگوئیم که ده نفر
و کیل انتخاب بکنند این بکنی غلط است و آنها را
محروم میکنم و بنده مخالف هستم و در این رأی
شرکت نخواهم کرد و رأی نخواهم داد و یک مسئله
دیگر هست در کلیات که بنده برایم حرف است و آن
عده یکصد و سی و شش نفر است که معین نشده
و قانون اساسی صدویست نفر معین کرده و آن در
ماده اول است قانون اساسی حکم میکند که باید
۱۳۰ نفر باشد و در موقعش عرض خواهم کرد.

ذکاء الملک - بنده دیگر عرض نمیکنم
چون مطالب از طرفین تکرار میشود ولی میخواهم
یک عرضی بکنم و آن اینست که سابقاً انتخاب جمعی
و فردی بیان نیامده بود و هیچیک از آقایان مخالفت
از انتخاب جمعی نکرده بود در صورتی که در
نظامنامه سابق و حاله در خیلی جاها انتخابات جمعی
بوده است و حالا هم اساساً مخالف انتخاب جمعی
نیستند چیزیکه هست اتفاقاً این حوزه را که نظر
کرده اند حوزه تبریز است که جمعی خواهد بود
حق انتخاب ۹ نفر بتریز داده اند این است که
این قدر اصرار می کنند که سلطنت ملی از
میان میرود خوب است اینرا بظابط بیاورید که
در این جدول هفتاد حوزه انتخابیه است
و تمام اینها یک نفر و دو نفر و سه نفر است فقط سه
چهار حوزه انتخابیه است که عده اش یکصد و بیست و
زیادتر است و انتخاب جمعی است و ممکن است که
در ضمن شور اصلاح بکنند دیگر اینقدر مبالغه
نکنند که سلطنت ملی از میان میرود و حال آن که
اگر ملاحظه کنند اغلب جاها حوزه های یک نفری و
دو نفری است و ۳ نفری سه حوزه داریم که از ۴
نفر زیادتر است و اینهم این قدر مبالغه لازم ندارد
لواء السلوله - نظر بآن قانونیکه از مجلس
گذشت که انتخاب یکسره باشد و مستقیم میبینم
حالا باندازه روز بفرموده میرویم که حساب ندارد
حکومت حکومت ملی است ولی ما میآئیم حقوق
را تمام بشهرها میدهم و آن اشخاصیکه حکومت
ملی را نمایندند در بوته اجمال مینانند و سال های
سال نمیفهمند که معنی سلطنت ملی چیست آخرین
دهاتیها هم باید ترقی بکنند و این مردم بلوکات هم
حق خودشان برسند همینکه آقای آقا میرزا مرتضی
قلیخان فرمودند بنده بکفندی را چون فرمودند
دیگر عرض نمیکند همینقدر عرض میکنم که اگر
برای آسانی است که حقوق را بشهرها بدهیم شهرها
را هم منحصر بظهران بکنیم در تهران هم لازم
نیست صدویست نفر باشند خودمان هستیم کافی است
انفصال هم نمیشود معلومی هم ندارد ولی ما میخواهیم
حقوق مردم را بآنها بدهیم و آنها را ترقی بدهیم
یعنی میفرمایند وای بحال اشخاصیکه دو روزه آنها
یکی باشد یعنی روز بعد بهتر نباشد ولی ما میبینیم
که دو سال است حال ما همان است و روز بروزمان
بدرست و هیچ پیشتر نرفته ایم میآئیم انجمن نظارت
درست میکنیم بنده نمیخواهم تنقید بکنم ولی عرض
میکند که نظامنامه انتخابات این قدر وسعت ندارد
و حقوق مردم را رعایت نکرده است باز میآئیم
میگوئیم که حقوق رعیت و ملت محفوظ باشد از آن
طرف ۳ هزار نفر ۴ هزار نفر هزار نفر میماند
آنها را از حقوق خودشان محروم میکنیم اگر اینها
را جمع بکنیم صد هزار نفر میشوند که با هم رأی
بدهند و حق یک و کیل داشته باشند مذاکره آنها
را میاندازیم کنار و میگوئیم که حکماً از فلان جا
بایند بفرق رأی بدهند آخر نماینده و نمیتوانند
باین مسافت بایند این دلیل است که حکماً باید
انتخاب جمعی بشود میگویند تا بحال نمایندگان
ولایات نیامده اند و در شور اول عرض کردم که
بواسطه دو درجه بودن بود که حاضر نشده شما
یکدرجه قرار بدهید و حقوق آنها را معین بکنید

شرط باشد در یک ده انتخاب کنند و حاضر شوند
دیگر این که میگویند ما بجهت حق داده ایم که
بایند رأی بدهند به شما حق داده ایم که از سی
فرضی بایند بشهر رأی بدهند این هرگز نمیشود
میگویند بیاییم چکار بکنیم هرگز ۳۰ فرسخ راه
نیاید بشهر که مرکز حوزه انتخابیه است پس اصلاً
باو حق نداده ایم باید در بلوکات انجمن نظارت
جزه باشد که خودشان انتخاب بکنند بنده کلیتاً با
این یک درجه که اینطور معین شده است مخالفم و
ابتدا همراه نیستیم.

رئیس - حالا آقایان مذاکرات را کافی میدانند
(گفتند کافی است)
(پیشنهادی از طرف آقای نیرالسلطان بعبارت
ذیل قرائت گردید)
نظر باختلاف آنیکه برای تشکیل انجمنهای نظار
جزه در بلوکات تولید خواهد شد این بنده پیشنهاد
میکند محل های انجمن نظار جزء را تعیین نموده
رفع اشکال در بلوکات شود اسباب تسهیل انتخابات
خواهد شد.

ذکاء الملک مخبر - سابق انجمنهای جزء
معین شده بود و در شور اول در مجلس پیشنهاد
شد که این ترتیب را بهم بزنند و فایده توجه شد
این بود که کمسیون آن ترتیب را بهم زد و اینطور
پیشنهاد کرد.

رئیس - اگر توضیحی در باب پیشنهاد خودتان
دارید بیان فرمائید.
نیرالسلطان - اختیار انجمن نظار جزء
را بانجمن مرکزی واگذار کرده اند بنده ملاحظه
میکند که این اسباب اختلاف در بلوکات خواهد شد
برای این که هر یک تقاضا میکنند که انجمن جزء
داشته باشند این است که بنده پیشنهاد کردم که
آن نقاط را معین کنند که اسباب تسهیل انتخابات
خواهد شد بنده گمان میکنم که اگر اینطور رأی
بدهند اسباب تسهیل انتخابات و رفع اشکال
خواهد شد.

رئیس - یکمرتبه دیگر قرائت میشود و رأی
میگیریم (مجدداً قرائت شد)
رئیس - رأی میکنیم آقایانیکه این پیشنهاد
را قابل توجه میدانند قیام نمایند (معدودی
قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میکنیم که
داخن در جزئیات بشویم یا نشویم آقایانیکه تصویب
میکند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - با اکثریت تصویب شد (حوزه انتخابیه
تبریز و توابع بعبارت ذیل قرائت شد) تبریز اوجان
عباس - مهران رود و دهخوارقان - گوگان - صغیر
اروتق - انزاب - آلان بر آغوش - هشت رود ۹ نفر

رئیس - مخالفی هست؟
حاجد کتر رضاخان - بله این تقریباً همان
خواهد شد که انتخاب شهری در میان خواهد آمد بنده
باین مسئله که تبریز و این بلوکات نه تقریباً و مرکز
انتخابیه هم شهر تبریز باشد مخالفم بآن دلایلی که
عرض کردم حالا فقط از مخبر معترم سؤال میکنم که
هشت رود بقدر دماوند نیست که خودش یک نفر و کیل

داشته باشد و باید شرکت باین ترتیب بکنند و بنده گمان
میکند که خود هشت رود حق کیل دارد و اینطور
کمعین شده است هیچ نمیتواند و کیل بنده و بایند
با انتخابات تبریز شرکت کنند بنده باین ترتیب مخالفم
زیرا از حق و کیل دادن محروم خواهند بود.

حاجع الممالک - بنده با این ترتیبی که
اینجا هست موافقم و در کلیات هم میخواهم موافقت
خودها عرض کنم نشد حالا هم دیگر حاجت نیست
و مذاکرات بقدر کفایت شده که آقایان چند نقطه را
که انتخاب جمعی داده اند اصلاح هست یا خیر حالا
هشت رود و دهخوارقان باید انتخاب فردی بکنند یا نه
هر کس عقیده دارد پیشنهاد کند که زودتر انشاء الله
این قانون انتخابات بگذرد و بنده غیر از این باشد که انجمن
جزه هم باشد مخالف هستم.

حاج شیخ اسدالله - بنده بر عکس مخالف
بودم و در کلیات عرض نکردم ولی حالا مخالفت خودم
را عرض میکنم اینجا آمده اند بعضی از بلوکات را ضمیمه
شهر تبریز کرده اند و در کلیات خیلی در این باب مذاکره
شده عقیده من اینست که بیشتر اهالی این ملکت اهالی
قراء و قصابات و بلوکات میباشد و تنبیه درست دقت
بکنیم قراء و نجیرها اغلب رعایا هستند و باین ترتیب
کما میخواهم قانون انتخابات از مجلس بگذرانیم
توضیح حقوق قراء خواهد شد بجهت اینکه اهالی شهر
جمعیشان بیشتر است و در تحت یک ترتیبی رأی میدهند
و در موقع رأی دادن اهالی آن بلوکات که ضمیمه هر
شهری شده است بکنی محروم مینانند و این مسئله
باید بهمان ترتیبی که در اینجا مذاکره شد معنی
را باندازه خودش و کیل یاد بدهند وقتی که از شهرها
خارج شدیم داخل در بلوکات و قصابات که شدیم و کیل
از روی حوزه مجوز بکنند و در انتخاب چیزی که کرده اند
تفکیک کرده اند در میان بعضی از ولایات مثلاً آذربایجان
را انتخاب جمعی قرار نداده اند چون در خارج از این ماده
است عرض نمیکند بنده ض میکنم که شهر تبریز
را بسنجند که بقدر جمعیت دارد بهمان اندازه باو
و کیل بدهند مابقی را در سایر بلوکات حوزه های
علیهجهه برای آنها معین بکنند که آنها و کیل خودشان
را انتخاب بکنند.

رئیس - مذاکرات دو این باب در جلسه قبل خیلی
شده است حالا گویا مذاکرات کافی است (گفتند
کافی است) مرکز انتخابات ۵۰۰ نفری.

رئیس - مخالفی نیست دو مرکز انتخابات
(مخالفی نبود)
(حوزه انتخابیه اردبیل بعبارت ذیل قرائت شد)
اردبیل - مشگین - آستارا - نمین - ولنجک
اجارود - خلخال - دوتغر

رئیس - مخالفی هست؟
متنصر السلطان - در جلسه گذشته پیشنهادی
در اینخصوص بهیئت رئیسه تقدیم کردم بر اینکه
دو نفر و کیل برای اردبیل و خلخال و غیره خیلی
کم است و دلایلی هم که بایستی حایه عرض کنم این
است خلخال که یکی از آن محلهای است که حالیه متصل
شده است با اردبیل خودش سیصد و شصت آبادی دارد
که بعضی آبادیهای او چهار پنج زار جمعیت دارد و
خود خلخال حق دارد که یک نفر و کیل انتخاب کند
و بنده خیلی متأسفم که برای یکجائی مثل خلخال و
کصدویچاه آبادی دارد و آن هم جمعیت که دارد

رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) حوز
دیگر قرائت شد.
مراغه - میناب - چهار اورماق - وایلات - مینابندواب -
افشار - چهار دولی - صابین - قلعه - ۲ نفر.

رئیس - مخالفی هست در این حوزه؟ (مخالفی
نبود) مرکز انتخابیه - مراغه.
رئیس - مخالفی هست (مخالفی نبود) حوزه
دیگر بعبارت ذیل قرائت شد.
ساجبلاغ - مکرکی - سلدوز ۱ نفر

رئیس - مخالفی هست؟ (مخالفی نبود) مرکز
انتخابیه ساوجبلاغ.
رئیس - مخالفی هست - (مخالفی نبود) حوزه
دیگر بعبارت ذیل قرائت شد ارومسی و توابع -
۱ نفر.

و همین قسم نین که قصبه است ۱۶ هزار بلکه ۲۰
هزار جمعیت دارد و یک شهری است باندازه شهر قم
و مشکین هم تقریباً سیصد پارچه آبادی دارد و محل
حکومت نشینی ۱۴ هزار جمعیت دارد کسر شمار شده
و خود شهر اردبیل را هم میدانند که شهری است
بزرگ و تقریباً شهر های دویم و سیم بزرگتر است و
چهل و پنج هزار جمعیت دارد غیر از آن دهات و قصباتی
که در اطراف او و جزء حکومت آنجا است که بقدر
جمعیت دارد و آستارا خود بنده دیدم بنده ای است
که دارای بیست و پنج آبادی است که هر آبادی او
دویست سیصد نفر نفوس دارد که خود بنده کاملاً
آنجا را دیدم و این هفت معجل را دور نفر و کیل داده اند
و حقیقه خیلی ظلم شده است در حق مردمان این محال
که مجاوز از سیصد و پنجاه هزار تقریباً چهار صد هزار
جمعیت دارد و بنده پیشنهاد کردم و استدعا نمودم
که یک نفر برای دو نفر افزوده شود که سه نفر نمایند
باین چند محل بدهند.

حاج شیخ اسدالله - این فرمایش را که
میفرمایند بهماز آنی که برای آذربایجان کلیه ۱۹ نفر
معین کردند دیگر تقسیمی بهتر از این نمیشود
قرار دادواگر بخواهیم داخل در عده آنها بشویم
و از آن حوزه بندیهائی کشده است بخواهیم کم و زیاد
بکنیم در تمام نرات آنها همین فرمایشات و ایرادات
خواهد شد اگر میفرمایند که دو نفر برای اردبیل
و غیره کم است تمام نقاط آذربایجان تقسیم بکنند و
پیشنهادی که میکنند در تمام آذربایجان این پیشنهاد
را بکنند و اگر میفرمایند که از ۱۹ نفر بیشتر
باشد عده و کلای آذربایجان عقیده بنده اینست که
از ۱۹ نفر بیشتر نمیتوان نماینده بآذربایجان داد
و آنها هم که گذشته است.

رئیس - راجع با اردبیل و غیره گویا مذاکرات
کافی باشد (گفتند کافی است) حوزه دیگر بعبارت ذیل
قرائت شد)
قراجه داغ - ایلات - خانرود - بدوستین -
نفر.

رئیس - مخالفی هست (مخالفی نبود) مرکز
انتخابیه - امر - (مخالفی نبود) حوزه دیگر بعبارت
ذیل قرائت شد).
سرآب - گرمرد ۱ نفر.

رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود)
مرکز انتخابیه سراب.
رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) حوز
دیگر قرائت شد).

رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) حوز
دیگر قرائت شد).
مراغه - میناب - چهار اورماق - وایلات - مینابندواب -
افشار - چهار دولی - صابین - قلعه - ۲ نفر.

رئیس - مخالفی هست در این حوزه؟ (مخالفی
نبود) مرکز انتخابیه - مراغه.
رئیس - مخالفی هست (مخالفی نبود) حوزه
دیگر بعبارت ذیل قرائت شد).
ساجبلاغ - مکرکی - سلدوز ۱ نفر

رئیس - مخالفی هست؟ (مخالفی نبود) مرکز
انتخابیه ساوجبلاغ.
رئیس - مخالفی هست - (مخالفی نبود) حوزه
دیگر بعبارت ذیل قرائت شد ارومسی و توابع -
۱ نفر.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) مرکز حوزه ارومیه .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر حوزه دیگر فرائت شد).

خوبی - ما کوسلماس - مرند - گرگر - یکانات ۲ نفر .

رئیس - مخالفی هست (مخالفی نبود) مرکز انتخابی خوی .

رئیس - مخالفی هست (مخالفی نبود) پیشنهادی شده است فرائت میشود .

(پیشنهاد میرزا مرتضی قلیخان بعبارت ذیل فرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم نه نفر نماینده تبریز و غیره را باید چهار نفر به تبریز و پنج نفر بحال محقه آن تقسیم شود .

(ایشان طرف آقای میرزا مرتضی قلیخان بعبارت ذیل فرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که اردبیل و مشکین و آستارا و توابع یک نفر خلخال و اجارود و توابع یک نفر نماینده بدهد . (پیشنهاد حاجی سید ابراهیم بعبارت ذیل فرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که الان بر آغوش وهشترود از تبریز مجزی و یک نفر وکیل با نهاداده و مرکز حوزه در وهشترود قرار داده شود .

(از طرف آقای منتصر السلطان بعبارت ذیل فرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم یک نفر نماینده بر اردبیل و مشکین و خلخال و اجارود و لکج و آستارا اضافه شود .

رئیس - آقای میرزا مرتضی قلیخان توضیح دارید بفرمائید .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - چون آقای مخیر فرمودند در چند محل زیاد نیست که انتخاب جمعی شده است باین ملاحظه بنده قبول کردم که در جاهاییکه از صد هزار نفر کمتر است او را جزو کنند و برای جاهاییکه صد هزار نفر زیاده دارد و بعضی جاهای دیگر یاو ملحق نموده اند بنده برای آنجا پیشنهاد کردم و استدعا میکنم که مجلس شورای ملی رأی بدهد یا اینکه هر محلی یا اندازه خودش نماینده بدهد مگر آنجا که از صد هزار نفر کمتر است که باید از جای دیگر با آنها ملحق گردد و این را هم عرض کنم که آنها را هم نباید محروم کرد باید در آنجا ها هم انجمن نظارت جزء معین شود که انتخاب کنند .

رئیس - چه بفرمائید در این پیشنهاد .

مخیر - مخالف با رأی کمیسیون است

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان آقایانی که قابل توجه می دانند این پیشنهاد را قیام نمایند (معمودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم فرائت میشود . (مجدداً پیشنهاد مزبور فرائت شد)

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم توضیحی دارید بفرمائید .

حاج سید ابراهیم - معلوم است که این انتخاب جمعی فقط برای ترتیب انتخاب بود و هیچ دلیل دیگری نداشته و ندارد حالا که نظر مجلس اینطور است که انتخاب جمعی را صحیح میدانند پیشنهاد خود را استرداد میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای منتصر السلطان ثانیا فرائت میشود .

(پیشنهاد مزبور مجدداً فرائت شد)

رئیس - آقای منتصر السلطان توضیحی دارید بفرمائید .

منتصر السلطان - بله بنده که پیشنهاد کردم يك نفر اضافه بکنند علتش این است که اینجا چندمحل است که ذکر نشده شرحی هم بکمیسیون عرض کردم که خلخال یکی از محل هائی است که در اینجا ذکر شده است ابتدای خاکش تا اردبیل سی فرسخ است و انتهای خاکش تا شهر اردبیل شش فرسخ است و محل حکومتش تا شهر اردبیل ۱۲ فرسخ است جای باین بزرگرا که جمعیت و خاکش باین زیاد است بطور میتوانیم از نظر محو کنیم و نمایانم کمیسیون از چه نظر جزو اردبیل کرده اند حالا که ضمیمه کرده اند بنده عرضی ندارم ولی يك نفر باید بخود خلخال داده شود چنانچه اجارود اینطرف خاک اردبیل است طرف سرحد قیامین خاک ایران و روس راقست و یکصد و پنجاه مفره دارد و ۲۰ فرسخ است تا شهر اردبیل و تا انتهای خاک خلخال اگر چنانچه خواسته باشند ضمیمه کنند بنده فرسخ است امکان ندارد این همه نفوس و این همه جمعیت و این همه خاک که متجاوز از ۲۰ فرسخ است که اگر نگاه بکنیم بنفشه طول او را ملاحظه بکنیم قریب پنجاه فرسخ طول آنجا ها میشود عرضش هم خیلی است اینست که بنده نسبت پوست خاکش پیشنهاد کردم که سه نفر نماینده بدهند مطابق این وسیعت خاک نفوس هم از سید هزار بیشتر است ولی بطور تخمین سه نفر نماینده حق دارد در صورتی که اگر افران فرض نفرمانند حق آنجا چهار نماینده است .

رئیس - کمیسیون قبول دارد ؟

ذکاء الملک - خیر کمیسیون قبول ندارد .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای منتصر السلطان آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی است از آقای میرزا مرتضی قلیخان فرائت میشود (بعبارت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که اردبیل و مشکین و آستارا و توابع یک نفر و خلخال و اجارود و توابع را يك نفر نماینده بدهند .

رئیس - آقای میرزا مرتضی قلیخان فرائت میشود (بعبارت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مرغه بناب و غیره که دو نماینده دارد تجزیه کرده بر حسب اطلاع صحیح تقسیم نمایند بنده پیشنهاد مینمایم خوی و سلماس و غیره که دوتنر نماینده دارد کمیسیون تجزیه نماید .

رئیس - توضیحی دارید .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - اگر چه حیات مجلس معلوم شد و میدانم که اینهم رد میشود ولی

رئیس - کمیسیون قبول دارد ؟

ذکاء الملک - خیر .

رئیس - یکمرتبه دیگر فرائت میشود (مجدداً خوانده شد) - رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند اصلاح آقای میرزا مرتضی قلیخان را قیام نمایند (معمودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی از طرف حاج میرزا رضاخان شده است فرائت میشود (بعبارت ذیل فرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که برای بلوکات سردشت لاهیجان اشویه که از نقاط مهمه سرحد آذربایجان است و در جدول حوزه بندیها که از قلم افتاده یک نفر معین شده رأی گرفته شود .

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .

حاج میرزا رضاخان - اگر چه یقین دارم این پیشنهاد هم مانند سایر پیشنهادها از قبیل مسئله هشترود و غیره قابل توجه نخواهد شد ولی بعضی اینکه موکلین بنده تصور نفرمایند که از ذکر بعضی نکات و دقائق در موقمش غفلت شده است این پیشنهاد را لازم دیدم که تقدیم مجلس نمایم چنانکه مکرراً در ضمن مذاکرات انتخابات چند روز قبل عرض کردم حالا نیز یادآور میشوم که اولاً نمایانم چطور شده چند بلوک خیلی معتبر و مهم که از نقاط سرحدیه آذربایجان واقع و متصل بکردستان است . اسامی آنها در صورت جدول انتخابات از قلم افتاده است که لابد موقم انتخابات اهالی آنجا محروم خواهند شد از جمله لاهیجان سردشت و اشویه است . که هیچ اسمی در این جدول ذکر نشده است و ثانیا در این قطعات و بلوکات وسیع چندین ایلات رشید قرا یا بان و کریش و نایش و بلباس از سالبان هراز از زمان مرحوم نایب السلطنه توطان دارند تکلیف اینها چه خواهد بود باید بکلی از این حق محروم شوند یا اینکه مخصوصاً بطوری که پیشنهاد کردم یک نفر نماینده برای این بلوکات تصویب و تجویز شود که حقوق ملی آنها محفوظ بماند با وجود این عرایض رد یا قبول موقوف بپیل و نظریات نمایندگان محترم است از بنده یادآوری بود که عرض شد

رئیس - چه میگوئید .

ذکاء الملک نوشتنش را بنده حرفی ندارم خیلی جاها از قلم افتاده است که استاگر میخواهید جزء حوزه باشد بنویسید ولیکن مخصوصاً یک نفر علیجده بان هاراده شود کمیسیون رأی نداد .

رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای حاج میرزا رضاخان آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد . دو پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان خوانده میشود (بعبارت ذیل فرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که مرغه بناب و غیره که دو نماینده دارد تجزیه کرده بر حسب اطلاع صحیح تقسیم نمایند بنده پیشنهاد مینمایم خوی و سلماس و غیره که دوتنر نماینده دارد کمیسیون تجزیه نماید .

رئیس - توضیحی دارید .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - اگر چه حیات مجلس معلوم شد و میدانم که اینهم رد میشود ولی

تا آخر آنجا هائیکه عقیده خودم است و مخالف عقیده خودم را اظهار میکنم یا رد میشود یا قبول

رئیس - کمیسیون قبول ندارد ؟ (مخیر - خیر)

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد اولی آقای میرزا مرتضی قلیخان آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم باصلاح دومی از پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند . (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . اصلاح آقای سعید الاطباء فرائت میشود (بعبارت ذیل فرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که پدر فقره اول اینقسم نوشته شود تبریز و اطراف آنفر اوجان عباس و مهرانود مرکز انتخابی حاجی آقا یک نفر گوگان و دهخواران مرکز انتخابی دهخوار قان یک نفر لاروق انزاب مرکز انتخابی شستر یک نفر هشترود مرکز انتخابی آتشی یک نفر الان بر آغوش خانرود مرکز انتخابی الان بر آغوش یک نفر

رئیس - آقای دکتر سعید الاطباء توضیحی دارید بفرمائید .

دکتر سعید الاطباء - اینجا مذاکرات زیاد در کلیات شد بنده فقط اینجا باید عرض کنم که تبریز و اطراف که چهار صد هزار نفر جمعیت دارد و باید چهار وکیل داشته باشد و توابع آن که پانصد هزار جمعیت دارد و باید پنج نفر نماینده داشته باشد بنده خیلی تمجب میکنم که پانصد هزار باید تابع چهار صد هزار باشد که آنها مجبور باشند بشهر بیایند بنده نمایانم آنها را گول میزنم بنده پیشنهاد کردم که تبریز را علیجده و سایر جاها را مستثنی کنند علیجده حق وکیل بدهند و هر کدام از این محل ها که نوشته شده است یقیناً صد هزار نفر متجاوز جمعیت دارد و جهت آنرا نمایانم برای چیست رأی خودشان را بفرستند بشهر تبریز در صورتیکه ممکن است خودشان رأیشان را در همان محل خودشان بدهند که همانجا نماینده شان معین شود تمجب میکنم که در شوراول آنرا نتهائی که از برای انتخاب یکدرجه اظهار میشد و از تجزیه و ردت صحبت میشد حالا آن حرارتها چه شده است که حالا رأی نمیدهند همه حامی شهری شده اند و میگویند که در شهر نباید زیاد حق وکیل داد و حوزه هارا در مرکز شهر فراد میدهند معلوم میشود حکایت اشرف پرستی است و هیچ حق آنریت تجزیه بیچاره را منظور نمیدارند بنده مخصوصاً اینجا را پیشنهاد کردم و سایر نقاط را که آقایان پیشنهاد کرده اند عرض میکنم که شهر تبریز علیجده رأی خودش را بدهد و سایر محلهائی که با شهر تبریز گرفته اند علیجده رأی خودشان را در محل خودشان بدهند در صورتیکه هر محلی از صد هزار نفر هم متجاوز کمیسیون این پیشنهاد را قبول ندارد بنده میگویم یکروز بنده وهشترودی و آقای طباطبائی و آقای محمد هاشم میرزا که در کمیسیون نبودیم و میدانیم آنرائی که برای انتخابات جمعی داده است کمیسیون باچه عده بوده است چطور آنرائی داده شده است

و گذشته است در صورتیکه روز بعد آقای طباطبائی و بنده آمدم و معلوم شد که نمایندگان دولت هم این رأی را داده بودند و در کمیسیون اکثریت حاصل شده بود .

ذکاء الملک - اولاً خواهش میکنم از آقای دکتر سعید الاطباء که نسبت کذب بنده نمیدانم اگر کمیسیون اینرا رانده بودند بنده بگفتم در اینباب مذاکرات زیاد در کمیسیون بعمل آمد بالاخره اینطور رأی داده شد اعضاء کمیسیون هم حاضرند آیا ممکن است که بنده در حضور آنها دروغ بگویم و در صورتیکه اکثریت کمیسیون حاضر بوده است و رأی داده است و رأی اکثریت هم که مناط اعتبار است دیگر بنده نمیدانم چه اشکالی خواهند داشت .

رئیس - ایشان نسبت کذب بشما ندانند فقط خودشان سه نفر دیگر از اعضاء کمیسیون را اسم بردند که در موقم گذشتن این مسئله حاضر نبوده اند و البته دشت فقر دیگر که حاضر بوده اند اکثریت داشته اند و رأی داده اند و صحیح است حالا رأی میگیریم در قابل توجه بودن اصلاح آقای دکتر سعید الاطباء آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح آقای افتخار الواعظین . بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم .

رئیس - بتی رأی میگیریم بنده نمایندگان آذربایجان و حوزه انتخابیه آن مطابق راپورتنی که از کمیسیون داده شده که ۱۹ نفر معین کرده اند آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد .

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده تقاضا میکنم که باورقه رأی گرفته شود .

رئیس - پنج نفر باید تقاضا کنند حوزه استر آباد .

استر آباد و توابع و بندر جز یک نفر .

حاج سید ابراهیم - نوشتن توابع قدری اشکال میشود برای اینکه مرکز آن در آنجا انجمن جزء تشکیل داد معین نیست یا باید لفظ توابع را حذف نمود یا اینکه قطعه که مرکز توابع است باید معین کرد که کجا است تا محلی که باید انجمن جزء تشکیل شود معلوم شود و الا استر آباد که گفته میشود برای شرکت در رأی دادن توابع هم داخل است و محتاج بذکر نیست .

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم در استر آباد چند ده و بلوک دارد از قبیل قدرسک و کرد معله و جاهائی که دور دست شهر است و هیچ منافات ندارد که لفظ توابع نیاشد برای اینکه خود این محله قابل این هست که يك شمه از انجمن نظارت در آنجا باشد و اینکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند که ذکر لفظ توابع لازم نیست بنده ضروری در لفظ توابع نمی بینم و عقیده ام اینست که خیلی خوب است و لازم است نوشته شود .

رئیس - رأی میگیریم بعرضه انتخابیه

استر آباد که بکنفر است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - اصفهان اصفهان - بخوار - ماریین مهتاب - کراچ برآن - رودشتی اودستان - مهاباد قهبايه - پنج نفر عیبی که دارد انتخاب جمعی است علاوه پنج نفر برای اصفهان نوشته اند در صورتیکه این خارج از ترتیبی است که نسبت بشهر های دیگر گرفته اند و ترجیح بلا مرجع است مثلاً شهر تبریز جمعیتش بیشتر از اصفهان نیست تصدیق آنهایکه شهر تبریز و اصفهان هر دو را دیده اند و از اهمیت مجلس و تمدن و شهرت هم گویا دوم شهر ایران است و هر يك از این محلهائی که نوشته شده است هر کدام خودش قابلیت يك وکیل دارد و این نسبتی را که کمیسیون گرفته است نمایانم از روی چه مأخذی بوده است صورتیکه جمعیت اصفهان با توابعی که نوشته شده است مسلماً کمتر از تبریز نیست مثلاً یکی از توابع اصفهان ماریین است که آقایان اسم ماریین را که میشوند تصور میکنند يك دهی است در صورتیکه آبادی بزرگی است و توابع زیاد دارد و به ذکر اسم ماریین و حقوق سایرین را هم بکلی از بین برده اند ماریین خودش تقریباً یکصد هزار جمعیت دارد و باید حق یک نفر نماینده با آنها داد نمایانم از روی چه ترتیب جزء جمع اصفهان کرده اند و بنده مخالفم با این ترتیب

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم بعد از آنی که نظر مجلس معلوم شد که نباید عده نمایندگان زیاد بشود چنانچه خود ایشان هم عقیده شان غیر از این نبود و تصدیق کردند که عده کلاه از صد و بیست نفر زیاد تر نباشد پس خیلی تمجب است که زیاده از آنچه اینجا نوشته است میخواهند برای اینکه هیچ نمیتوان تصور کرد که ما دو صدرا بخواهیم تصویب کنیم که هم عده کل نمایندگان کم باشد و هم اینکه برای نقاط ماهی تقاضا بکنیم که زیاد بکنند همچو چیزی گمان نمیکنم صورت وقوع پیدا کند و این که ۹ نفر برای تبریز معین کرده اند صحیح است و آن عده را هم اصفهان معین کرده است صحیح است هر دو صحیح است و گمان ندارم که اشتباهی در این باشد که شهر تبریز را چه از حیث تمدن و چه از حیث جمعیت نشود بشهر اصفهان نسبت داد .

رئیس - در این باب گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است) مرکز انتخابیه اصفهان مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه قمشه - قمشه - سیرم - جرقویه ابرقو - لنجان - وهالقان - استرجان - یک نفر

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد)

مرکز انتخابیه - قمشه - مخالفی هست (اظهاری نشد)

فریدن - چهار محال - نجف آباد - کرون - ده حق يك نفر .

رئیس - مخالفی هست

لواء الدوله - مسافت فریدن تا اصفهان تقریباً ۲۲ الی ۲۳ فرسخ میشود و جمعیت فریدن و تمام آبادی فریدن بواسطه اهل خوانسار است و تمام ایلاتش آنجا است و تمام داد و ستدشان و امر ماشان اینجا است تقریباً یا نصد خانوار دارد

استر آباد که بکنفر است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - اصفهان اصفهان - بخوار - ماریین مهتاب - کراچ برآن - رودشتی اودستان - مهاباد قهبايه - پنج نفر عیبی که دارد انتخاب جمعی است علاوه پنج نفر برای اصفهان نوشته اند در صورتیکه این خارج از ترتیبی است که نسبت بشهر های دیگر گرفته اند و ترجیح بلا مرجع است مثلاً شهر تبریز جمعیتش بیشتر از اصفهان نیست تصدیق آنهایکه شهر تبریز و اصفهان هر دو را دیده اند و از اهمیت مجلس و تمدن و شهرت هم گویا دوم شهر ایران است و هر يك از این محلهائی که نوشته شده است هر کدام خودش قابلیت يك وکیل دارد و این نسبتی را که کمیسیون گرفته است نمایانم از روی چه مأخذی بوده است صورتیکه جمعیت اصفهان با توابعی که نوشته شده است مسلماً کمتر از تبریز نیست مثلاً یکی از توابع اصفهان ماریین است که آقایان اسم ماریین را که میشوند تصور میکنند يك دهی است در صورتیکه آبادی بزرگی است و توابع زیاد دارد و به ذکر اسم ماریین و حقوق سایرین را هم بکلی از بین برده اند ماریین خودش تقریباً یکصد هزار جمعیت دارد و باید حق یک نفر نماینده با آنها داد نمایانم از روی چه ترتیب جزء جمع اصفهان کرده اند و بنده مخالفم با این ترتیب

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم بعد از آنی که نظر مجلس معلوم شد که نباید عده نمایندگان زیاد بشود چنانچه خود ایشان هم عقیده شان غیر از این نبود و تصدیق کردند که عده کلاه از صد و بیست نفر زیاد تر نباشد پس خیلی تمجب است که زیاده از آنچه اینجا نوشته است میخواهند برای اینکه هیچ نمیتوان تصور کرد که ما دو صدرا بخواهیم تصویب کنیم که هم عده کل نمایندگان کم باشد و هم اینکه برای نقاط ماهی تقاضا بکنیم که زیاد بکنند همچو چیزی گمان نمیکنم صورت وقوع پیدا کند و این که ۹ نفر برای تبریز معین کرده اند صحیح است و آن عده را هم اصفهان معین کرده است صحیح است هر دو صحیح است و گمان ندارم که اشتباهی در این باشد که شهر تبریز را چه از حیث تمدن و چه از حیث جمعیت نشود بشهر اصفهان نسبت داد .

رئیس - در این باب گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است) مرکز انتخابیه اصفهان مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه قمشه - قمشه - سیرم - جرقویه ابرقو - لنجان - وهالقان - استرجان - یک نفر

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد)

مرکز انتخابیه - قمشه - مخالفی هست (اظهاری نشد)

فریدن - چهار محال - نجف آباد - کرون - ده حق يك نفر .

رئیس - مخالفی هست

لواء الدوله - مسافت فریدن تا اصفهان تقریباً ۲۲ الی ۲۳ فرسخ میشود و جمعیت فریدن و تمام آبادی فریدن بواسطه اهل خوانسار است و تمام ایلاتش آنجا است و تمام داد و ستدشان و امر ماشان اینجا است تقریباً یا نصد خانوار دارد

و تا خوانسار يك فرسخ است و بنده نمیدانم بچه چه این نطقه را بخونسار ملحق نکرده اند و جزه اصفهان کرده اند حالا خواهند گفت که در قدیم يك وقتی این طور بوده است بنده عرض میکنم اگر کارهای سابق مناطق اعتبار است و برای ما استبدادی بوده است و حالا مشروطه شده است پس باید برگشت به آن حال استبدادی برای اینکه سابق این طور بوده است از اینجه بنده گمان میکنم این نقطه را بر گرداندن جزه خوانسار بکنید و رای بنده که جزه اصفهان نباشد چون از فریدن تا اصفهان همانطور که عرض کردم مسافت زیادی است و نمی توانند اهالی از آنجا بروند باصفهان در جزه اهالی اصفهان رای خودشان را بدهند و این اسباب این میشود که این نقطه از حقوقشان محروم بمانند

رئیس - گوایم مذاکرات کافی باشد گفتند کافی است) مرکز - مرکز انتخابیه - نجف آباد

آقا میرزا مرتضی قلیخان - مرکز انتخابیه که نجف آباد معین شده است با فریدن و چهارمحال هیچ مناسبتی ندارد بجهت اینکه چهارمحال خودش يك مجلس است که حکومتش از اصفهان و اگر اینطور باشد که مرکز را نجف آباد قرار بدهند اسباب محرومی اهالی چهارمحال خواهد بود زیرا که از آب و علف چرانی باهمدیگر مناسبت دارند و باین جهت بود که بنده در دوره اول عرض کردم که خوبست باین دو محل یککفر بدهند برای اینکه عده اش تقریباً متجاوز از یکصد هزار نفر است و زیاده از چهل و پنجاه پارچه دهات دارد که هر دهاتی متجاوز از چهار پنج هزار عده دارد و یقیناً حق یککفر وکیل را دارد و آن روز هم پیشنهاد کردم والا اینطوریکه اینجا نوشته شده است معینش اینست که چهارمحال موضوع باشد و هیچ رای ندهد باینجهت بنده پیشنهادی کرده ام که مرکز را تغییر بدهند.

و تا خوانسار يك فرسخ است و بنده نمیدانم بچه چه این نطقه را بخونسار ملحق نکرده اند و جزه اصفهان کرده اند حالا خواهند گفت که در قدیم يك وقتی این طور بوده است بنده عرض میکنم اگر کارهای سابق مناطق اعتبار است و برای ما استبدادی بوده است و حالا مشروطه شده است پس باید برگشت به آن حال استبدادی برای اینکه سابق این طور بوده است از اینجهت بنده گمان میکنم این نقطه را بر گرداندن جزه خوانسار بکنید و رای بنده که جزه اصفهان نباشد چون از فریدن تا اصفهان همانطور که عرض کردم مسافت زیادی است و نمی توانند اهالی از آنجا بروند باصفهان در جزه اهالی اصفهان رای خودشان را بدهند و این اسباب این میشود که این نقطه از حقوقشان محروم بمانند

رئیس - گوایم مذاکرات کافی باشد گفتند کافی است) مرکز - مرکز انتخابیه - نجف آباد

آقا میرزا مرتضی قلیخان - مرکز انتخابیه که نجف آباد معین شده است با فریدن و چهارمحال هیچ مناسبتی ندارد بجهت اینکه چهارمحال خودش يك مجلس است که حکومتش از اصفهان و اگر اینطور باشد که مرکز را نجف آباد قرار بدهند اسباب محرومی اهالی چهارمحال خواهد بود زیرا که از آب و علف چرانی باهمدیگر مناسبت دارند و باین جهت بود که بنده در دوره اول عرض کردم که خوبست باین دو محل یککفر بدهند برای اینکه عده اش تقریباً متجاوز از یکصد هزار نفر است و زیاده از چهل و پنجاه پارچه دهات دارد که هر دهاتی متجاوز از چهار پنج هزار عده دارد و یقیناً حق یککفر وکیل را دارد و آن روز هم پیشنهاد کردم والا اینطوریکه اینجا نوشته شده است معینش اینست که چهارمحال موضوع باشد و هیچ رای ندهد باینجهت بنده پیشنهادی کرده ام که مرکز را تغییر بدهند.

رئیس - آقای میرزا ابراهیم پیشنهادی کرده اند خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) بنده تقاضا میکنم درمحل هائیکه انتخاب جمعی میشود با ورقه رای گرفته شد.

رئیس - پنج نفر از آقایان نمایندگان تقاضا کرده اند که در موارد انتخاب جمعی با ورقه رای بگیریم ولی اگر بنا باشد با ورقه رای بگیریم خیلی مشکل است و خیلی وقت مجلس را تضییع میکند برای اینکه حوزه هائیکه انتخاب آن هاجمی است همچو نیست که تمام نقاطش جمعی باشد بلکه يك دو نقطه آن جمعی است و در این صورت باید آن نقطه را تجزیه کرد و این در صورتی است که تجزیه اش را تقاضا کنند بعد از آن که تجزیه شد آن وقت میتوانیم رای بگیریم والا اینطور نبود مثلا اصفهان راسه نفر جمعی نوشته اند این را باید اول تجزیه کرد که اصفهان علیجده و سایر راهم علیجده و تا تقاضا نشده است و تجزیه نشده روی هر فتره رای بگیریم اصلاحی از آقای مدرس رسیده است قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که چنین نوشته شود اصفهان بر خوار مارین مزورود

و تا خوانسار يك فرسخ است و بنده نمیدانم بچه چه این نطقه را بخونسار ملحق نکرده اند و جزه اصفهان کرده اند حالا خواهند گفت که در قدیم يك وقتی این طور بوده است بنده عرض میکنم اگر کارهای سابق مناطق اعتبار است و برای ما استبدادی بوده است و حالا مشروطه شده است پس باید برگشت به آن حال استبدادی برای اینکه سابق این طور بوده است از اینجهت بنده گمان میکنم این نقطه را بر گرداندن جزه خوانسار بکنید و رای بنده که جزه اصفهان نباشد چون از فریدن تا اصفهان همانطور که عرض کردم مسافت زیادی است و نمی توانند اهالی از آنجا بروند باصفهان در جزه اهالی اصفهان رای خودشان را بدهند و این اسباب این میشود که این نقطه از حقوقشان محروم بمانند

رئیس - گوایم مذاکرات کافی باشد گفتند کافی است) مرکز - مرکز انتخابیه - نجف آباد

آقا میرزا مرتضی قلیخان - مرکز انتخابیه که نجف آباد معین شده است با فریدن و چهارمحال هیچ مناسبتی ندارد بجهت اینکه چهارمحال خودش يك مجلس است که حکومتش از اصفهان و اگر اینطور باشد که مرکز را نجف آباد قرار بدهند اسباب محرومی اهالی چهارمحال خواهد بود زیرا که از آب و علف چرانی باهمدیگر مناسبت دارند و باین جهت بود که بنده در دوره اول عرض کردم که خوبست باین دو محل یککفر بدهند برای اینکه عده اش تقریباً متجاوز از یکصد هزار نفر است و زیاده از چهل و پنجاه پارچه دهات دارد که هر دهاتی متجاوز از چهار پنج هزار عده دارد و یقیناً حق یککفر وکیل را دارد و آن روز هم پیشنهاد کردم والا اینطوریکه اینجا نوشته شده است معینش اینست که چهارمحال موضوع باشد و هیچ رای ندهد باینجهت بنده پیشنهادی کرده ام که مرکز را تغییر بدهند.

که شده است دوباره خوانده میشود.

ذکاءالملک - استدعا میکنم که این را بگذارید برای بعد از تنفس که باعضاء کمیسیون ویا وکلاء اصفهان مشاوره در اینخصوص بکنیم بعد رای گرفته شود.

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید.

آقای سید حسن مدرس - عرض اینست که انتخاب جمعی واقعا خیلی قلط است جاهای دیگر که که نمیدانم اما از اصفهان خیلی خجالت میکنم که ما اینجا نشسته باشیم و اینطور رای داده شود لهذا از مغیر محترم خواهش میکنم که نسبت باصفهان این را قبول کنند و بنده قول میدهم که وکیل اردستان زودتر از منتخب اصفهان بیاید.

رئیس - کمیسیون قبول دارد؟

ذکاءالملک - بله بنده اینرا میتوانم قبول کنم - مرکز را ۰۰۰۰ بنا بر این عقیده معلوم است که در اردستان قرار میدهند.

مدرس - بله اردستان مرکز بشود.

رئیس - همینطور قبول میکنید.

ذکاءالملک - بله قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان را مسترد میدانم.

مدرس - وقت مجلس را تضییع نمیکنم حالا که کمیسیون این طور فرموده اند بنده هم مسترد میدانم.

(مجدداً پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان راجع باصفهان قرائت گردید).

رئیس - آقای میرزا مرتضی قلیخان پیشنهادتان را مسترد میدارم. برای بگیرییم

میرزا مرتضی قلیخان - بنده آن توضیحی که دادم در پیشنهاد خودم برای این بود که ادای حق از جمعی کرده باشم حالا باز تکرار میکنم که باید یککفر نماینده باشد داده شود و تقاضا میکنم رای بگیرد اگر چه میدانم رد خواهند شد ولی بنده ناچارم که بوظیفه خودم عمل نمایم و مسجورم که پیشنهاد بکنم و توضیح بدهم و بدون اقرار عرض میکنم هر اندازه که بخواهم باین بیآوریم عده اصفهان و توابع را خصوصاً چهارمحال را که با اضافه کنیم یقیناً هفتصد هزار جمعیت دارد که هفت نفر وکیل حق دارد بنده در تکثیر عده اصرار نکردم برای اینست که عقیده بنده هم بر آنست که نمایندگان از (۱۲۰) نفر تجاوز نکنند و اما در حوزه چهارمحال فریدن که گفتم خارج شود و در نجف آباد باشد مثلش این است که در آخر خاک نجف آباد تفریدن ۵۰ فرسنگ فاصله است و آقایان چون اطلاع ندارند فرته اند و ندیده اند رای نمیدهند ولی بنده خودم رفته ام و دیدم چه قسم است چطور ممکن است که از ۵۰ فرسخی بیایند در آنجا رای بدهند و دیگر آنکه در خود چهارمحال قصباتی است که در خارج میشود نسبت شهریه آنها داد و تقریباً عده این دهات حق یککفر وکیل دارد و بنده عرض میکنم که اگر چنانچه همین طوریکه کمیسیون راپورت داده است ما هم تصویب بکنیم و رای بدهیم يك ظلم و تعدی بآنها شده است.

رئیس - رای میگیریم باصلاح آقا میرزا مرتضی قلیخان آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده قلیبی قیام نمودند).

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای بهجت قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که مرکز انتخابات چهارمحال و فریدن ده کرد باشد.

رئیس - عقیده کمیسیون چه چیز است.

ذکاءالملک - مرکز را تغییر داده اند از نجف آباد بده کرد ده کرد هم جای معتبری است ضرری ندارد قبول میکنم.

رئیس - در صورتی که قبول کرده اند دیگر چه توضیحی است همین طوریکه قبول کرده اند که میتوانیم.

رئیس - رای میگیریم در اصفهان باین اصلاحاتی

نشد) مرکز انتخابیه قسمت اول بروجد

رئیس - در مرکز انتخابیه قسمت اول مخالفی هست (اظهاری نشد)

رئیس - در قسمت دوم خرم آباد بیشکوه و پشت کوه مخالفی هست.

لواءالدوله - عرض میکنم این پنج نفری که بایلات داده شده است ایلات پشت کوه و پیش کوه هم جزء آنها محسوب خواهند شد یا خیر؟

ذکاءالملک - ایلات خودشان نماینده مستقل دارند پنج ایل هستند که در آخر حوزه بندیها ذکر شده است.

رئیس - مرکز انتخابیه قسمت دوم (خرم آباد) مخالفی هست (اظهاری نشد) رای میگیریم بروجد و لرستان که چهار نفر معین کرده اند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - چون دو فقره فاندن که یکی راجع بر روزنامه رسمی و یکی هم قانون خرید اسلحه برای ژاندار مری جزه دستور است اگر مخالفی نباشد قانون انتخابات را ختم می کنیم بقیه اش را فردا مذاکره میکنیم (بعضی تصدیق کردند)

وزیر داخله - در باب لایحه خرید اسلحه با تلفون هم عرض کردم که يك اشتباهی در قیمت اسلحه که برای ژاندار مهمین شده است در این جا (۶۰) مارک تعیین شده است و از قرار می معلوم شده است قیمت باید (۶۶) مارک باشد برای این سببی که شده است تقاضا میکنم که آن لایحه را عودت بدهند بوزارت داخله که بعد از اصلاح مجدداً تقدیم مجلس شود

رئیس - لایحه قانونی راجع بر روزنامه رسمی چون طبع و توزیع شده است دیگر خواننده نمیشود مذاکرات در کلیات است اینهم شور اول است اگر مخالفی هست بفرمائید

آقا میرزا ابراهیم خان - بنده قبلاً تشکر میکنم از وزارت داخله و شخص محترم وزیر داخله که با اینهمه مشاغل مهمه و کارهای بسیار روی هر ریخته که دارند مهتدا هیچ کار جزئی را از کارهای وزارت داخله انظرشان نمایانند اما آنچه لازم است راجع بتشکیل اداره روزنامه رسمی بنده آن چه در این لایحه روزنامه رسمی نگاه کردم دیدم که اگر بخواهم در یکی از این مواد این لایحه رای بدهم یا تصدیق بکنم اینست که پیشتر داده ام باعصای است که بیرویه کرده ام زیرا که آقایان نمایندگان محترم در نظر دارند که در ۱۴ شوال سال گذشته یعنی یکسال قبل بموجب طرحی که از طرف نمایندگان محترم پیشنهاد شده بود - چند کمیسیون مذاکره شد و بمجلس آمد و رای دادیم چیزیکه هست در آنجا بطور اختصار بود و در این لایحه مشروحاً ذکر شده است بهرجهت رای داده ام یعنی آنچه راجع بمواد قانونی بوده است و تکلیف معین کرده بودند گذشته است و از نظر آقایان گذشته است و مجلس هم تصویب کرده است و برای تذکر خاطر آقایان خارج از این نمیدانم که عین آن ماده را که از اینجا گذشته است عرض نمایم.

ماده واحده - در تحت مراقبت و نظارت وزارت داخله بخارج دولت در پایتخت روز نامه رسمی ایران تأسیس میشود که حاصل خواهد بود دستخطهای سلطنتی واحکام وزارتخانه و اعطای امتیازات و وثقوات و عزل و نصب و قوانین موضوعه و صورت مشروح جلسات دارالشورای ملی و همه گونه مطالب رسمی دیگر دولت را همان روزیکه در مجلس این لایحه مطرح مذاکره بود بنده مخالف بودم که جزئیات او را بنویسند و جزو مواد قانونی نمایند و بنده فقط راجع میکنم آن جزئیات را بمقرراتی که در وزارت داخله باید معمول شود و وزارت داخله بهر طور که لازم بداند باید روز نامه رسمی بآن ترتیب و بآن شرایط از طبع خارج شود ولی حاله بموجب این لایحه که تقدیم مجلس شده است و چهار ماده مرفوعه شده است که باید رای داده شود بنده این چهار ماده را محض نظری میدانم در عین ماده که بطور اختصار تصویب شده است فقط چیزی را که مادر این ماده متذکر شده ام مطبوعه دولتی است که در زیر داخله اورا هم یاد آوری کرده اند و او را جزء روزنامه رسمی خواسته اند بکنند البته معلوم است دولت وقتی مطبوعه دارد از خودش نباید روزنامه را جای دیگر ببرد مزد بدهد و مطبوعه خودش را اجاره بدهد البته تصدیق خواهند فرمود که اگر یک مطبوعه چیزی بشود يك چیز نامناسبی است و شأن پارلمنتاری نیست البته باید آن مطبوعه بتصویب وزارت داخله جزء اداره روزنامه رسمی که روزنامه دولت است باشد چیزی که در این لایحه روزنامه رسمی لازم بود پیشنهاد کرده باشند يك اعتباری بود که از برای مصارف آن روزنامه میبایستی از طرف وزارت داخله خواسته شود و آن اعتباری هم کداده شد برای تأسیس روزنامه رسمی بود تا بعد از چند مدت درست معلوم شود چه دخل دارد و چه خرج دارد حالا اگر بعد از این مدت سنجیده اند که اداره روزنامه رسمی برای دولت چه خرج دارد و چه دخل دارد و معین کرده اند که اعتباری برای وزارت داخله لازم است که باید جزو اعتبارات دولت مبلغان اعتبار بوزارت داخله داده شود و اگر برای مقررات وزارت داخله است که بخواهیم رای بدهیم تصور میکنم که يك رای غیر قانونی داده شده است و مجلس هم داخل يك موضوعی شده است که وظیفه او نبوده است زیرا مقررات هر وزارتخانه راجع بخود او است و از حقوق مختصه وزارت داخله است که هر ترتیبی که در داخله خودش لازم شود دستخط صادر کند و مجری نمایند چیز دیگری که در این لایحه متذکر شده اند رسمی شدن قوانین و احکام وزارتخانه است بعد از طبع شدن در روزنامه رسمی او را هم ما نمیتوانیم رای بدهیم و بگوئیم بعد از طبع شدن در روزنامه رسمی لازم الاجرا است زیرا قانونی که مقنن وضع میکند يك مدتی برای جریان او و برای شروع او قرار میدهد که مثلا بعد از ده روز از وضع آن اجرا شود پس او هم موقوف بملاحظات و نظریات هیئت مقننه و قوه مجریه است که هر طور صلاح بداند قرار بدهد پس بنده باز تصور میکنم که اینهم از وظیفه قانونی ما خارج است و این لایحه قانونی نیست و یک ماده که بطور قانونی از مجلس گذشته است بموجب آن یک ماده وزارت داخله حق

دارد هر تیبی را که برای اداره روزنامه رسمی لازم میدانم مقرر و مجری بدارد.

وزیر داخله - این فرمایشاتی که آقای میرزا ابراهیم خان کردند در بدای نظر همینطور بنظر میآید ولی این لایحه قانونی را مستشاروزارت داخله نوشته اند و من این فرمایشی را که در اینجا اظهار کردند باو گفتم او میگوید روزنامه رسمی را در همه جایك اهمیت فوق العاده داده اند و در اینجا اهمیت نداده اند و من لازم میدانم که این لایحه از مجلس بگذرد بواسطه اینکه نظری که مستشاروزارت داخله داشته اند توأناً باید کرد وزارت داخله این لایحه را پیشنهاد مجلس کرده و تصور میکنم که در این جزئیات زیاده از این تردیدی نشود و زودتر این لایحه بگذرد بهتر است.

بهجت - اگر چه آقای وزیر داخله فرمودند که این لایحه از نظر مستشار وزارت داخله گذشته است و حالا پیشنهاد مجلس شورای ملی میشود مملکت بنده حالا نظرات خودم را عرض میکنم این لایحه چهار پنج ماده است فقط ماده آخرش يك چیز است که ممکن است دو قسمت شود و در قسمت آخر رای گرفته شود ماده اول که مفاد قانون اساسی و مقدمه است از برای هر يك از قوانینی که وضع میشود پس ماده اول راجع است بقانون اساسی بنا بر این آن ماده اول چیزی نیست که راجع بر روزنامه رسمی باشد ماده دومش دست آقایان در نظر بگیرند هیچ راجع نیست بمجلس و راجع است بخود وزارتخانه حکامی که صادر میشود با قوانینی که وضع میشود باید اداره روزنامه رسمی بفرستند و درج نمایند دیگر این راجع بمجلس نیست این راجع بخود وزارتخانه ها است مثلا اینجا مینویسد که اگر نیاز دارند بدهند از طرف اداره روزنامه رسمی اختطاری خواهد شد قانون آن چیزی است که اگر نیاز دارند معطایبه شود اختطار شود و این بهر چه راجع بقانون نیست و مربوط بخود هیئت وزراء است آمدیم سر ماده سیم ماده سیم هم نظامنامه است برای اداره روزنامه رسمی و چیزی نیست که از مجلس بگذرد و ممکن است يك وقت تغییر کند یا اینکه وزارت داخله لازم بداند يك فصل بر او علاوه کند پس در اینصورت این ماده هم راجع بقانون نیست ماده ۴ هم قسمت اولش که راجع بمطبوعه است و ربط بقانون ندارد و بنظر بنده چیزی نیست که از مجلس بگذرد فقط چیزی که هست يك صرفه جوئی است که دو اداره یکی شود و يك مدیر داشته باشند این يك صرفه جوئی است و هر طور وزارت داخله صلاح میداند باید مقرر بدارند و با نظریکه وزارت داخله دارد باید اجرا شود اما قسمت دومش که مشمول روزنامه رسمی کیست صحیح است و معلوم است که مشمول وزارت داخله است این هم يك چیزی است که ممکن است بآن ماده که از مجلس گذشته علاوه کنیم و الا این لایحه چیزی نیست که قانون باشد و از مجلس بگذرد و همین طور که عرض کردم قسمت سیم اولش مقدمه است و قسمت دومش مربوط بمجلس نیست قسمت سیم نظامنامه است برای روزنامه رسمی قسمت اول از ماده ۴ هم که يك چیز زائدی

است و قسمت دومش را هم ممکن است اضافه بآن ماده که از مجلس گذشته کرد .

حاج شیخ اسدالله - در اینجا دو سه ایراد شد و جوابی از طرف وزارت داخله داده نشد که اسباب اسکات آقایانی که اشکال دارند بشود همینقدر در آخر فرمایششان فرمودند خواهش می کنم که در این جزئیات نباید اینقدر اشکال کرد و بقیه بنده که جزئیات نیست خیلی کلیات است ملاحظه بفرمائید که تمام این مطالبی که از اول تا آخر از تمام ادارات می رود با اداره روزنامه رسمی باید درج شود و با اطلاع وزارت داخله باشد و این یک مطلب کوچکی نیست یک مطلب بزرگی است اگر چه صورتاً کوچک است ولی معنای خیلی بزرگ است هر اداره دولتی خودش مستقیماً مطالبش را که اهمیت دارد بفرستد با اداره روزنامه رسمی و اداره روزنامه رسمی هم باید مطالب هر وزارتخانه را رسماً بپذیرد اینست که این را باین ترتیب نمیتوان دای داد سایر مطالب هم که میگوید قوانین موضوعه پارلمانی و دستخطهای همانونی قابل اجرا نیست مگر اینکه در روزنامه رسمی درج شود بنده این را هم یک مطلب بزرگی میدانم و قانونی کردن این مطلب را بنده صحیح میدانم و بسا هست که یک وقتی روزنامه رسمی تعطیل باشد آنوقت قوانین موضوعه از مجلس و احکام وزارتخانهها چه حالی پیدا خواهند کرد اگر چه اینها جزئی است و چیزی نیست اما وقتیکه مبتلای اوشدیم می بینیم چه محظوراتی بر میخوردیم آنوقت مملکت ما بچه کیفیت باید آموزش جریان پیدا کند این است که این را بنده میدانم بچه ترتیب رأی بدهیم و مطالب دیگر هم که دفعه اول لایحه که در باب روزنامه رسمی بمجلس آمد و یک ماده گذشت بهمان ترتیبی که حالا آقای آقا میرزا ابراهیمخان او را قرائت فرمودند در ضمن او تمام این مطالب مندرج است و مجلس شورای ملی در واقع در این باب رأی داده است بنا بر این عرض میکنم که دیگر نمیتوانیم در اینجا رأی بدهیم و باید قناعت بکنیم بهمان قانونی که از مجلس گذشته است و در این قانون دیگر مذاکره کردن صحیح نیست .

حاج وکیل الرعایا - برای اینکه مردم بخوبی از وضع جریان امور آگاه بشوند و از صحت امور دولت چنانچه هست بیشتر از این مسیوق بشوند تنها وسیله که هست این است که در قانون اساسی هم اشاره شده است که باید احکامات و بعضی تأسیسات و اقدامات دولت در روزنامه رسمی اعلان شود و مردم بدانند اینها کدامش مقرون بصحت است اگر بعضی ها بگویند بر فرض در روزنامه رسمی نباشد در سایر جرائد نوشته میشود گویا فراموش کرده اند که این روزنامه رسمی اعتبارش و صحتش زیادتر باشد از یک روزنامه غیر رسمی و گمان میکنم که سایر ایراداتی که در اینجا هست هیچ متوجه این پیشنهاد نیست برای این کبر فرض ما چنان تصور کردیم که همه اینها لازم نبود در مجلس بیاید میخواستیم بدانیم آمدنش بمجلس ضرر چه چیز است آمدنش ضرر نمیساند و اما رد کردنش شاید ضرری بمبارساند که آن ضرر هارا نمیتوانم در اینجا عرض کنم که عیب این چه چیزهاست مصلحت بمن اجازه نمیدهد اولاً ممکن است یک وقتی در یکی از احکامات دولتی یک سهوی شده باشد ممکن

است مردم اقلاً از این سهو مطلع بشوند یا اینکه یکی يك التاء شبهه بخواهد بکند و بگوید که این حکم در حق من ناهق داده شده است و بیقانونی شده آن حکم در آنجا دیده میشود و مردم می بینند هیچ بی قانونی نشده است و آبروی دولت بجای خودش باقی است و این لایحه هیچ ضرری رانیتواند شامل باشد ولی اگر این مواد بجای خودش باشد میتواند يك منفعتی را برای خودش جلب کند البته در وقتیکه داخل مواد شدند در تغییرات مواد کسی مانع نیست که اصلاح بکند .

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی است یا کافی نیست .

(بعضی گفتند کافی است و بعضی کافی نمیدانستند)

رئیس - رأی می گیریم که مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس معلوم میشود مذاکرات کافی نیست .

آقای میرزا ابراهیم خان - بنده در حقیقت خیلی متشکرم که نظریات بنده خیلی موافق بوده است با نظریات وزارت داخله عرض بنده در این است که چرا وزارت داخله حق مسلم خودش را میخواهد بیا واگذار کند بنده لازم میدانم که امروز مردم بدانند تفاوت بین قانون و مقررات وزارتخانهها چیست که قانون کدام است و مقررات وزارتخانهها کدام و آن چیزی را که ما اسم او را قانون میکنیم و حق هیئت تقنینیه است چه چیز است و آن چیز را که خود وزارت داخله و هیئت او میتواند جزء مقررات خودش از برای حسن جریان يك قانون و از برای حسن انتظامات وزارتخانهها حکم باجری آن بفرماید آن کدام است بنده این لایحه را هم چنانکه عرض کردم جزء مقررات وزارت داخله و جزء انتظامات داخله خود میدانم و وزیر داخله را بکلی مختار میدانم که معافین این لایحه را قبل از اینکه بمجلس بیاید جزء مقررات وزارت داخله دستور العمل بدهند و امر باجری آن بنمایند و اگر گفته شده باشد که آن اهمیتی را که باید بروزنامه رسمی داده باشد داده نشده است بنده هم تصدیق میکنم ولی چون ما مبتکریم در این موضوع چنانچه نیست که این دائر شده است و وزیر داخله هم در اینست آنوقت هر ایضی که بتواند طرف اصلاحات اینکار بکنند نداشته اند و انشاء الله بعد از این میتوانند اهمیتی که در نظر است آن اهمیتی را که مستشاروزارت داخله در نظر دارد بروزنامه رسمی و مندرجات او بدهند و البته وجود مستشار هم برای همین است که اینطور نظرات داشته باشند و اینطور پیشنهادها را بکنند و وزارت داخله هم بعد از قبول مجلس و بعد از آنکه از مجلس گذشته باشد بموقع اجراء بگذارند .

حاج سید ابراهیم - اولاً در باب روزنامه رسمی لایحه چندنی پیش بمجلس آمد و اجلاً تکلیف روزنامه رسمی را معین کرد که چه جور باید باشد و چطور مطالب را حاوی باشد بعد معلوم شد که نواقص دارد و یاره مطالب دیگر هم هست که باید در روزنامه رسمی درج شود اگر چه بخواهیم تکلیف را از هر جهت معلوم بکنیم باید بصورت لایحه قانونی که

چه جور مطالب باید قانوناً در او درج شود بگذرانیم که اگر وزارت داخله اجراء نکند مسئول باشنده تا نیا اینکه قوانین اداری تمام وزارتخانهها باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد و روزنامه رسمی يك جزئی است از اجراء ادارات وزارت داخله و قانون آن جزء قانون اداری وزارت داخله است البته آتم باید بمجلس بیاید و از تصویب مجلس بگذرد اگر وزارت داخله تمام قوانین اداری خود را آورده بوده و تصویب شده بود دیگر لازم نبود لایحه قانونی برای روزنامه رسمی بمجلس بیاید حالا محتاج شده که علیحده بطور لایحه پیشنهاد کنند در آصورت باید در آن مذاکره کرد و تصویب نمود و تا نیا اینکه اشکال میشود در بعضی موادش بنده خیلی تعجب میکنم در صورتیکه تمام این مواد محسنت او است یکی اجراء نشدن احکام و دستخطها مگر پس از درج شدن در روزنامه رسمی اینهم صحیح است بجهت اینکه عقل و شرع حکم میکنند که عقاب و مؤاخذه بلبایان جایز نیست اول باید بر دم اعلان شود پس از اجراء نشدن او مؤاخذه نموده البته تا این ملت تفهیم که فلان قانون یا فلان حکم از بدیهه خود صادر شده مورد مؤاخذه نخواهد بود و قوه مجریه هم مجبور باجری اونست ملت هم مسئول نخواهد بود چون میتواند بگوید همین اعلان نشده بود من نمیدانستم دیگر اینکه بعضی مطالب در این لایحه زیاد کرده اند از قبیل دایرورت های کمیسیون های مجلس و بعضی مطالب دیگر که آن هم اهمیت دارد البته مجلس همانطوری که از حیث مظهر آراء ملت اساساً چیزی هم باید مظهر اطلاعات ملت باشد در يك روزنامه که رسمیت معینی دارد و در مجلس معین شده است که این روزنامه از طرف دولت رسمی است و کذب در او نیست مسالقه و اغراق ندارد و در واقع لسان مجلس است ناطقی است از طرف ملت و باید تمام مقررات مجلس و دولت در اینجا مندرج شود تا ملت بداند و آنچه مطالب که در مجلس شورای ملی مطرح میشود که منافع و حقوق ملت را حفظ میکند باید در همان روزنامه که لسان ملت است درج شود و مردم ابلاغ بشود پس آنچه در اینجا ذکر شده است از محسنت این لایحه است و بنده قانونی میدانم و لازم میدانم از مجلس بگذرد که اگر فرضاً يك دفعه مدیر روزنامه اخلاق کرد از او مؤاخذه شود چنانچه پس از اعلان از ملت مطالبه اهتتال آن میشود و از قوه مجریه مطالبه اجراء آن میشود .

بهجت - یک وقتی بنده میتوانم متقاعد شوم که جواب هر ایض خود را بنشوم یا اینکه اگر آقایان جواب هر ایض بنده را نمیفرمودند بر ایض بنده متقاعد میشدند بنده هیچ منکر روزنامه رسمی نیستم که محسنت او را بگویند البته روزنامه رسمی لازم است مندرجات او هم باید چه باشد قانون اساسی هم ذکر کرده است تمام اینها درست ولی هر ایض بنده یکی یکی باید جواب داده شود عرض کردم ماده اول مفاد قانون است آیا ماده اول بر مقررات سابق چه افزوده است دوم اینکه احکامی که از وزارتخانهها بیرون می آید در روزنامه رسمی درج شود بعد اجراء بشود یعنی اگر درج نشود رسمیت ندارد مطلب سهلی باشد یا مطلب مشکلی ولی میخواستیم بدانیم این چه ربطی بروزنامه رسمی

دارد این مطلب ابداری با اداره روزنامه رسمی ندارد خوب است ما در این موضوع حرف نزنیم بنده هم موافق احکامیکه از وزارتخانه بیرون می آید در آن روزنامه درج شود ولی این مطلب مربوط بروزنامه رسمی نیست و برای روزنامه رسمی قانون نیست قانون هر وزارتخانه راجع بخدمت است این را باید بمجلس شورای ملی برای آن وزارتخانه خانه قانون معین کند نه برای روزنامه رسمی سیم عرض کردم جزو نظامنامه داخلی آن اداره است حالا اگر از مجلس بگذرد شاید يك وقت وزارت داخله لازم میداند که يك فصلی بر او بیفزاید آن وقت باز لازم است که بمجلس بیاید آدمیم بر سر قسمت چهارم که جزو اولش راجع به مطبوعه است و دخل و خرجش راجع بوزارت مالیه است ولی از حیث اداری هر ترتیبی بخواهند بدهند میتوانند اما جزء چهارم که مسئول کیست این صحیح است و معلوم است مسئول وزارت داخله است این مطلب صحیح است و بنده هم لازم میدانم که جزو آن ماده پیش بینی بکنند و بآن ماده ضمیمه بشود والا این که آقایان استدلال میکنند که روزنامه رسمی لازم است و مقررات او چه باید باشد و باید قانونی باشد بنده این را مخالفم والا در مندرجات و لزوم روزنامه که بنده مخالف نیومد .

وزیر داخله - از فرمایشات آقای بهجت همچو معلوم میشود که فرق مابین روزنامه رسمی و غیر رسمی گذاشته نشود فرمایشات نمایندگان محترم جوابهایی دارد ولی برای این که وقت مجلس شورای ملی این قدر تضییع و تضییق نشود و اگر رأی میدهند بروی کمیسیون که کمیسیون اطلاعات خود را بعمل آورده بعد اگر لازم شد بر گردد به مجلس .

رئیس - مذاکرات کافیست آقای آقا سید حسین اردبیلی پیشنهادی کرده که ارجاع شود بکمیسیون معارف مخالفی هست (گفتند خیر) (پیشنهاد مندرج بیاعتبار ذیل قرائت شد) .

بنده پیشنهاد میکنم که لایحه قانونی راجع بروزنامه رسمی بکمیسیون معارف ارجاع شود تا در آنجا مطالبیکه برآمده واحده قانونی سابق علاوه شده است بطور خلاصه در تحت يك ماده العاقبه مندرج و بمجلس فرستاده شود .

رئیس - رأی میکنیم که این لایحه بر گردد بکمیسیون معارف آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (مجلس قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد بر میگردیم بقانون انتخابات : خراسان - سیستان - ۱۰ نفر مشهد - چناران - رادکان - جام - باخرز ۴ نفر

رئیس - مخالفی هست .

افتخار الواعظین - بنده با این کدر مجلس در ضمن شور اول از جمله اشخاصی بودم که عقیده ام این بود که امروز از برای ما بهتر خواهد بود که عده نمایندگان منحصر بهمان ۱۲۰ نفر باشد و در باب ازدیاد و کلیل عقیده نداشتم بجهتیکه عرض کردم ولی در باب عده نمایندگان خراسان نه از بابت این که زیاد است یا کم خیر اگر عده نمایندگان خراسان را ده نفر یا ۸ نفر هم میفرستند مخالفی

نداشتم ولی در طرز تقسیم و حوزه بندیها مخالف هستم که بعضی جاهایش از روی صحت مراعات نشده است مثلاً نوشته است مشهد - چناران - رادکان - جام - باخرز ۴ نفر البته این قدر جمعیت را اگر ما بسنجیم و ملاحظه کنیم خود مشهد با تمام بلوکاتش باجم باخرز هفت نماینده دارد یعنی ۷۰۰ هزار جمعیت دارد و مشهد با اطرافش حق ۴ نفر وکیل و نماینده دارند یعنی ۴۰۰ هزار نفوس هست عرض میکنم باید نوشته شود و توابع جام باخرز را بر دارید یا بلوک دیگر را هم بنویسند از برای اینکه مردم وقتی این را ببینند احتمال میدهد که جام باخرز هم جزو مشهد باشد والا اگر بنا است که بلوکات معین نشود مشهدی که دارای هفت بلوک است حق نیست که دو بلوک او معین شود و باقی بلوک دیگر معین نشود مثلاً مشهد اگر ببینند یا آنها یک طرف مشهد نوشته است مشهد و توابع هر جائیکه جزء مشهدند حاضر میشوند از برای انتخاب ولی وقتیکه اینجا میبینند نوشته شده است چناران - رادکان مثلاً (طادکان) نوشته شده است بلوک ورزان نوشته نشده است و سایر بلوکات نوشته نشده است آنوقت آنها همچو گمان میکنند که بآن پنج بلوک دیگر حق انتخاب وکیل داده نشده است فقط حق انتخاب وکیل به شهر مشهد و آن دو بلوک داده شده باید تمام بلوکات را بنویسند تا بدانند که چه اشخاصی و بلوکات حق دارند شرکت انتخابات شهر مشهد بکنند چه اشخاصی حق دارند که با انتخاب دیگری که اسم برده شده است شرکت بکنند یا اینکه فقط مشهد و توابع نوشته شود و يك مخالفت دیگر بنده آنست که مینویسند سبزوار و فریمان .

رئیس - راجع بسبزوار نیست راجع به مشهد است .

افتخار الواعظین - پس آنجا را بعد عرض میکنم .

معزز الملک - اگر چه آقای افتخار الواعظین در باب حوزه بندی خراسان مخالفت نکردند فقط گفتند از بلوکات مشهد دوجا را نوشته اند یا اینکه آنجاها را بردارند و بنویسند توابع یا اینکه اسم تمام بلوکات را ببرند دیگر مخالفتی نداشتم این چندان محل اشکال نیست ولی اینکه جام باخرز نوشته شده است بجهت اینست که جام باخرز حکومت نشین علیحده است ولی بقیه بنده بهتر این بود که چناران و رادکان و سایر بلوکات را هم اضافه بکنند و پیشنهادی هم بنده تقدیم میکنم .

رئیس - معلوم شد که مخالف بودید .

معزز الملک - هم مخالف وهم موافق بودم .

رئیس - آقای حاج شیخ علی در مشهد و چناران ۰ رادکان جام باخرز مخالفتی دارید؟

حاج شیخ علی خراسانی - خیر در اینجا مخالفتی ندارم .

حاج سید ابراهیم - در این حوزه بندیها عرض میکنم که این عده نماینده کافی که داده شده است زیاد است بلکه عرض میکنم که حکم است بجهت آینده عده نفوس ایران زیاد از بیست و چهار کسر است ولی وقتیکه نمایندگان دولت آمدند و ملاحظه کردند نظر آنها و نظر بعضی

بر این بوده که باید عده نمایندگان را کمتر کرد تا زودتر مجلس افتتاح شود این بود که از روی صد و بیست و صدی ۲۰ نفر تقسیم کرده اند و از روی همین ترتیب باید طوری حوزه بندیها را تقسیم کرده باشند که مطلوب و متناسب باشد حالا بنده در تمام این حوزه بندیها که نگاه میکنم می بینم این حوزه بندیها متناسب نیست مثلاً مشهد و توابع را چهار نفر نوشته اند و اصفهان را با چندین مجال و قصبه سه نفر ما باید بگوئیم اینجا چهار نفر داریم از عده اطلاع وی تناسبی نبود و آنکه واقعا بگوئیم که چون چهارصد هزار نفر بوده اند چهار نفر داده و در جاهای دیگر که هم چهارصد هزار نفر بوده به ملاحظه تقبیل عده کمتر داده ایم باز بی تناسب نیست پس بملاحظه فقط تناسب باید بشود و توابع سه نفر داده یا اگر چهار نفر میبیم بجای دیگر هم بهمان نسبت باید داده شود تا تناسبی پایکدیگر داشته باشد ولی چون نظر دولت و کمیسیون بر زیاده نشدن عده نمایندگان از صد و بیست نفر است بنده از برای مشهد ۴ نفر زیادتر را لازم نمی دانم .

رئیس - مذاکرات در این باب کافی نیست آقای هشتروندی مخالف هستی؟

هشتروندی - بنده در کلیات مخالفم .

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم که بیش از آن وقتیکه در دو شور در حوزه بندیها کرده اند باز دیگر وقت نداشته باشیم که دقت بکنیم و يك وسائلی هم برای دقت بیشتر از این نداریم تا آن که اهالی هر ایالتی بخواهند عده نمایندگان آنجا را زیاد کنند و اگر بنا بر این باشد بنده مجبورم که بنا بر این عرض اولی خود را تکرار کنم که جمع بین دودند ممکن نیست یکی کمی عده کل نمایندگان و یکی زیاد کردن در تقسیمات و در خراسان هم چنانچه فرمودند بنده هم تصدیق میکنم کمی ممکن است عده کثیری جمعیت آنجا باشد ولی این نکته را هم نباید فراموش کرد که عده کثیری از خارج بآنجا میروند برای انجام يك مقصود مقدس میروند و بانها ۶ ماه هیچ وقت زیاد تر نمیمانند گمان میکنم در خصوص نمایندگان آنجا بهتر این است آقایان قناعت کنند و زودتر این قانون از مجلس بگذرد .

دکتر حاج رضا خان - این که آقای حاج وکیل الرعایا اشاره فرمودند چون يك ماده هست که هر کسبیکه رأی میدهد البته باید ۶ ماه در آنجا باشد و آنها ۶ ماه نیستند بنده حقیقاً استدعا میکنم از آقای مغیر که يك میزانی بست ما بدهند بنده نمیدانم این چه میزانی است که بهر حوزه يك مخالفت تازه برای من تولید میشود حالا که این ۴ نفر از برای خراسان معین شده است ۳ نفر هم زیاد است انتخاب جمعی که نیست فردی است عرض میکنم که خراسان ۴۰۰ هزار بیشتر که جمعیت ندارد پس اگر از چناران و رادکان و جام باخرز که اینجا اسمی برده اند و جاهای دیگر که اسم میبرند که مسبق باشند بنده از چناران خوب اطلاع دارم که يك نفری است که هزاره هزاره یا صد خانوار دارد ولی دیگر نمیدانم این ۴ نفر را دادیم خراسان سابق (۱۱) نفر داشته است و این صد و بیست نفر را دست بکنیم همانطور که دست کردیم و